

استاندارد بین‌المللی حسابداری 39
ابزارهای مالی: شناخت و اندازه‌گیری

فهرست مندرجات

<u>از بند</u>	هدف
1	دامنه کاربرد
2	تعاریف
8	ابزارهای مشتقه تعبیه‌شده
10	شناخت و قطع شناخت
14	شناخت اولیه
14	قطع شناخت دارایی مالی
15	انتقالهایی که واجد شرایط قطع شناخت هستند
24	انتقالهایی که واجد شرایط قطع شناخت نیستند
29	مشارکت مستمر در داراییهای انتقالیافته
30	تمام انتقالها
36	خرید یا فروش دارایی مالی به روش معمول
38	قطع شناخت بدهی مالی
39	اندازه‌گیری
43	اندازه‌گیری اولیه داراییهای مالی و بدهیهای مالی
43	اندازه‌گیری بعدی داراییهای مالی
45	اندازه‌گیری بعدی بدهیهای مالی
47	تجدید طبقه‌بندی
50	سودها و زیانها
55	کاهش ارزش و قابل وصول نبودن داراییهای مالی
58	داراییهای مالی که به بهای مستهلک شده به حساب منظور می‌شوند
63	داراییهای مالی که به بهای تمام شده به حساب منظور می‌شوند
66	داراییهای مالی آماده برای فروش
67	مصون‌سازی
71	ابزارهای مصون‌سازی
72	ابزارهای واجد شرایط
72	اختصاص ابزارهای مصون‌سازی
74	اقدام مصون‌شده
78	اقدام واجد شرایط
78	اختصاص اقدام مالی به عنوان اقدام مصون‌شده
81	اختصاص اقدام غیرمالی به عنوان اقدام مصون‌شده
82	اختصاص گروهی از اقدام به عنوان اقدام مصون‌شده
83	حسابداری مصون‌سازی
85	مصون‌سازی ارزش منصفانه
89	مصون‌سازی جریانهای نقدی
95	مصون‌سازی خالص سرمایه‌گذاری
102	تاریخ اجرا و گذار
103	کنارگذاری سایر بیانیها
109	پیوست

استاندارد بین‌المللی حسابداری 39 ابزارهای مالی: شناخت و اندازه‌گیری

هدف

1. هدف این استاندارد، تجویز اصول شناسایی و اندازه‌گیری داراییهای مالی، بدهیهای مالی و برخی قراردادهای خرید یا فروش اقلام غیرمالی است. الزامات ارائه اطلاعات درباره ابزارهای مالی در استاندارد بین‌المللی حسابداری 32 ابزارهای مالی: ارائه درج شده است. الزامات افشای اطلاعات درباره ابزارهای مالی در استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 7 ابزارهای مالی: افشا مطرح شده است.

دامنه کاربرد

2. این استاندارد باید توسط تمام واحدهای تجاری، برای تمام انواع ابزارهای مالی، به استثنای موارد زیر، بکار گرفته شود:

الف. منافع در واحدهای تجاری فرعی، واحدهای تجاری وابسته و مشارکتهای خاص که طبق استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 10 صورتهای مالی تلفیقی، استاندارد بین‌المللی حسابداری 27 صورتهای مالی جداگانه یا استاندارد بین‌المللی حسابداری 28 سرمایه‌گذاری در واحدهای تجاری وابسته و مشارکتهای خاص، به حساب منظور می‌شوند. با وجود این، در برخی موارد، استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 10، استاندارد بین‌المللی حسابداری 27 یا استاندارد بین‌المللی حسابداری 28، واحد تجاری را ملزم یا مجاز می‌کنند که منافع در واحدهای تجاری فرعی، واحدهای تجاری وابسته و مشارکت خاص را طبق تمام یا برخی الزامات این استاندارد به حساب منظور کنند. واحدهای تجاری، همچنین باید این استاندارد را برای ابزارهای مشتقه مربوط به منافع در واحدهای تجاری فرعی، واحدهای تجاری وابسته یا مشارکتهای خاص بکار گیرند مگر اینکه ابزار مشتقه، تعریف ابزارهای مالکانه واحد تجاری، مندرج در استاندارد بین‌المللی حسابداری 32 را احراز کند.

ب. حقوق و تعهدات طبق قراردادهای اجاره، که استاندارد بین‌المللی حسابداری 17 اجاره‌ها برای آنها کاربرد دارد. با وجود این:

1. دریافتنی‌های اجاره که توسط اجاره‌دهنده شناسایی می‌شود، مشمول شرایط قطع شناخت و کاهش ارزش مندرج در این استاندارد است (به بندهای 15 تا 37، 58، 59، 63 تا 65 و پیوست الف، بندهای رب36 تا رب52 و رب84 تا رب93 مراجعه شود)؛

2. پرداختنی‌های اجاره تأمین مالی که توسط اجاره‌کننده شناسایی می‌شود، مشمول شرایط قطع شناخت در این

استاندارد است (به بندهای 39 تا 42 و پیوست الف، بندهای رب57 تا رب63 مراجعه شود)؛ و

3. ابزارهای مشتقه تعبیه‌شده در اجاره‌ها، مشمول شرایط ابزارهای مشتقه تعبیه‌شده در این استاندارد است (به بندهای 10 تا 13 و پیوست الف، بندهای رب27 تا رب33 مراجعه شود).

پ. حقوق و تعهدات کارکنان طبق طرحهای مزایای کارکنان، که استاندارد بین‌المللی حسابداری 19 **مزایای کارکنان** برای آنها بکار گرفته می‌شود.

ت. ابزارهای مالی منتشرشده توسط واحد تجاری که تعریف ابزارهای مالکانه مندرج در استاندارد بین‌المللی حسابداری 32 را احراز می‌کند (شامل اختیارات معامله و امتیازهای خرید سهام)، یا طبق بندهای 16 الف و 16 ب یا بندهای 16 پ و 16 ت استاندارد بین‌المللی حسابداری 32، باید به عنوان ابزارهای مالکانه طبقه‌بندی شود. با وجود این، دارنده این ابزارهای مالکانه باید این استاندارد را برای آن ابزارها بکار گیرد مگر اینکه مشمول استثنای قسمت (الف) بالا را باشد.

ث. حقوق و تعهدات ناشی از (1) قراردادهای بیمه طبق تعریف مندرج در استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 4 **قراردادهای بیمه**، غیر از حقوق و تعهدات ناشر طبق قرارداد بیمه‌ای که تعریف قرارداد تضمین مالی در بند 9 را احراز می‌کند، یا (2) قراردادی که به دلیل برخورداری از ویژگی مشارکت اختیاری، در دامنه کاربرد استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 4 قرار می‌گیرد. با این وجود، این استاندارد برای ابزارهای مشتقه تعبیه‌شده در قراردادی که در دامنه کاربرد استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 4 است در صورتی کاربرد دارد که ابزار مشتقه، خود، قراردادی در دامنه کاربرد استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 4 نباشد (به بندهای 10 تا 13 و پیوست الف، بندهای رب27 تا رب33 مراجعه شود). افزون بر این، در صورتی که ناشر قراردادهای تضمین مالی، پیش از این به صراحت اظهار کرده باشد که چنین قراردادهایی را به عنوان قراردادهای بیمه در نظر می‌گیرد و از شیوه حسابداری قابل اجرا برای قراردادهای بیمه استفاده کرده باشد، ناشر می‌تواند تصمیم بگیرد که این استاندارد یا استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 4 را برای این‌گونه قراردادهای تضمین مالی بکار گیرد (به بندهای رب4 و رب4 الف مراجعه شود). ناشر می‌تواند در این خصوص، برای هر قرارداد بطور جداگانه تصمیم بگیرد، اما هر تصمیمی که برای هر قرارداد اتخاذ می‌شود، برگشتناپذیر است.

ج. [حذف شد]

ج. هرگونه پیمان آتی بین واحد تحصیل‌کننده و سهامدار فروشنده برای خرید یا فروش واحد تحصیل‌شده که منجر به ترکیب تجاری در دامنه کاربرد استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 3 **ترکیبهای تجاری** در تاریخ تحصیل آتی می‌شود. دوره زمانی پیمان آتی نباید بیشتر از دوره

معقولی باشد که بطور معمول، برای دستیابی به هرگونه مصوبه مورد نیاز و تکمیل معامله، ضروری است.

ج. تعهدات وام به غیر از تعهدات وام مطرح‌شده در بند 4. ناشر تعهدات وام باید برای تعهدات وامی که در دامنه کاربرد این استاندارد قرار نمی‌گیرد، استاندارد بین‌المللی حسابداری 37 *ذخایر، بدهیهای احتمالی و داراییهای احتمالی* را بکار گیرد. با وجود این، تمام تعهدات وام، مشمول شرایط قطع شناخت این استاندارد است (به بندهای 15 تا 42 و پیوست الف، بندهای رب36 تا رب63 مراجعه شود).

خ. ابزارهای مالی، قراردادهای و تعهدات مربوط به معاملات پرداخت مبتنی بر سهام که استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 2 *پرداخت مبتنی بر سهام* برای آنها کاربرد دارد، به استثنای قراردادهایی که در دامنه کاربرد بندهای 5 تا 7 این استاندارد قرار می‌گیرند و این استاندارد برای آنها کاربرد دارد.

د. حقوق نسبت به پرداختهای انجام‌شده به واحد تجاری بابت جبران مخارج لازم برای تسویه یک بدهی که طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری 37 به عنوان ذخیره شناسایی می‌شود، یا برای آن قبلاً، طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری 37 ذخیره شناسایی شده است.

2الف. [این بند اشاره به اصلاحاتی دارد که هنوز لازم‌الاجرا نشده است و بنابراین، در این ویرایش درج نشده است.]

3. [حذف شد]

4. تعهدات وام، در موارد زیر، در دامنه کاربرد این استاندارد قرار می‌گیرد:

الف. تعهدات وامی که واحد تجاری آنها را به طبقه بدهیهای مالی اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره اختصاص می‌دهد. واحد تجاری که سابقه فروش داراییهای حاصل از تعهدات وام را تنها مدت کوتاهی پس از ایجاد آن دارد، باید این استاندارد را برای تمام تعهدات وام در همان طبقه، بکار گیرد.

ب. تعهدات وامی که به صورت خالص از طریق نقد یا از طریق تحویل یا انتشار ابزار مالی دیگر، قابل تسویه است. این تعهدات وام، ابزارهای مشتقه هستند. تعهد وام صرفاً به این دلیل که تعهد بطور اقساطی پرداخت شده است، تسویه‌شده به صورت خالص، تلقی نمی‌شود (برای مثال، وام رهنی ساخت که بطور اقساطی با پیشرفت ساخت پرداخت می‌شود).

پ. تعهد به فراهم کردن وام به نرخ پایین‌تر از نرخ بهره بازار. بند 47(ت)، اندازه‌گیری بعدی بدهیهای ناشی از این تعهدات وام را مشخص می‌کند.

5. این استاندارد باید برای قراردادهای خرید یا فروش اقلام غیرمالی که به صورت خالص از طریق نقد یا ابزار مالی دیگر، یا از طریق مبادله ابزارهای مالی، قابل تسویه است بکار

گرفته شود، گویی اینکه این قراردادها ابزار مالی بوده‌اند، به استثنای قراردادهایی که به منظور دریافت یا تحویل اقلام غیرمالی، مطابق با الزامات خرید، فروش یا استفاده مورد انتظار واحد تجاری، منعقد شده است و همچنان نگهداری می‌شود.

5الف. [این بند اشاره به اصلاحاتی دارد که هنوز لازم‌الاجرا نشده است و بنابراین، در این ویرایش درج نشده است.]

6. روشهای مختلفی برای تسویه قراردادهای خرید یا فروش اقلام غیرمالی به صورت خالص از طریق نقد یا ابزار مالی دیگر یا از طریق مبادله ابزارهای مالی وجود دارد. این روشها شامل موارد زیر است:

الف. زمانی که شرایط قرارداد به هر یک از طرفین امکان تسویه به صورت خالص از طریق نقد یا ابزار مالی دیگر، یا از طریق مبادله ابزارهای مالی را می‌دهد؛

ب. زمانی که امکان تسویه به صورت خالص از طریق نقد یا ابزار مالی دیگر، یا از طریق مبادله ابزارهای مالی، در شرایط قرارداد تصریح نشده باشد، اما واحد تجاری سابقه تسویه قراردادهای مشابه به صورت خالص از طریق نقد یا ابزار مالی دیگر، یا از طریق مبادله ابزارهای مالی را دارد (از طریق انعقاد قراردادهای تهاثر با طرف مقابل یا از طریق فروش قرارداد قبل از اعمال یا انقضا)؛

پ. زمانی که واحد تجاری برای قراردادهای مشابه، سابقه تحویل دارایی پایه و فروش آن در دوره کوتاهی پس از تحویل، با هدف کسب سود از نوسانهای کوتاه‌مدت قیمت یا کارمزد معامله‌گر، را دارد؛ و

ت. زمانی که اقلام غیرمالی موضوع قرارداد، از نقدشوندگی بالایی برخوردار است.

قراردادی که قسمتهای (ب) یا (پ) در مورد آن کاربرد دارد، به منظور دریافت یا تحویل اقلام غیرمالی طبق الزامات خرید، فروش یا استفاده مورد انتظار واحد تجاری، منعقد نمی‌شود و در نتیجه در دامنه کاربرد این استاندارد قرار می‌گیرد. سایر قراردادهایی که بند 5 برای آنها کاربرد دارد، مورد ارزیابی قرار می‌گیرند تا تعیین شود که آیا به منظور دریافت یا تحویل اقلام غیرمالی طبق الزامات خرید، فروش یا استفاده مورد انتظار واحد تجاری، منعقد و همچنان نگهداری می‌شوند یا خیر، و بر این اساس مشخص می‌شود

که در دامنه کاربرد این استاندارد قرار می‌گیرند یا خیر.

7. اختیار معامله صادرشده برای خرید یا فروش یک قلم غیرمالی که به صورت خالص از طریق نقد یا ابزار مالی دیگر، یا از طریق مبادله ابزارهای مالی تسویه می‌شود، طبق بند 6 (الف) یا (ت)، در دامنه کاربرد این استاندارد قرار می‌گیرد. چنین قراردادی نمی‌تواند با هدف دریافت یا تحویل اقلام غیرمالی طبق الزامات خرید، فروش یا استفاده مورد انتظار واحد تجاری منعقد شود.

تعاریف

8. اصطلاحات تعریف‌شده در استاندارد بین‌المللی حسابداری 32، در این استاندارد با معانی مشخص‌شده در بند 11 استاندارد بین‌المللی حسابداری 32، مورد استفاده قرار می‌گیرد. استاندارد بین‌المللی حسابداری 32، اصطلاحات زیر را تعریف می‌کند:

- ابزار مالی
- دارایی مالی
- بدهی مالی
- ابزار مالکانه

و رهنمودی درباره نحوه بکارگیری این تعاریف ارائه می‌نماید.

9. در این استاندارد اصطلاحات زیر با معانی مشخص زیر بکار گرفته می‌شود:

تعریف ابزار مشتقه

ابزار مشتقه یک ابزار مالی یا قرارداد دیگری است که در دامنه کاربرد این استاندارد (به بندهای 2 تا 7 مراجعه شود) قرار می‌گیرد و از هر سه ویژگی زیر برخوردار است:

الف. ارزش آن در واکنش به تغییر در نرخ بهره، قیمت ابزار مالی، قیمت کالا، نرخ مبادله ارزی، شاخص قیمت‌ها یا نرخها، رتبه اعتباری یا شاخص اعتباری یا متغیر معین دیگری، تغییر کند مشروط بر اینکه در مورد متغیر غیرمالی، متغیر مختص یک طرف قرارداد نباشد (برخی مواقع به آن "دارایی پایه" گویند).

ب. سرمایه‌گذاری خالص اولیه مورد نیاز نباشد یا سرمایه‌گذاری خالص اولیه کمتر از مبلغ مورد نیاز برای سایر انواع قراردادهایی باشد که انتظار می‌رود نسبت به تغییر در عوامل بازار، واکنش مشابه داشته باشند؛ و

پ. در تاریخی در آینده تسویه شود.

تعاریف چهار طبقه ابزارهای مالی

دارایی مالی یا بدهی مالی اندازه‌گیری شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره، دارایی مالی یا بدهی مالی است که یکی از شرایط زیر را احراز می‌کند:

الف. به عنوان نگهداری شده برای مبادله طبقه‌بندی شده باشد. دارایی مالی یا بدهی مالی در صورتی به عنوان نگهداری شده برای مبادله طبقه‌بندی می‌شود که:

1. اساساً با هدف فروش یا بازخرید آن در آینده نزدیک، تحصیل یا تحمل شود؛

2. در زمان شناخت اولیه، بخشی از پرتفوی ابزارهای مالی مشخصی باشد که همراه با یکدیگر مدیریت می‌شوند و شواهدی از الگوی واقعی و جدید سودآوری کوتاه مدت آنها وجود دارد؛ یا

3. یک ابزار مشتقه باشد (به غیر از ابزار مشتقه‌ای که قرارداد تضمین مالی است یا به عنوان یک ابزار مصون‌سازی تخصیص یافته و اثربخش می‌باشد).

الفالف. مابه‌ازای احتمالی واحد تحصیل‌کننده در ترکیب تجاری باشد که استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 3 ترکیبهای تجاری برای آن کاربرد دارد.

ب. در زمان شناخت اولیه، واحد تجاری آن را به طبقه اندازه‌گیری شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره اختصاص داده باشد. واحد تجاری از این طبقه‌بندی تنها هنگامی می‌تواند استفاده کند که طبق بند 11 الف مجاز باشد، یا به یکی از دلایل زیر، این طبقه‌بندی منجر به ارائه اطلاعات مربوطتر شود:

1. این طبقه‌بندی، عدم یکنواختی در شناخت و اندازه‌گیری را حذف می‌کند یا بطور قابل ملاحظه‌ای آن را کاهش دهد (برخی مواقع به آن "عدم تطابق حسابداری" می‌گویند) که در غیر این صورت، در نتیجه اندازه‌گیری داراییها یا بدهیها یا شناخت سودها و زیانهای مربوط به آنها با مبنای متفاوت، ایجاد می‌شود؛ یا

2. طبق مدیریت ریسک مستند شده یا راهبرد سرمایه‌گذاری، گروهی از داراییهای مالی، بدهیهای مالی یا هر دو، بر مبنای ارزش منصفانه مدیریت و عملکرد آن ارزیابی می‌گردد، و اطلاعات درباره گروه بر اساس آن مبنا بطور درون‌سازمانی به مدیران اصلی واحد تجاری (طبق تعریف مندرج در استاندارد بین‌المللی حسابداری 24 افشای اطلاعات اشخاص وابسته)، برای مثال هیئت مدیره و مدیرعامل واحد تجاری ارائه می‌شود.

در استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 7، بندهای 9 تا 11 و ب4، واحد تجاری را به ارائه افشا درباره داراییهای مالی و بدهیهای مالی اختصاص یافته به طبقه اندازه‌گیری شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره، از جمله نحوه احراز این شرایط توسط واحد تجاری،

ملزم می‌کند. در ارتباط با ابزارهایی که شرایط قسمت (2) بالا را احراز می‌کنند، افشای مزبور شامل توضیح نحوه سازگاری اختصاص ابزارهای مالی به طبقه اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره با مدیریت ریسک مستندشده یا راهبرد سرمایه‌گذاری واحد تجاری است.

سرمایه‌گذاری در ابزارهای مالکانه‌ای که قیمت اعلام‌شده در بازار فعال ندارند و ارزش منصفانه آنها به‌گونه‌ای قابل اتکا، قابل اندازه‌گیری نیست (به بند 46(پ) و پیوست الف بندهای رب80 و رب81 مراجعه شود)، نباید به طبقه اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره، اختصاص یابد.

باید توجه شود که استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 13 اندازه‌گیری ارزش منصفانه، الزامات اندازه‌گیری ارزش منصفانه دارایی مالی یا بدهی مالی را، صرف نظر از اختصاص آن به طبقه اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره یا افشای ارزش منصفانه آن، تعیین می‌کند.

سرمایه‌گذاریهای نگهداری‌شده تا سررسید داراییهای مالی غیرمشتقه با پرداختهای ثابت یا قابل تعیین و با سررسید ثابتی هستند که واحد تجاری قصد و توان مشخصی برای نگهداری آنها تا سررسید دارد (به پیوست الف بندهای رب16 تا رب25 مراجعه شود)، به استثنای:

الف. مواردی که واحد تجاری در زمان شناخت اولیه، آنها را به طبقه اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره اختصاص می‌دهد؛

ب. مواردی که واحد تجاری آنها را به طبقه آماده برای فروش اختصاص می‌دهد؛ و

پ. مواردی که تعریف وامها و دریافتنی‌ها را احراز می‌کنند.

در صورتی که واحد تجاری در دوره مالی جاری یا دو دوره مالی قبلی، بیش از مبلغ کم‌اهمیتی از سرمایه‌گذاریهای نگهداری‌شده تا سررسید را قبل از سررسید به فروش رسانده یا تجدید طبقه‌بندی کرده باشد (بیش از مبلغ کم‌اهمیت در مقایسه با کل مبلغ سرمایه‌گذاریهای نگهداری‌شده تا سررسید)، واحد تجاری نباید هیچ یک از داراییهای مالی را به عنوان نگهداری‌شده تا سررسید طبقه‌بندی کند مگر در مورد فروشها یا تجدید طبقه‌بندی‌هایی که:

الف. به تاریخ سررسید یا به تاریخ بازخرید داراییهای مالی بسیار نزدیک باشد (برای مثال، کمتر از سه ماه قبل از تاریخ سررسید) به‌گونه‌ای که تغییر در نرخ بهره بازار، اثر بااهمیتی بر ارزش منصفانه دارایی مالی نداشته باشد؛

ب. پس از اینکه واحد تجاری اساساً تمام مبلغ اصل اولیه دارایی مالی را از طریق پرداختهای زمانبندی‌شده یا تسویه پیش از سررسید وصول کرد، واقع شده باشد؛ یا

پ. قابل انتساب به رویداد مشخصی باشد که خارج از کنترل واحد تجاری است، تکرارشونده نیست و واحد تجاری نمی‌تواند آن را بطور معقول پیش‌بینی کند.

وامها و دریافتنی‌ها داراییهای مالی غیرمشقوقه‌ای هستند که دارای پرداختهای ثابت یا قابل تعیین می‌باشند و قیمت اعلام‌شده در بازار فعال ندارند، به استثنای:

الف. مواردی که واحد تجاری قصد دارد آنها را فوراً یا در آینده نزدیک به فروش رساند، که باید به عنوان نگهداری‌شده برای مبادله طبقه‌بندی شوند، و مواردی که واحد تجاری در زمان شناخت اولیه، آنها را به طبقه اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان اختصاص می‌دهد؛

ب. مواردی که واحد تجاری در زمان شناخت اولیه، آنها را به طبقه آماده برای فروش اختصاص می‌دهد؛ یا

پ. مواردی که دارند آنها، اساساً امکان بازیافت تمام سرمایه‌گذاری اولیه را ندارد، به غیر از مواردی که به علت وخامت وضعیت اعتباری، باید به عنوان آماده برای فروش طبقه‌بندی شوند.

منافع تحصیل‌شده در نتیجه تجمیع داراییهایی که وام یا دریافتنی نیستند (برای مثال، منافع در صندوقهای سرمایه‌گذاری مشترک یا صندوقهای مشابه)، وام یا دریافتنی محسوب نمی‌شوند.

داراییهای مالی آماده برای فروش داراییهای مالی غیرمشقوقه‌ای هستند که به طبقه آماده برای فروش اختصاص می‌یابند یا به عنوان (الف) وامها و دریافتنی‌ها، (ب) سرمایه‌گذاریهای نگهداری‌شده تا سررسید یا (پ) داراییهای مالی اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره طبقه‌بندی نمی‌شوند.

تعریف قرارداد تضمین مالی

قرارداد تضمین مالی قراردادی است که هرگاه بدهکاری معین، در تاریخ سررسید، طبق مفاد اصلی یا تعدیل‌شده ابزار بدهی، پرداخت را انجام ندهد، به منظور جبران زیان تحمل‌شده توسط دارنده ابزار، ناشر را ملزم به انجام پرداختهای مشخصی می‌کند.

تعاریف مربوط به شناخت و اندازه‌گیری

بهای مستهلک‌شده دارایی مالی یا بدهی مالی مبلغ اندازه‌گیری‌شده برای دارایی مالی یا بدهی مالی در زمان شناخت اولیه، پس از کسر بازپرداخت اصل، به اضافه یا منهای استهلاک انباشته با استفاده از روش بهره مؤثر برای هرگونه تفاوت بین مبلغ اولیه و مبلغ سررسید و پس از کسر هرگونه کاهش (مستقیم یا از طریق بکارگیری حساب ذخیره کاهش ارزش) بابت کاهش ارزش یا غیر قابل وصول بودن، می‌باشد.

روش بهره مؤثر روشی برای محاسبه بهای مستهلک‌شده دارایی مالی یا بدهی مالی (یا گروهی از داراییهای مالی یا

بدهیهای مالی) و تخصیص درآمد بهره یا هزینه بهره به دوره مربوط، می‌باشد.

نرخ بهره مؤثر نرخ‌ی است که بطور دقیق، پرداختها یا دریافت‌های نقدی آتی برآوردی را در طول عمر مورد انتظار ابزار مالی یا، در موارد مقتضی، در طول دوره‌ای کوتاه‌تر به خالص ارزش دفتری دارایی مالی یا بدهی مالی تنزیل می‌کند. هنگام محاسبه نرخ بهره مؤثر، واحد تجاری باید جریانهای نقدی را با در نظر گرفتن تمام شرایط قراردادی ابزار مالی برآورد کند (برای مثال، تسویه پیش از سررسید، اختیارات خرید و اختیارات مشابه) اما نباید زیانهای اعتباری آتی را در نظر بگیرد. این محاسبه، شامل تمام حق‌الزحمه‌ها و جرائم پرداختی یا دریافتی بین طرفین قرارداد که بخش جدانشدنی نرخ بهره مؤثر است (به استاندارد بین‌المللی حسابداری 18 درآمد عملیاتی مراجعه شود)، مخارج معامله و سایر صرفها یا کسرها می‌باشد. این پیش‌فرض وجود دارد که جریانهای نقدی و طول عمر مورد انتظار گروهی از ابزارهای مالی مشابه، بطور قابل اتکا، قابل برآورد است. با وجود این، در موارد نادری که برآورد قابل اتکای جریانهای نقدی یا طول عمر مورد انتظار ابزار مالی (یا گروهی از ابزارهای مالی) امکانپذیر نیست، واحد تجاری باید از جریانهای نقدی قراردادی در طول عمر قراردادی ابزار مالی (یا گروهی از ابزارهای مالی) استفاده نماید.

قطع شناخت حذف دارایی مالی یا بدهی مالی قبلاً شناسایی‌شده، از صورت وضعیت مالی واحد تجاری است.

ارزش منصفانه قیمتی است که برای فروش یک دارایی یا انتقال یک بدهی در معامله‌ای متعارف بین فعالان بازار، در تاریخ اندازه‌گیری قابل دریافت یا قابل پرداخت خواهد بود. (به استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 13 اندازه‌گیری ارزش منصفانه مراجعه شود.)

خرید یا فروش به روش معمول خرید یا فروش دارایی مالی طبق یک قرارداد است که شرایط آن، تحویل دارایی در بازه زمانی تعیین‌شده طبق مقررات یا قواعد بازار مربوط را الزامی می‌کند.

مخارج معامله مخارج اضافی است که بطور مستقیم به تحصیل، انتشار یا واگذاری دارایی مالی یا بدهی مالی قابل انتساب است (به پیوست الف بند ر13 مراجعه شود). مخارج اضافی به مخارجی گویند که اگر واحد تجاری ابزار مالی را تحصیل، منتشر یا واگذار نکرده بود، واقع نمی‌شد.

تعاریف مربوط به حسابداری مصون‌سازی

تعهد قطعی توافقی الزام‌آور برای مبادله مقادیر مشخصی از منابع به قیمتی مشخص در تاریخ یا تاریخهای معین از آینده است.

معامله پیش‌بینی‌شده معامله آتی تعهدنشده اما پیش‌بینی‌شده است.

ابزار مصون‌سازی یک ابزار مشتقه اختصاص‌یافته یا (تنها به منظور مصون‌سازی ریسک تغییر در نرخهای مبادله ارزی) دارایی

مالی غیرمشتقه اختصاص‌یافته یا بدهی مالی غیرمشتقه اختصاص‌یافته‌ای است که انتظار می‌رود ارزش منصفانه یا جریانهای نقدی آن، تغییرات در ارزش منصفانه یا جریانهای نقدی قلم مصون‌شده اختصاص‌یافته را تهاثر کند (بندهای 72 تا 77 و پیوست الف بندهای رب94 تا رب97، جزئیات مربوط به تعریف ابزار مصون‌سازی را توضیح می‌دهند).

قلم مصون‌شده یک دارایی، بدهی، تعهد قطعی، معامله پیش‌بینی‌شده بسیار محتمل، یا خالص سرمایه‌گذاری در عملیات خارجی است که (الف) واحد تجاری را در معرض ریسک تغییرات در ارزش منصفانه یا جریانهای نقدی آتی قرار می‌دهد و (ب) به عنوان قلمی که مصون خواهد شد، اختصاص می‌یابد (بندهای 78 تا 84 و پیوست الف بندهای رب98 تا رب101، جزئیات مربوط به تعریف اقلام مصون‌شده را توضیح می‌دهند).

اثربخشی مصون‌سازی نشان می‌دهد که چه میزان از تغییرات در ارزش منصفانه یا جریانهای نقدی قلم مصون‌شده که قابل انتساب به ریسک مصون‌سازی است، با تغییرات در ارزش منصفانه یا جریانهای نقدی ابزار مصون‌سازی تهاثر می‌شود (به پیوست الف بندهای رب105 تا رب113 مراجعه شود).

ابزارهای مشتقه تعبیه‌شده

10. ابزار مشتقه تعبیه‌شده، جزئی از یک ابزار مختلط است که دربردارنده یک قرارداد میزبان غیرمشتقه نیز می‌باشد، به‌گونه‌ای که برخی جریانهای نقدی این ابزار مختلط، مشابه با یک ابزار مشتقه مستقل تغییر می‌کند. ابزار مشتقه تعبیه‌شده موجب می‌شود که تمام یا برخی جریانهای نقدی (الزامی طبق قرارداد در صورت عدم تعبیه ابزار مشتقه)، بر اساس نرخ بهره، قیمت ابزار مالی، قیمت کالا، نرخ مبادله ارزی، شاخص قیمتها یا نرخها، رتبه اعتباری یا شاخص اعتباری یا متغیر معین دیگری تعدیل شود مشروط بر اینکه در مورد متغیر غیرمالی، این متغیر مختص یکی از طرفین قرارداد نباشد. ابزار مشتقه‌ای که به یک ابزار مالی ضمیمه شده است، اما بطور قراردادی مستقل از آن ابزار، قابل انتقال است، یا طرف معامله متفاوتی نسبت به آن ابزار دارد، ابزار مشتقه تعبیه‌شده محسوب نمی‌شود بلکه یک ابزار مالی جداگانه است.

11. ابزار مشتقه تعبیه‌شده باید تنها در صورتی طبق این استاندارد از قرارداد میزبان تفکیک و به عنوان ابزار مشتقه به حساب گرفته شود که:

الف. ویژگیهای اقتصادی و ریسکهای ابزار مشتقه تعبیه‌شده، با ویژگیهای اقتصادی و ریسکهای قرارداد میزبان، ارتباط نزدیک نداشته باشد (به پیوست الف بندهای رب30 و رب33 مراجعه شود)؛

ب. یک ابزار جداگانه با شرایط یکسان با ابزار مشتقه تعبیه‌شده، تعریف ابزار مشتقه را احراز کند؛ و

پ. ابزار مختلط، به ارزش منصفانه به‌گونه‌ای که تغییرات در ارزش منصفانه در سود یا زیان دوره شناسایی شود، اندازه‌گیری نشود (یعنی ابزار مشتقه‌ای که در دارایی مالی یا بدهی مالی اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره تعبیه شده است، تفکیک نمی‌شود).

اگر ابزار مشتقه تعبیه‌شده تفکیک شود، قرارداد میزبان در صورتی باید طبق این استاندارد به حساب منظور شود که ابزار مالی باشد و اگر ابزار مالی نباشد، طبق استانداردهای مناسب دیگر به حساب گرفته خواهد شد. در این استاندارد، این موضوع که آیا ابزار مشتقه تعبیه‌شده باید در صورت وضعیت مالی بطور جداگانه ارائه شود یا خیر، مطرح نمی‌شود.

11الف. با وجود بند 11، در صورتی که قرارداد شامل یک یا چند ابزار مشتقه تعبیه‌شده باشد، واحد تجاری ممکن است کل قرارداد مختلط را به عنوان دارایی مالی یا بدهی مالی اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره اختصاص دهد مگر اینکه:

الف. ابزار(های) مشتقه تعبیه‌شده، جریانهای نقدی (الزامی طبق قرارداد در صورت عدم تعبیه ابزار مشتقه) را بطور قابل ملاحظه‌ای تعدیل نکند؛ یا

ب. در ابتدا، با تحلیل اندک یا بدون هرگونه تحلیل ابزار مختلط مشابه مشخص باشد که تفکیک ابزار(های) مشتقه تعبیه‌شده ممنوع است، مانند اختیار تسویه پیش از سررسید منظور شده در وام که برای دارنده امکان تسویه پیش از سررسید به مبلغ تقریباً برابر با بهای مستهلک‌شده وام را فراهم می‌کند.

12. در صورتی که طبق این استاندارد، واحد تجاری ملزم به تفکیک ابزار مشتقه تعبیه‌شده از قرارداد میزبان باشد، اما اندازه‌گیری جداگانه ابزار مشتقه تعبیه‌شده، در زمان تحصیل یا در پایان دوره گزارشگری مالی بعدی، برای واحد تجاری امکانپذیر نباشد، باید کل قرارداد مختلط را به طبقه اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره، اختصاص دهد. همچنین، در صورتی که واحد تجاری نتواند ابزار مشتقه تعبیه‌شده را که تفکیک آن هنگام تجدید طبقه‌بندی به خارج از طبقه اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره الزامی است، بطور جداگانه اندازه‌گیری نماید، این تجدید طبقه‌بندی منع می‌شود. در این شرایط، قرارداد مختلط در طبقه اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره باقی می‌ماند.

13. اگر واحد تجاری نتواند ارزش منصفانه ابزار مشتقه تعبیه‌شده را بر مبنای مفاد و شرایط آن، بطور قابل اتکا اندازه‌گیری کند (برای مثال، به علت اینکه ابزار مشتقه تعبیه‌شده، مبتنی بر ابزار مالکانه‌ای است که قیمت اعلام‌شده در بازار فعال برای ابزاری یکسان، یعنی داده ورودی سطح 1، ندارد)، ارزش منصفانه ابزار مشتقه تعبیه‌شده عبارت از تفاوت بین ارزش منصفانه ابزار مختلط و ارزش منصفانه قرارداد

میزبان می‌باشد. اگر برای واحد تجاری اندازه‌گیری ارزش منصفانه ابزار مشتقه تعبیه‌شده با استفاده از این شیوه امکان‌پذیر نباشد، بند 12 کاربرد دارد و ابزار مختلط به طبقه اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره، اختصاص داده می‌شود.

شناخت و قطع شناخت

شناخت اولیه

14. واحد تجاری، تنها زمانی باید دارایی مالی یا بدهی مالی را در صورت وضعیت مالی شناسایی کند که یکی از طرفین شرایط قراردادی آن ابزار شود (به بند 38 در ارتباط با خرید داراییهای مالی به روش معمول مراجعه شود).

قطع شناخت دارایی مالی

15. در صورتهای مالی تلفیقی، بندهای 16 تا 23 و پیوست الف بندهای رب34 تا رب52، در سطح تلفیقی بکار گرفته می‌شوند. بنابراین، واحد تجاری نخست تمام واحدهای تجاری فرعی را طبق استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 10 تلفیق می‌کند و سپس بندهای 16 تا 23 و بندهای رب34 تا رب52 پیوست الف را برای گروه ایجادشده، بکار می‌گیرد.

16. قبل از ارزیابی مناسب بودن و میزان قطع شناخت طبق بندهای 17 تا 23، واحد تجاری باید این موضوع را مشخص کند که آیا آن بندها باید به صورت زیر برای بخشی از دارایی مالی (یا بخشی از گروه داراییهای مالی مشابه) یا برای کل یک دارایی مالی (یا گروه داراییهای مالی مشابه) بکار گرفته شود.

الف. بندهای 17 تا 23 تنها در صورتی برای بخشی از دارایی مالی (یا بخشی از گروه داراییهای مالی مشابه) کاربرد دارد که بخش مورد نظر یکی از سه شرط زیر را برای قطع شناخت، احراز کند.

1. این بخش تنها شامل جریانهای نقدی مشخص ناشی از یک دارایی مالی (یا گروه داراییهای مالی مشابه) باشد. برای مثال، هنگامی که واحد تجاری استریپ نرخ بهره را منعقد می‌کند که به موجب آن، طرف معامله نسبت به جریانهای نقدی بهره دارای حق می‌شود، اما حق نسبت به جریانهای نقدی اصل حاصل از ابزار بدهی را کسب نمی‌کند، بندهای 17 تا 23 برای جریانهای نقدی بهره بکار گرفته می‌شود.

2. این بخش تنها شامل سهم کاملاً متناسبی (نسبی) از جریانهای نقدی ناشی از یک دارایی مالی (یا گروه داراییهای مالی مشابه) باشد. برای مثال، هنگامی که واحد تجاری توافقی منعقد می‌کند که به موجب آن، برای طرف معامله نسبت به ۹۰ درصد از تمام جریانهای نقدی یک ابزار بدهی حق ایجاد می‌شود،

بندهای 17 تا 23، برای ۹۰ درصد آن جریانهای نقدی بکار گرفته می‌شود. اگر بیش از یک طرف معامله وجود داشته باشد، لزومی ندارد هر یک از طرفهای معامله سهم متناسبی از جریانهای نقدی داشته باشند مشروط بر اینکه واحد تجاری انتقال‌دهنده، سهم کاملاً متناسبی داشته باشد.

3. این بخش تنها شامل سهم کاملاً متناسبی (نسبی) از جریانهای نقدی مشخص ناشی از یک دارایی مالی (یا گروه داراییهای مالی مشابه) باشد. برای مثال، زمانی که واحد تجاری توافقی منعقد می‌کند که به موجب آن، برای طرف معامله نسبت به ۹۰ درصد از جریانهای نقدی بهره ناشی از یک دارایی مالی حق ایجاد می‌شود، بندهای 17 تا 23 برای ۹۰ درصد آن جریانهای نقدی بهره بکار گرفته می‌شود. اگر بیش از یک طرف معامله وجود داشته باشد، لزومی ندارد هر یک از طرفهای معامله سهم متناسبی از جریانهای نقدی داشته باشند مشروط بر اینکه واحد تجاری انتقال‌دهنده، سهم کاملاً متناسبی داشته باشد.

ب. در سایر موارد، بندهای 17 تا 23 برای کل دارایی مالی (یا گروه داراییهای مالی مشابه بطور کامل) بکار گرفته می‌شود. برای مثال، هنگامی که واحد تجاری (۱) حق نسبت به نخستین یا آخرین 90 درصد از دریافت‌های نقدی ناشی از یک دارایی مالی (یا گروه داراییهای مالی) را منتقل می‌کند، یا (۲) حق نسبت به ۹۰ درصد از جریانهای نقدی ناشی از گروه دریافت‌نی‌ها را منتقل می‌کند، اما برای جبران هرگونه زیان اعتباری، تا 8 درصد مبلغ اصل دریافت‌نی‌ها را به خریدار تضمین می‌دهد، بندهای 17 تا 23 در مورد کل دارایی مالی (یا گروه داراییهای مالی مشابه) بکار گرفته می‌شود.

در بندهای 17 تا 26، منظور از اصطلاح "دارایی مالی"، بخشی از یک دارایی مالی (یا بخشی از گروه داراییهای مالی مشابه) است که در قسمت (الف) بالا مشخص می‌شود، یا در غیر این صورت، کل دارایی مالی (یا گروه داراییهای مالی مشابه) است.

17. واحد تجاری تنها در صورتی باید دارایی مالی را قطع شناخت کند که:

الف. حقوق قراردادی نسبت به جریانهای نقدی ناشی از دارایی مالی منقضی شده باشد؛ یا

ب. طبق بندهای 18 و 19، دارایی مالی را منتقل کرده باشد و این انتقال طبق بند 20، واجد شرایط قطع شناخت باشد.

(در مورد فروش داراییهای مالی روش معمول به بند 38 مراجعه شود).

18. واحد تجاری تنها در صورتی دارایی مالی را منتقل می‌کند که:

الف. حقوق قراردادی نسبت به دریافت جریانهای نقدی دارایی مالی را منتقل کند؛ یا

ب. حقوق قراردادی نسبت به دریافت جریانهای نقدی دارایی مالی را حفظ کند، اما تعهد قراردادی برای پرداخت جریانهای نقدی به یک یا چند دریافت‌کننده را در توافقی که شرطهای بند 19 را احراز می‌کند، تقبل نماید.

19. اگر واحد تجاری حقوق قراردادی نسبت به دریافت جریانهای نقدی یک دارایی مالی (دارایی اصلی) را حفظ کند، اما تعهد قراردادی برای پرداخت جریانهای نقدی به یک یا چند واحد تجاری (دریافت‌کنندگان نهایی) را تقبل نماید، واحد تجاری تنها در صورتی این معامله را به عنوان انتقال یک دارایی در نظر می‌گیرد که هر سه شرط زیر احراز شود.

الف. واحد تجاری هیچ تعهدی برای پرداخت مبالغی به دریافت‌کنندگان نهایی نداشته باشد مگر اینکه مبالغ معادل را از دارایی اصلی وصول نماید. پیش‌پرداختهای کوتاه‌مدت توسط واحد تجاری با حق بازافت کامل مبالغ وام داده‌شده به اضافه بهره تحقیق‌افته به نرخهای بازار، این شرط را نقض نمی‌کند.

ب. واحد تجاری طبق شرایط قرارداد انتقال، از فروش یا وثیقه گذاشتن دارایی اصلی، مگر به عنوان تضمین نزد دریافت‌کنندگان نهایی بابت تعهد پرداخت جریانهای نقدی به آنها، منع شده باشد.

پ. واحد تجاری متعهد باشد هرگونه جریانهای نقدی وصولی به نمایندگی از دریافت‌کنندگان نهایی را بدون تأخیر با اهمیت ارسال نماید. افزون بر این، واحد تجاری، به استثنای سرمایه‌گذاری در نقد یا معادلهای نقد (طبق تعریف استاندارد بین‌المللی حسابداری ۷ صورت جریانهای نقدی) طی دوره کوتاه تسویه از تاریخ وصول تا تاریخ مقرر برای ارسال به دریافت‌کنندگان نهایی، حق سرمایه‌گذاری مجدد این جریانهای نقدی را نداشته باشد و بهره کسب‌شده چنین سرمایه‌گذاریهایی به دریافت‌کنندگان نهایی انتقال داده شود.

20. در صورتی که واحد تجاری یک دارایی مالی را منتقل کند (به بند 18 مراجعه شود)، باید میزان حفظ ریسکها و مزایای مالکیت آن دارایی مالی را ارزیابی نماید. در این مورد:

الف. اگر واحد تجاری اساساً تمام ریسکها و مزایای مالکیت دارایی مالی را منتقل کند، باید دارایی مالی را قطع شناخت نماید و هرگونه حقوق و تعهدات ایجادشده یا حفظ‌شده در انتقال را بطور جداگانه به عنوان دارایی یا بدهی شناسایی کند.

ب. اگر واحد تجاری اساساً تمام ریسکها و مزایای مالکیت دارایی مالی را حفظ کند، باید همچنان آن دارایی مالی را شناسایی نماید.

پ. اگر واحد تجاری اساساً تمام ریسکها و مزایای مالکیت دارایی مالی را نه منتقل کند و نه حفظ نماید، باید تعیین کند که آیا کنترل دارایی مالی را حفظ کرده است یا خیر. در این مورد:

1. اگر واحد تجاری کنترل را حفظ نکرده باشد، باید دارایی مالی را قطع شناخت کند و هرگونه حقوق و تعهدات ایجادشده یا حفظشده در انتقال را جداگانه، به عنوان دارایی یا بدهی شناسایی نماید.

2. اگر واحد تجاری کنترل را حفظ کرده باشد، باید به میزان مشارکت مستمر در آن دارایی مالی، دارایی مالی شناسایی کند (به بند 30 مراجعه شود).

21. انتقال ریسکها و مزایا (به بند 20 مراجعه شود)، از طریق مقایسه آسیبپذیری واحد تجاری از نوسان در مبالغ و زمانبندی خالص جریانهای نقدی دارایی انتقالیافته، قبل و بعد از انتقال، ارزیابی میشود. واحد تجاری در صورتی اساساً تمام ریسکها و مزایای مالکیت دارایی مالی را حفظ میکند که آسیبپذیری آن از نوسان در ارزش فعلی خالص جریانهای نقدی آتی ناشی از دارایی مالی، در نتیجه انتقال به میزان قابل ملاحظه‌ای تغییر نکرده باشد (برای مثال به دلیل اینکه واحد تجاری یک دارایی مالی را که مشمول توافق بازخرید به قیمت ثابت یا قیمت فروش به اضافه بازده وام‌دهنده است، به فروش رسانده باشد). واحد تجاری در صورتی اساساً تمام ریسکها و مزایای مالکیت یک دارایی را انتقال داده است که آسیبپذیری آن واحد تجاری از چنین نوسانی نسبت به کل نوسان در ارزش فعلی خالص جریانهای نقدی آتی وابسته به آن دارایی مالی، دیگر قابل ملاحظه نباشد (برای مثال به دلیل اینکه واحد تجاری یک دارایی مالی را که تنها مشمول اختیار بازخرید به ارزش منصفانه در زمان بازخرید است، به فروش رسانده باشد یا سهم کاملاً متناسبی از جریانهای نقدی ناشی از یک دارایی مالی بزرگتر را طی یک توافق، مانند مشارکت جزئی در وام، که واجد شرایط بند 19 میباشد، منتقل کرده باشد).

22. اغلب، این موضوع که واحد تجاری اساساً تمام ریسکها و مزایای مالکیت را منتقل یا حفظ کرده است، واضح است و نیازی به انجام محاسبات ندارد. در سایر موارد، محاسبه و مقایسه آسیبپذیری واحد تجاری از نوسان در ارزش فعلی خالص جریانهای نقدی آتی، قبل و بعد از انتقال، ضرورت می‌یابد. این محاسبه و مقایسه با استفاده از نرخ بهره مناسب جاری بازار به عنوان نرخ تنزیل انجام میشود. تمام نوسانهای محتمل معقول در خالص جریانهای نقدی، در نظر گرفته میشود و وزن بیشتر به نتایجی داده میشود که از احتمال وقوع بالاتری برخوردار است.

23. اینکه واحد تجاری، کنترل دارایی منتقل‌شده را حفظ کرده است یا خیر (به بند 20 (پ) مراجعه شود)، به توانایی انتقال‌گیرنده برای فروش دارایی بستگی دارد. در صورتی که انتقال‌گیرنده، در عمل توانایی فروش کل دارایی به اشخاص ثالث غیروابسته را داشته باشد و بتواند این توانایی را بصورت یکجانبه و بدون نیاز به تحمیل محدودیتهای اضافی بر انتقال، اعمال نماید، واحد تجاری کنترل را حفظ نکرده است. در تمام موارد دیگر، واحد تجاری کنترل را حفظ کرده است.

انتقالهایی که واجد شرایط قطع شناخت هستند (به بند 20 (الف) و (پ) (1) مراجعه شود)

24. در صورتی که واحد تجاری دارایی مالی را در فرایندی انتقال دهد که کل دارایی مالی، واجد شرایط قطع شناخت شود و واحد تجاری حق ارائه خدمات به دارایی مالی را در ازای کارمزد برای خود حفظ کند، واحد تجاری باید بابت قرارداد ارائه خدمات، دارایی خدماتی یا بدهی خدماتی شناسایی نماید. اگر انتظار رود که کارمزد دریافتی، هزینه ارائه خدمات توسط واحد تجاری را به اندازه کافی جبران کند، باید بابت تعهد خدماتی، بدهی خدماتی معادل ارزش منصفانه آن شناسایی شود. اگر انتظار رود کارمزد قابل دریافت برای جبران خدمات، بیش از هزینه ارائه خدمات باشد باید بابت حق ارائه خدمات طبق بند 27، دارایی خدماتی به مبلغ تعیین‌شده بر اساس تخصیص مبلغ دفتری دارایی مالی بزرگتر، شناسایی شود.

25. اگر، در نتیجه انتقال، دارایی مالی بطور کامل قطع شناخت شود اما این انتقال منجر به کسب دارایی مالی جدید یا تقبل بدهی مالی جدید یا بدهی خدماتی شود، واحد تجاری باید دارایی مالی جدید، بدهی مالی جدید یا بدهی خدماتی را به ارزش منصفانه شناسایی کند.

26. هنگام قطع شناخت کامل دارایی مالی، تفاوت بین موارد زیر باید در سود یا زیان دوره شناسایی شود:
الف. مبلغ دفتری و

ب. مجموع (1) مابه‌ازای دریافتی (شامل هرگونه دارایی جدید کسب‌شده پس از کسر هرگونه بدهی جدید تقبل‌شده) و (2) هرگونه سود یا زیان انباشته شناسایی‌شده در سایر اقلام سود و زیان جامع (به بند 55 (ب) مراجعه شود).

27. اگر دارایی انتقال‌یافته بخشی از یک دارایی مالی بزرگتر باشد (برای مثال هنگامی که واحد تجاری جریانهای نقدی بهره را که بخشی از بدهی مالی است، انتقال می‌دهد، به بند 16 (الف) مراجعه شود) و بخش انتقال‌یافته، بطور کامل واجد شرایط قطع شناخت شود، مبلغ دفتری پیشین دارایی مالی بزرگتر باید بین بخشی که شناسایی آن ادامه دارد و بخشی که قطع شناخت می‌شود، بر مبنای ارزش منصفانه نسبی آن بخشها در تاریخ انتقال، تخصیص یابد. به این منظور، دارایی خدماتی حفظ‌شده باید به عنوان بخشی در نظر گرفته شود که شناسایی آن ادامه می‌یابد.

تفاوت بین موارد زیر باید در سود یا زیان دوره شناسایی شود:

الف. مبلغ دفتری تخصیص‌یافته به بخش قطع شناخت‌شده و

ب. مجموع (1) مابه‌ازای دریافتی بابت بخش قطع شناخت‌شده (شامل هرگونه دارایی جدید کسب‌شده پس از کسر هرگونه بدهی جدید تقبل‌شده) و (2) هرگونه سود یا زیان انباشته تخصیص‌یافته به آن که در سایر اقلام سود و زیان جامع شناسایی شده بود (به بند 55(ب) مراجعه شود).

سود یا زیان انباشته‌ای که در سایر اقلام سود و زیان جامع شناسایی شده بود، بین بخشی که شناسایی آن ادامه دارد و بخشی که قطع شناخت شده است، بر مبنای ارزش منصفانه نسبی آن بخشها، تخصیص داده می‌شود.

28. هنگامی که واحد تجاری مبلغ دفتری پیشین دارایی مالی بزرگتر را بین بخشی که شناخت آن ادامه دارد و بخشی که قطع شناخت شده است، تخصیص می‌دهد، اندازه‌گیری ارزش منصفانه بخشی که شناخت آن ادامه دارد، ضرورت می‌یابد. اگر واحد تجاری سابقه فروش بخشهایی مشابه با بخشی که شناخت آن ادامه دارد را داشته باشد یا درخصوص چنین بخشهایی، معاملات دیگری در بازار وجود داشته باشد، قیمت‌های اخیر معاملات واقعی، بهترین برآورد ارزش منصفانه آن محسوب می‌شود. در صورت نبود قیمت اعلام‌شده یا معاملات اخیر در بازار برای پشتیبانی از ارزش منصفانه بخشی که شناخت آن ادامه دارد، بهترین برآورد ارزش منصفانه عبارت از تفاوت بین ارزش منصفانه کل دارایی مالی بزرگتر و مابه‌ازای دریافتی از انتقال‌گیرنده بابت بخش قطع شناخت شده است.

انتقالهایی که واجد شرایط قطع شناخت نیستند (به بند 20(ب) مراجعه شود)

29. اگر به علت اینکه واحد تجاری اساساً تمام ریسکها و مزایای مالکیت دارایی انتقال‌یافته را حفظ کرده است، انتقال منجر به قطع شناخت نشود، واحد تجاری باید همچنان کل دارایی انتقالی را شناسایی کند و بابت مابه‌ازای دریافتی، بدهی مالی شناسایی نماید. در دوره‌های بعدی، واحد تجاری باید هرگونه درآمد مربوط به دارایی انتقال‌یافته و هرگونه هزینه تحمل‌شده بابت بدهی مالی را شناسایی کند.

مشارکت مستمر در داراییهای انتقال‌یافته (به بند 20(پ) (2) مراجعه شود)

30. اگر واحد تجاری اساساً تمام ریسکها و مزایای مالکیت دارایی انتقال‌یافته را نه منتقل کند و نه حفظ نماید و کنترل دارایی انتقال‌یافته را حفظ کند، به شناسایی دارایی انتقالی به میزان مشارکت مستمر خود ادامه می‌دهد. میزان مشارکت مستمر واحد تجاری در دارایی انتقال‌یافته، به میزان اثرپذیری از تغییرات در ارزش دارایی انتقال‌یافته است. برای مثال:

الف. در صورتی که مشارکت مستمر واحد تجاری، در قالب تضمین دارایی انتقال‌یافته باشد، میزان مشارکت مستمر واحد تجاری اقل (۱) مبلغ دارایی و (۲) حداکثر مبلغ مابه‌ازای دریافتی که واحد تجاری ممکن است ملزم به بازپرداخت آن شود ("مبلغ تضمین")، می‌باشد.

ب. اگر مشارکت مستمر واحد تجاری، در قالب اختیار معامله صادرشده یا خریداری‌شده (یا هر دو) مربوط به دارایی انتقال‌یافته باشد، میزان مشارکت مستمر واحد تجاری برابر با مبلغ دارایی انتقال‌یافته‌ای است که واحد تجاری ممکن است بازخرید کند. با وجود این، در مورد اختیار فروش صادرشده مربوط به یک دارایی که به ارزش منصفانه اندازه‌گیری می‌شود، میزان مشارکت مستمر واحد تجاری، به اقل ارزش منصفانه دارایی انتقال‌یافته و قیمت اعمال اختیار معامله محدود می‌شود (به بند رب48 مراجعه شود).

پ. اگر مشارکت مستمر واحد تجاری، در قالب اختیار تسویه نقدی دارایی انتقال‌یافته یا شرایط مشابهی در ارتباط با دارایی انتقال‌یافته باشد، میزان مشارکت مستمر واحد تجاری به همان شیوه‌ای اندازه‌گیری می‌شود که از اختیار تسویه غیرنقدی تشریح‌شده در قسمت (ب) بالا ایجاد می‌شود.

31. در صورتی که واحد تجاری تا میزان مشارکت مستمر خود، به شناسایی دارایی ادامه دهد، بدهی مربوط به آن را نیز شناسایی می‌کند. با وجود سایر الزامات اندازه‌گیری در این استاندارد، دارایی انتقال‌یافته و بدهی مربوط به آن، بر مبنای اندازه‌گیری می‌شود که نشان‌دهنده حقوق و تعهداتی باشد که واحد تجاری حفظ کرده است. بدهی مربوط به گونه‌ای اندازه‌گیری می‌شود که خالص مبلغ دفتری دارایی انتقال‌یافته و بدهی مربوط به آن عبارت است از:

الف. بهای مستهلک‌شده حقوق و تعهدات حفظ‌شده توسط واحد تجاری، در صورتی که دارایی انتقال‌یافته به بهای مستهلک‌شده اندازه‌گیری شود؛ یا

ب. معادل ارزش منصفانه حقوق و تعهدات حفظ‌شده توسط واحد تجاری هنگام اندازه‌گیری بر مبنای مستقل، در صورتی که دارایی انتقال‌یافته به ارزش منصفانه اندازه‌گیری شود.

32. واحد تجاری باید به میزان مشارکت مستمر خود، به شناسایی هرگونه درآمد ناشی از دارایی انتقال‌یافته ادامه دهد و هرگونه هزینه تحمل‌شده در ارتباط با بدهی مربوط به آن را شناسایی کند.

33. به منظور اندازه‌گیری بعدی، تغییرات شناسایی‌شده در ارزش منصفانه دارایی انتقال‌یافته و بدهی مربوط به آن، طبق بند 55، همواره با اعمال ثبات رویه نسبت به هم، به حساب گرفته می‌شوند و نباید تهاثر شوند.

34. در صورتی که مشارکت مستمر واحد تجاری، تنها در بخشی از یک دارایی مالی باشد (برای مثال زمانی که واحد تجاری اختیار بازخرید بخشی از دارایی انتقال‌یافته را حفظ می‌کند، یا منافع باقیمانده‌ای را حفظ می‌کند که موجب نمی‌شود اساساً تمام ریسکها و مزایای مالکیت حفظ شود و واحد تجاری کنترل را حفظ

می‌کند)، واحد تجاری مبلغ دفتری پیشین دارایی مالی را بین بخشی که بر اساس مشارکت مستمر، شناسایی آن همچنان ادامه دارد و بخشی که دیگر شناسایی نمی‌شود، بر مبنای ارزش منصفانه نسبی آن بخشها در تاریخ انتقال، تخصیص می‌دهد. برای این منظور، الزامات بند 28 کاربرد دارد. تفاوت بین موارد زیر باید در سود یا زیان دوره شناسایی شود:

الف. مبلغ دفتری تخصیص‌یافته به بخشی که دیگر شناسایی نمی‌شود؛ و

ب. مجموع (1) مابه‌ازای دریافتی بابت بخشی که دیگر شناسایی نمی‌شود و (2) هرگونه سود یا زیان انباشته تخصیص‌یافته به آن، که در سایر اقلام سود و زیان جامع شناسایی شده بود (به بند 55 (ب) مراجعه شود).

سود یا زیان انباشته شناسایی‌شده در سایر اقلام سود و زیان جامع، بین بخشی که شناسایی آن همچنان ادامه دارد و بخشی که دیگر شناسایی نمی‌شود، بر مبنای ارزشهای منصفانه نسبی آن بخشها، تخصیص داده می‌شود.

35. در صورتی که دارایی انتقال‌یافته به بهای مستهلک‌شده اندازه‌گیری شود، اختیار مندرج در این استاندارد برای اختصاص بدهی مالی به طبقه اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان، برای بدهی مربوط به آن کاربرد ندارد.

تمام انتقالها

36. در صورتی که شناسایی دارایی انتقال‌یافته همچنان ادامه یابد، دارایی و بدهی مربوط به آن نباید تهاتر شود. همچنین، واحد تجاری نباید هرگونه درآمد ناشی از دارایی انتقال‌یافته را با هرگونه هزینه تحمل‌شده در ارتباط با بدهی مربوط به آن، تهاتر کند (به بند 42 استاندارد بین‌المللی حسابداری 32 مراجعه شود).

37. در صورتی که انتقال‌دهنده، برای انتقال‌گیرنده وثیقه غیرنقدی (مانند ابزارهای بدهی یا مالکانه) فراهم آورد، شیوه به حساب منظور کردن وثیقه توسط انتقال‌دهنده و انتقال‌گیرنده، بستگی به این دارد که آیا انتقال‌گیرنده حق فروش یا به وثیقه گذاشتن مجدد آن وثیقه را دارد یا خیر و آیا انتقال‌دهنده نکول کرده است یا خیر. انتقال‌دهنده و انتقال‌گیرنده باید وثیقه را به شرح زیر به حساب منظور کنند:

الف. اگر انتقال‌گیرنده، طبق قرارداد یا عرف، حق فروش یا وثیقه گذاشتن مجدد آن وثیقه را داشته باشد، در این صورت انتقال‌دهنده باید آن دارایی را در صورت وضعیت مالی خود (برای مثال، به عنوان یک دارایی امانی، ابزارهای مالکانه به وثیقه گذاشته‌شده یا حسابهای دریافتنی بازخریدشده)، جدا از سایر داراییها، تجدید طبقه‌بندی کند.

ب. اگر انتقال‌گیرنده، وثیقه نزد خود را به فروش برساند، باید عواید حاصل از فروش و بدهی اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه بابت تعهد به استرداد وثیقه را شناسایی کند.

پ. اگر انتقال‌دهنده، با توجه به شرایط قرارداد، نکول کرده باشد و از آن پس، حق آزاد کردن وثیقه را نداشته باشد، باید وثیقه را قطع شناخت کند و انتقال‌گیرنده باید آن وثیقه را به عنوان دارایی خود که در شناخت اولیه به ارزش منصفانه اندازه‌گیری می‌شود، شناسایی نماید یا، اگر وثیقه را قبلاً به فروش رسانده است، تعهدات خود نسبت به استرداد وثیقه را قطع شناخت کند.

ت. به استثنای مورد مندرج در قسمت (پ)، انتقال‌دهنده باید وثیقه را همچنان به عنوان دارایی خود به حساب منظور کند و انتقال‌گیرنده نباید آن وثیقه را به عنوان دارایی شناسایی نماید.

خرید یا فروش دارایی مالی به روش معمول

38. خرید یا فروش داراییهای مالی به روش معمول، باید بر حسب مورد، بر اساس حسابداری در تاریخ معامله یا حسابداری در تاریخ تسویه، شناسایی و قطع شناخت شود (به پیوست الف بندهای رب53 تا رب56 مراجعه شود).

قطع شناخت بدهی مالی

39. واحد تجاری باید تنها در صورتی بدهی مالی (یا بخشی از بدهی مالی) را از صورت وضعیت مالی حذف کند که بدهی خاتمه یافته باشد، یعنی تعهد تعیین‌شده در قرارداد، ایفا یا فسخ یا منقضی شده باشد.

40. مبادله بین وام‌گیرنده و وام‌دهنده فعلی ابزارهای بدهی با شرایط اساساً متفاوت، باید به عنوان خاتمه بدهی مالی اصلی و شناسایی یک بدهی مالی جدید به حساب منظور شود. همچنین، تعدیل قابل ملاحظه شرایط یک بدهی مالی موجود یا بخشی از آن (صرفنظر از قابلیت انتساب آن به مشکلات مالی بدهکار)، باید به عنوان خاتمه بدهی مالی اولیه و شناسایی بدهی مالی جدید به حساب منظور شود.

41. تفاوت بین مبلغ دفتری بدهی مالی (یا بخشی از یک بدهی مالی) خاتمه‌یافته یا انتقال‌یافته به طرف دیگر و مابه‌ازای پرداختی، شامل هرگونه دارایی غیرنقدی انتقال‌یافته یا بدهی تقبل‌شده، باید در سود یا زیان دوره شناسایی شود.

42. اگر واحد تجاری بخشی از یک بدهی مالی را بازخرید کند، باید مبلغ دفتری پیشین بدهی مالی را بین بخشی که شناسایی آن همچنان ادامه دارد و بخشی که قطع شناخت شده است، بر مبنای ارزش منصفانه نسبی آن بخشها در تاریخ بازخرید، تخصیص دهد. تفاوت بین (الف) مبلغ دفتری تخصیص‌یافته به بخش قطع شناخت‌شده و (ب) مابه‌ازای پرداختی، شامل هرگونه دارایی غیرنقدی انتقال‌یافته یا بدهی تقبل‌شده، باید در سود یا زیان دوره شناسایی شود.

اندازه‌گیری

اندازه‌گیری اولیه داراییهای مالی و بدهیهای مالی

43. هنگام شناخت اولیه دارایی مالی یا بدهی مالی، واحد تجاری باید آن را به ارزش منصفانه به اضافه مخارج معامله‌ای که بطور مستقیم قابل انتساب به تحصیل یا انتشار دارایی مالی یا بدهی مالی است، در مورد دارایی مالی یا بدهی مالی که به ارزش منصفانه از طریق سود و زیان دوره اندازه‌گیری نمی‌شود، شناسایی کند.

43الف. با وجود این، اگر در زمان شناخت اولیه، ارزش منصفانه دارایی مالی یا بدهی مالی با قیمت معامله تفاوت داشته باشد، واحد تجاری باید بند 76 را بکار گیرد.

44. هرگاه واحد تجاری، برای دارایی که بعد از شناخت اولیه، به بهای تمام شده یا بهای مستهلک شده اندازه‌گیری می‌شود، حسابداری در تاریخ تسویه را مورد استفاده قرار دهد، دارایی مزبور در زمان شناخت اولیه، به ارزش منصفانه در تاریخ معامله شناسایی می‌شود (به پیوست الف بندهای 53 تا 56 مراجعه شود).

44الف. [این بند اشاره به اصلاحاتی دارد که هنوز لازم‌الاجرا نشده است و بنابراین، در این ویرایش درج نشده است.]

اندازه‌گیری بعدی داراییهای مالی

45. به منظور اندازه‌گیری دارایی مالی پس از شناخت اولیه، این استاندارد داراییهای مالی را در چهار طبقه زیر، که در بند 9 تعریف شد، طبقه‌بندی می‌کند:

الف. داراییهای مالی اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره؛

ب. سرمایه‌گذاریهای نگهداری‌شده تا سررسید؛

پ. وامها و دریافتنی‌ها؛ و

ت. داراییهای مالی آماده برای فروش.

این طبقات، برای اندازه‌گیری و شناسایی سود یا زیان دوره طبق این استاندارد بکار گرفته می‌شود. واحد تجاری ممکن است هنگام ارائه اطلاعات در صورتهای مالی، از عناوین دیگری برای این طبقات یا از طبقه‌بندی دیگری استفاده کند. واحد تجاری باید در یادداشتهای توضیحی، اطلاعات الزامی طبق استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 7 را افشا نماید.

46. پس از شناخت اولیه، واحد تجاری باید داراییهای مالی، از جمله ابزارهای مشتقه‌ای که دارایی محسوب می‌شوند را به ارزش منصفانه، بدون کسر هرگونه مخارج معامله که ممکن است هنگام

فروش یا انواع دیگر واگذاری متحمل شود، اندازه‌گیری کند، به استثنای داراییهای مالی زیر:

الف. وامها و دریافتنی‌ها، طبق تعریف بند 9، که باید به بهای مستهلک شده با استفاده از روش بهره مؤثر اندازه‌گیری شوند؛

ب. سرمایه‌گذاریهای نگهداری‌شده تا سررسید، طبق تعریف بند 9، که باید به بهای مستهلک شده با استفاده از روش بهره مؤثر اندازه‌گیری شوند؛ و

پ. سرمایه‌گذاری در ابزارهای مالکانه بدون قیمت اعلام‌شده در بازار فعال که ارزش منصفانه آنها به گونه‌ای قابل اتکا، قابل اندازه‌گیری نیست و ابزارهای مشتقه‌ای که به این ابزارها وابسته است و باید از طریق تحویل این ابزارهای مالکانه تسویه شود، که به بهای تمام شده اندازه‌گیری می‌شوند (به پیوست الف بندهای رب80 و رب81 مراجعه شود).

داراییهای مالی که به طبقه اقلام مصون‌شده اختصاص می‌یابد، طبق الزامات حسابداری مصون‌سازی مندرج در بندهای 89 تا 102 اندازه‌گیری می‌شود. تمام داراییهای مالی به استثنای داراییهای مالی اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره، طبق بندهای 58 تا 70 و پیوست الف بندهای رب84 تا رب93، از نظر کاهش ارزش بررسی می‌شوند.

اندازه‌گیری بعدی بدهیهای مالی

47. پس از شناخت اولیه، واحد تجاری باید تمام بدهیهای مالی، به استثنای موارد زیر را به بهای مستهلک‌شده با استفاده از روش بهره مؤثر اندازه‌گیری کند:

الف. بدهیهای مالی اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره. این بدهیها، از جمله ابزارهای مشتقه بدهی، باید به ارزش منصفانه اندازه‌گیری شوند مگر اینکه ابزار مشتقه بدهی، به ابزار مالکانه وابسته باشد و مستلزم تسویه از طریق تحویل ابزار مالکانه‌ای باشد که برای ابزار یکسان با آن، قیمت اعلام‌شده در بازار فعال (یعنی داده ورودی سطح 1) وجود ندارد و ارزش منصفانه آن به طریقی دیگر به‌گونه‌ای قابل اتکا قابل اندازه‌گیری نیست، که در این صورت باید به بهای تمام شده اندازه‌گیری شود.

ب. بدهیهای مالی که هنگام انتقال دارایی مالی که واجد شرایط قطع شناخت نیست، یا هنگامی که رویکرد مشارکت مستمر کاربرد دارد، ایجاد می‌شود. برای اندازه‌گیری این بدهیهای مالی، بندهای 29 و 31 کاربرد دارد.

پ. قراردادهای تضمین مالی، طبق تعریف بند 9. پس از شناخت اولیه، ناشر این قراردادها باید آنها را به یکی از مبالغ زیر، هر کدام که بزرگتر است، اندازه‌گیری کند (مگر اینکه بند 47(الف) یا (ب) کاربرد داشته باشد):

1. مبلغ تعیین‌شده طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری 37؛ و

2. مبلغ اولیه شناسایی‌شده (به بند 43 مراجعه شود) پس از کسر، در موارد مقتضی، استهلاک انباشته شناسایی‌شده طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری 18.

ت. تعهدات مربوط به فراهم کردن وام با نرخ بهره کمتر از بازار. پس از شناخت اولیه، ناشر این تعهد باید آن را به یکی از مبالغ زیر، هر کدام که بزرگتر است، اندازه‌گیری کند (مگر اینکه بند 47(الف) کاربرد داشته باشد):

1. مبلغ تعیین‌شده طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری 37؛ و

2. مبلغ اولیه شناسایی‌شده (به بند 43 مراجعه شود) پس از کسر، در موارد مقتضی، استهلاک انباشته شناسایی‌شده طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری 18.

بدهیهای مالی که به طبقه اqlام مصون‌شده اختصاص می‌یابند، مشمول الزامات حسابداری مصون‌سازی مندرج در بندهای 89 تا 102 می‌شوند.

48 تا 49. [حذف شد]

تجدید طبقه‌بندی

50. واحد تجاری:

الف. نباید هیچ ابزار مشتقه‌ای را، در زمان نگهداری یا انتشار آن، به خارج از طبقه اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره تجدید طبقه‌بندی کند؛

ب. در صورتی که در زمان شناخت اولیه، ابزار مالی به طبقه اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره اختصاص یافته باشد، نباید این ابزارهای مالی را به خارج از طبقه اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره تجدید طبقه‌بندی کند؛ و

پ. در صورتی که دارایی مالی را دیگر با هدف فروش یا بازخرید آن در آینده نزدیک نگهداری نکند (صرفنظر از اینکه دارایی مالی اساساً با هدف فروش یا بازخرید آن در آینده نزدیک تحصیل یا تحمل شده باشد)، می‌تواند آن دارایی مالی را در صورت احراز الزامات مندرج در بندهای 50ب یا 50ت، به خارج از طبقه اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره تجدید طبقه‌بندی کند.

واحد تجاری نباید هیچ ابزار مالی را پس از شناخت اولیه، به طبقه اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره، تجدید طبقه‌بندی نماید.

50الف. تغییرات زیر در شرایط، برای مقاصد بند 50، تجدید طبقه‌بندی محسوب نمی‌شود:

الف. ابزار مشتقه‌ای که قبلاً به طبقه ابزار مصون‌سازی اختصاص یافته و در مصون‌سازی جریانهای نقدی یا مصون‌سازی خالص سرمایه‌گذاری، ابزار مصون‌سازی اثربخش بوده است، دیگر واجد آن شرایط نباشد؛

ب. ابزار مشتقه‌ای که به طبقه ابزار مصون‌سازی اختصاص می‌یابد و در مصون‌سازی جریانهای نقدی یا مصون‌سازی خالص سرمایه‌گذاری، ابزار مصون‌سازی اثربخش است.

پ. تجدید طبقه‌بندی داراییهای مالی هنگامی که شرکت بیمه، رویه‌های حسابداری خود را طبق بند 45 استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 4 تغییر دهد.

50ب. دارایی مالی که بند 50(پ) برای آن کاربرد دارد (به استثنای انواع دارایی مالی که در بند 50ت توصیف می‌شود)، ممکن است تنها در شرایط نادر، به خارج از طبقه اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره، تجدید طبقه‌بندی شود.

50پ. در صورتی که واحد تجاری دارایی مالی را طبق بند 50ب، به خارج از طبقه اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره تجدید طبقه‌بندی کند، دارایی مالی باید به ارزش منصفانه در تاریخ تجدید طبقه‌بندی، تجدید طبقه‌بندی شود. سودها یا زیانهای که قبلاً در سود یا زیان دوره شناسایی شده است، نباید برگشت داده شود. بر حسب مورد، ارزش منصفانه دارایی مالی در تاریخ تجدید طبقه‌بندی، به عنوان بهای تمام شده جدید یا بهای مستهلک شده در نظر گرفته می‌شود.

50ت. دارایی مالی که بند 50(پ) در مورد آن کاربرد دارد و تعریف وامها و دریافتنی‌ها را احراز می‌کند (به شرطی که طبقه‌بندی دارایی مالی به عنوان نگهداری‌شده برای مبادله در زمان شناخت اولیه الزامی نبود)، در صورتی ممکن است به خارج از طبقه اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره، تجدید طبقه‌بندی شود که واحد تجاری قصد و توانایی نگهداری دارایی مالی برای آینده قابل پیش‌بینی یا تا سررسید را داشته باشد.

50ث. دارایی مالی طبقه‌بندی‌شده به عنوان آماده برای فروش که تعریف وامها و دریافتنی‌ها را احراز می‌کند (به شرطی که به طبقه آماده برای فروش اختصاص نمی‌یافت)، در صورتی ممکن است از طبقه آماده برای فروش به طبقه وامها و دریافتنی‌ها تجدید طبقه‌بندی شود که واحد تجاری قصد و توانایی نگهداری دارایی مالی برای آینده قابل پیش‌بینی یا تا سررسید را داشته باشد.

50ج. در صورتی که واحد تجاری دارایی مالی را طبق بند 50ت، به خارج از طبقه اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره، یا طبق بند 50ث، به خارج از طبقه آماده برای فروش تجدید طبقه‌بندی کند، باید دارایی مالی را به ارزش منصفانه در تاریخ تجدید طبقه‌بندی، تجدید طبقه‌بندی نماید. در ارتباط با دارایی مالی تجدید طبقه‌بندی‌شده طبق بند 50ت، سودها یا زیانهای که قبلاً در سود یا زیان دوره شناسایی شده است، نباید برگشت داده شود. بر حسب مورد، ارزش منصفانه دارایی مالی در تاریخ تجدید طبقه‌بندی، به عنوان بهای تمام شده جدید یا بهای مستهلک شده در نظر گرفته می‌شود. در مورد دارایی مالی تجدید طبقه‌بندی‌شده به خارج از طبقه آماده برای فروش طبق بند 50ث، سودها یا زیانهای که طبق بند 55(ب) قبلاً در سایر اقلام سود و زیان جامع شناسایی شده است، باید طبق بند 54 به حساب منظور شود.

51. اگر، در نتیجه تغییر در قصد یا توانایی، ادامه طبقه‌بندی سرمایه‌گذاری به عنوان نگهداری‌شده تا سررسید مناسب نباشد، باید به عنوان آماده برای فروش تجدید طبقه‌بندی و به ارزش منصفانه تجدید اندازه‌گیری شود، و تفاوت بین مبلغ دفتری و ارزش منصفانه آن، باید طبق بند 55(ب) به حساب منظور گردد.

52. هرگاه فروش یا تجدید طبقه‌بندی مبالغی از سرمایه‌گذاریهای نگهداری‌شده تا سررسید که کم اهمیت نمی‌باشد، هیچ یک از شرطهای بند 9 را احراز نکند، تمام سرمایه‌گذاریهای نگهداری‌شده تا سررسید باقیمانده، باید به عنوان آماده برای فروش تجدید طبقه‌بندی شود. در این تجدید طبقه‌بندی، تفاوت بین مبلغ دفتری و ارزش منصفانه آنها، باید طبق بند 55(ب) به حساب منظور شود.

53. در صورتی که معیار اندازه‌گیری قابل اتکایی برای دارایی مالی یا بدهی مالی در دسترس قرار گیرد، در حالی که چنین معیاری قبلاً در دسترس نبوده است، و چنانچه اندازه‌گیری دارایی یا بدهی به ارزش منصفانه در صورت وجود معیار اندازه‌گیری قابل اتکا، الزامی باشد (به بندهای 46(پ) و 47 مراجعه شود)، دارایی یا بدهی باید به ارزش منصفانه تجدید اندازه‌گیری شود و تفاوت بین مبلغ دفتری و ارزش منصفانه آن، طبق بند 55، به حساب منظور گردد.

54. اگر در نتیجه تغییر در قصد یا توانایی یا در شرایط نادر که دیگر، معیار اندازه‌گیری قابل اتکایی برای ارزش منصفانه در دسترس نیست (به بندهای 46(پ) و 47 مراجعه شود) یا به علت سپری شدن "دو سال مالی قبلی" اشاره‌شده در بند 9، به حساب گرفتن دارایی مالی یا بدهی مالی به بهای تمام شده یا بهای مستهلک‌شده به جای ارزش منصفانه مناسب باشد، مبلغ دفتری مبتنی بر ارزش منصفانه دارایی مالی یا بدهی مالی در آن

تاریخ، بر حسب مورد، به عنوان بهای تمام شده جدید یا بهای مستهلک شده آن در نظر گرفته می‌شود. سودها یا زیانهای قبلی مربوط به آن دارایی که در سایر اقلام سود و زیان جامع شناسایی شده است، باید طبق بند 55(ب)، به شرح زیر به حساب گرفته شود:

الف. در مورد دارایی مالی با سررسید ثابت، سود یا زیان باید در طول عمر باقیمانده سرمایه‌گذاری نگهداری شده تا سررسید، با استفاده از روش بهره مؤثر مستهلک شود و به سود یا زیان دوره منظور گردد. هرگونه تفاوت بین بهای مستهلک شده جدید و مبلغ سررسید، باید در طول عمر باقیمانده دارایی مالی، با استفاده از روش بهره مؤثر، مشابه با استهلاک صرف و کسر مستهلک شود. در صورتی که دارایی مالی بعداً کاهش ارزش داشته باشد، هرگونه سود یا زیان که در سایر اقلام سود و زیان جامع شناسایی شده است، از حقوق مالکانه به سود یا زیان دوره، طبق بند 67، تجدید طبقه‌بندی می‌شود.

ب. در مورد داراییهای مالی که سررسید ثابت ندارند، سود یا زیان باید هنگام فروش دارایی مالی یا واگذاری آن به طریقی دیگر، در سود یا زیان دوره شناسایی شود. در صورتی که دارایی مالی، بعداً کاهش ارزش داشته باشد، هرگونه سود یا زیان که در سایر اقلام سود و زیان جامع شناسایی شده است، از حقوق مالکانه به سود یا زیان دوره، طبق بند 67، تجدید طبقه‌بندی می‌شود.

سودها و زیانها

55. سود یا زیان ناشی از تغییر در ارزش منصفانه دارایی مالی یا بدهی مالی که بخشی از رابطه مصون‌سازی نیست (به بندهای 89 تا 102 مراجعه شود)، باید به صورت زیر شناسایی شود.

الف. سود یا زیان مربوط به دارایی مالی یا بدهی مالی طبقه‌بندی شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره، باید در سود یا زیان دوره شناسایی شود.

ب. به استثنای زیان کاهش ارزش (به بندهای 67 تا 70 مراجعه شود) و سود یا زیان مبادله ارزی (به پیوست الف بند 83 مراجعه شود)، سود یا زیان مربوط به دارایی مالی آماده برای فروش باید تا زمان قطع شناخت دارایی مالی، در سایر اقلام سود یا زیان جامع شناسایی شود. در این زمان، سود یا زیان انباشته قبلی شناسایی شده در سایر اقلام سود و زیان جامع، باید به عنوان تعدیل تجدید طبقه‌بندی، از حقوق مالکانه به سود و زیان دوره تجدید طبقه‌بندی شود (به استاندارد بین‌المللی حسابداری 1 ارائه صورتهای مالی (تجدیدنظرشده در سال 2007) مراجعه شود). با وجود این، بهره محاسبه شده به روش بهره مؤثر (به بند 9 مراجعه شود)، در سود یا زیان دوره شناسایی می‌شود (به استاندارد بین‌المللی حسابداری 18 مراجعه شود). سود تقسیمی مربوط به ابزار مالکانه آماده برای فروش، هنگام احراز حق دریافت آن برای واحد تجاری، در سود یا زیان دوره شناسایی می‌شود (به استاندارد بین‌المللی حسابداری 18 مراجعه شود).

55 الف. [این بند اشاره به اصلاحاتی دارد که هنوز لازم‌الاجرا نشده است و بنابراین، در این ویرایش درج نشده است.]

56. در ارتباط با داراییهای مالی و بدهیهای مالی که به بهای مستهلک شده به حساب منظور میشوند (به بندهای 46 و 47 مراجعه شود)، سود یا زیان، در صورت قطع شناخت یا کاهش ارزش دارایی مالی یا بدهی مالی، و از طریق فرایند استهلاک، در سود یا زیان دوره منظور میشود. با وجود این، در ارتباط با داراییهای مالی یا بدهیهای مالی که اقلام مصون‌شده محسوب میشوند (به بندهای 78 تا 84 و پیوست الف بندهای 98 تا 101 مراجعه شود)، شیوه حسابداری سود یا زیان، باید از بندهای 89 تا 102 پیروی کند.

57. در صورتی که واحد تجاری، داراییهای مالی را بر اساس حسابداری در تاریخ تسویه شناسایی کند (به بند 38 و پیوست الف بندهای 53 تا 56 مراجعه شود)، برای داراییهایی که به بهای تمام شده یا بهای مستهلک شده به حساب منظور میشوند، تغییر در ارزش منصفانه دارایی که در دوره زمانی بین تاریخ معامله و تاریخ تسویه دریافت خواهد شد، شناسایی نمیشود (غیر از زیانهای کاهش ارزش). با وجود این، برای داراییهایی که به ارزش منصفانه به حساب منظور میشوند، تغییر در ارزش منصفانه باید بر حسب مورد، طبق بند 55، در سود یا زیان دوره یا در سایر اقلام سود و زیان جامع شناسایی شود.

کاهش ارزش و قابل وصول نبودن داراییهای مالی

58. واحد تجاری باید در پایان هر دوره گزارشگری ارزیابی کند که آیا هرگونه شواهد عینی مبنی بر کاهش ارزش دارایی مالی یا گروه داراییهای مالی وجود دارد یا خیر. در صورت وجود چنین شواهدی، واحد تجاری باید بند 63 (برای داراییهای مالی که به بهای مستهلک شده به حساب منظور میشوند)، بند 66 (برای داراییهای مالی که به بهای تمام شده به حساب منظور میشوند) یا بند 67 (برای داراییهای مالی آماده برای فروش) را برای تعیین مبلغ هرگونه زیان کاهش ارزش بکار گیرد.

59. دارایی مالی یا گروه داراییهای مالی، تنها در صورتی کاهش ارزش می‌یابد و زیان کاهش ارزش تحمل میشود که شواهد عینی مبنی بر کاهش ارزش در نتیجه یک یا چند رویداد که پس از شناخت اولیه دارایی واقع شده است (رویداد زیان‌آور)، وجود داشته باشد و آن رویداد(های) زیان‌آور، بر جریانهای نقدی آتی برآوردی دارایی مالی یا گروه داراییهای مالی که به‌گونه‌ای قابل اتکا قابل برآورد است، تأثیر داشته باشد. اینکه یک رویداد مجزا و منفرد عامل کاهش ارزش تشخیص داده شود، محتمل نیست. بلکه اثر ترکیبی چندین رویداد ممکن است منجر به کاهش ارزش شده باشد. زیانهای مورد انتظار ناشی از رویدادهای آتی، صرفنظر از احتمال آنها، شناسایی نمیشوند. شواهد

عینی مبنی بر کاهش ارزش دارایی مالی یا گروه داراییهای مالی، شامل داده‌های قابل مشاهده‌ای است که توجه دارنده دارایی را به رویدادهای زیان‌آور زیر جلب می‌کند:

- الف. مشکلات مالی قابل ملاحظه ناشر یا متعهد؛
 - ب. نقض قرارداد، مانند نکول یا کوتاهی در پرداختهای بهره یا اصل؛
 - پ. اعطای امتیاز توسط وام‌دهنده به وام‌گیرنده، به دلایل اقتصادی یا حقوقی مربوط به مشکلات مالی وام‌گیرنده که وام‌دهنده در شرایط عادی آنها را در نظر نمی‌گرفت؛
 - ت. وجود احتمال اینکه وام‌گیرنده دچار ورشکستگی شود یا به نحوی دیگر سازماندهی مجدد مالی انجام دهد؛
 - ث. از دست رفتن بازار فعال برای آن دارایی مالی به علت مشکلات مالی؛ یا
 - ج. داده‌های قابل مشاهده نشان‌دهنده این باشد که در جریانهای نقدی آتی برآوردی ناشی از گروهی از داراییهای مالی از زمان شناخت اولیه آن داراییها، کاهش قابل اندازه‌گیری وجود دارد، اگرچه این کاهش هنوز برای تک تک داراییهای مالی گروه، قابل تشخیص نباشد، از جمله:
1. تغییرات نامطلوب در وضعیت پرداختهای وام‌گیرنده در گروه (برای مثال افزایش در تعداد پرداختهای به تأخیر افتاده یا افزایش تعداد وام‌گیرندگان از طریق کارت اعتباری که به سقف اعتباری خود رسیده‌اند و حداقل مبلغ ماهانه را پرداخت می‌کنند)؛ یا
 2. شرایط اقتصادی ملی یا محلی که با نکول داراییهای گروه، همبستگی دارد (برای مثال، افزایش در نرخ بیکاری در منطقه جغرافیایی وام‌گیرندگان، کاهش در قیمت املاکی که در منطقه مربوط به وثیقه گذاشته می‌شود، کاهش در قیمت نفت برای داراییهایی که به تولیدکنندگان نفت وام داده می‌شود، یا تغییرات نامطلوب در شرایط صنعت که بر وام‌گیرندگان گروه تأثیر می‌گذارد).

60. از دست رفتن بازار فعال به علت متوقف شدن معامله عمومی ابزارهای مالی واحد تجاری، شواهدی از کاهش

ارزش نمی‌باشد. کاهش رتبه اعتباری واحد تجاری، به خودی خود، شواهدی از کاهش ارزش نیست، اگرچه در صورتی که همراه با دیگر اطلاعات موجود در نظر گرفته شود، می‌تواند شواهدی از کاهش ارزش باشد. کاهش در ارزش منصفانه دارایی مالی به کمتر از بهای تمام شده یا بهای مستهلک شده آن، لزوماً شواهدی از کاهش ارزش نمی‌باشد (برای مثال، کاهش در ارزش منصفانه سرمایه‌گذاری در ابزار بدهی که ناشی از افزایش در نرخ بهره بدون ریسک است).

61. افزون بر انواع رویدادهای مندرج در بند 59، شواهد عینی از کاهش ارزش سرمایه‌گذاری در ابزار مالکانه، شامل اطلاعات درباره تغییرات قابل ملاحظه واقع شده با اثر نامطلوب در محیط فناوری، بازار، اقتصادی یا حقوقی است که ناشر در آن فعالیت می‌کند و نشان‌دهنده آن است که بهای تمام شده سرمایه‌گذاری در ابزار مالکانه ممکن است قابل بازیافت نباشد. کاهش قابل ملاحظه یا طولانی‌مدت در ارزش منصفانه سرمایه‌گذاری در ابزار مالکانه به کمتر از بهای تمام شده آن نیز از شواهد عینی کاهش ارزش است.

62. در برخی موارد، داده‌های قابل مشاهده مورد نیاز برای برآورد مبلغ زیان کاهش ارزش مربوط به دارایی مالی، ممکن است ارتباط محدودی با شرایط جاری داشته باشد یا دیگر ارتباط کاملی با شرایط جاری نداشته باشد. برای مثال، این مورد زمانی ممکن است مصداق داشته باشد که وام‌گیرنده دارای مشکلات مالی است و داده‌های تاریخی اندکی در ارتباط با وام‌گیرندگان مشابه وجود دارد. در این موارد، واحد تجاری از قضاوت مبتنی بر تجربه خود برای برآورد مبلغ هرگونه زیان کاهش ارزش استفاده می‌کند. همچنین، واحد تجاری برای تعدیل داده‌های قابل مشاهده در مورد گروهی از داراییهای مالی برای نشان دادن شرایط جاری، از قضاوت مبتنی بر تجربه خود استفاده می‌کند (به بند رب89 مراجعه شود). استفاده از برآوردهای معقول، بخش اساسی تهیه صورتهای مالی است و قابلیت اتکای آنها را کاهش نمی‌دهد.

داراییهای مالی که به بهای مستهلک شده به حساب منظور می‌شوند

63. اگر شواهد عینی مبنی بر تحمل زیان کاهش ارزش وامها و دریافتنی‌ها یا سرمایه‌گذاریهای نگهداری‌شده تا سررسید که به بهای مستهلک‌شده به حساب منظور می‌شوند، وجود داشته باشد، مبلغ زیان به صورت تفاوت بین مبلغ دفتری دارایی و ارزش فعلی جریانهای نقدی آتی برآوردی (به استثنای زیانهای اعتباری آتی تحمل‌نشده) تنزیل‌شده براساس نرخ بهره مؤثر اولیه دارایی

مالی (یعنی نرخ بهره مؤثر محاسبه‌شده در زمان شناخت اولیه) اندازه‌گیری می‌شود. مبلغ دفتری دارایی باید بطور مستقیم یا با استفاده از حساب ذخیره کاهش ارزش، کاهش داده شود. مبلغ زیان باید در سود یا زیان دوره شناسایی شود.

64. واحد تجاری، نخست ارزیابی می‌کند که آیا شواهد عینی مبنی بر کاهش ارزش، به صورت جداگانه برای داراییهای مالی که به تنهایی با اهمیت هستند و به صورت جداگانه یا گروهی برای داراییهای مالی که به تنهایی با اهمیت نیستند، وجود دارد یا خیر (به بند 59 مراجعه شود). در صورتی که واحد تجاری به این نتیجه برسد که شواهد عینی مبنی بر کاهش ارزش برای یک دارایی مالی، صرفنظر از اهمیت آن، که به صورت جداگانه ارزیابی شده است، وجود ندارد، دارایی را در گروه داراییهای مالی با ویژگی ریسک اعتباری مشابه قرار می‌دهد و به صورت گروهی، کاهش ارزش آنها را ارزیابی می‌کند. داراییهایی که به صورت جداگانه بابت کاهش ارزش ارزیابی می‌شوند و زیان کاهش ارزش آنها شناسایی می‌شود یا شناسایی آن همچنان ادامه می‌یابد، در ارزیابی کاهش ارزش به صورت گروهی در نظر گرفته نمی‌شوند.

65. اگر در یکی از دوره‌های بعدی، مبلغ زیان کاهش ارزش کاهش یابد و این کاهش بطور مشخص مربوط به وقوع رویدادی پس از شناسایی کاهش ارزش باشد (مانند بهبود رتبه اعتباری وام‌گیرنده)، زیان کاهش ارزش شناسایی‌شده قبلی باید بطور مستقیم یا از طریق تعدیل حساب ذخیره کاهش ارزش برگشت داده شود. برگشت مزبور نباید موجب شود که مبلغ دفتری دارایی مالی، از بهای مستهلک شده دارایی بدون احتساب کاهش ارزش در تاریخ برگشت کاهش ارزش بیشتر شود. مبلغ برگشت داده شده باید در سود یا زیان دوره شناسایی شود.

داراییهای مالی که به بهای تمام شده به حساب منظور می‌شوند

66. اگر در ارتباط با وقوع زیان کاهش ارزش برای ابزار مالکانه‌ای که قیمت اعلام‌شده در بازار فعال ندارد، شواهد عینی موجود باشد و ابزار مالکانه به علت امکانپذیر نبودن اندازه‌گیری ارزش منصفانه به‌گونه‌ای قابل اتکا به ارزش منصفانه به حساب منظور نشده باشد، یا اگر در ارتباط با دارایی مشتقه‌ای که وابسته به چنین ابزار مالکانه‌ای است و باید از طریق تحویل این ابزار مالکانه تسویه شود، شواهد عینی موجود باشد، مبلغ زیان کاهش ارزش به صورت تفاوت بین مبلغ دفتری دارایی مالی و ارزش فعلی جریانهای نقدی آتی برآوردی تنزیل‌شده بر اساس نرخ بازده جاری بازار برای دارایی مالی مشابه، اندازه‌گیری می‌شود (به بند 46(پ) و پیوست الف بندهای رب80 و رب81 مراجعه شود). این زیانهای کاهش ارزش نباید برگشت داده شوند.

داراییهای مالی آماده برای فروش

67. هنگامی که کاهش در ارزش منصفانه دارایی مالی آماده برای فروش، در سایر اقلام سود و زیان جامع شناسایی شده باشد و شواهد عینی مبنی بر کاهش ارزش دارایی موجود باشد (به بند 59 مراجعه شود)، زیان انباشته شناسایی شده در سایر اقلام سود و زیان جامع، باید به عنوان تعدیل تجدید طبقه‌بندی، از حقوق مالکانه به سود یا زیان دوره منتقل شود حتی اگر دارایی مالی قطع شناخت نشده باشد.
68. مبلغ زیان انباشته که بر اساس بند 67 از حقوق مالکانه به سود یا زیان دوره تجدید طبقه‌بندی می‌شود، باید برابر با تفاوت بین مخارج تحصیل (پس از کسر هرگونه بازپرداخت اصل و استهلاک) و ارزش منصفانه جاری، پس از کسر هرگونه زیان کاهش ارزش مربوط به آن دارایی مالی که قبلاً در سود یا زیان دوره شناسایی شده است، باشد.
69. زیان کاهش ارزش شناسایی شده در سود یا زیان دوره در ارتباط با سرمایه‌گذاری در ابزار مالکانه طبقه‌بندی شده به عنوان آماده برای فروش، نباید از طریق سود یا زیان دوره برگشت داده شود.
70. اگر، در یکی از دوره‌های بعدی، ارزش منصفانه ابزار بدهی طبقه‌بندی شده به عنوان آماده برای فروش افزایش یابد و بتوان این افزایش را بطور مشخص به وقوع رویدادی پس از شناسایی زیان کاهش ارزش در سود یا زیان دوره ارتباط داد، زیان کاهش ارزش باید برگشت داده شود و مبلغ برگشت در سود یا زیان دوره شناسایی شود.

مصون‌سازی

71. در صورتی که رابطه مصون‌سازی تخصیص‌یافته‌ای بین ابزار مصون‌سازی و قلم مصون‌شده طبق توصیف بندهای 85 تا 88 و پیوست الف بندهای رب102 تا رب104 وجود داشته باشد، شیوه حسابداری مربوط به سود یا زیان ابزار مصون‌سازی و قلم مصون‌شده باید از بندهای 89 تا 102 پیروی کند.

ابزارهای مصون‌سازی

ابزارهای واجد شرایط

72. این استاندارد، شرایطی را که در آن شرایط ممکن است ابزار مشتقه، به استثنای برخی اختیارات معاملی صادر شده (به بند ر.ب.94 پیوست الف مراجعه شود)، به عنوان ابزار مصون‌سازی اختصاص یافته باشد، محدود نمی‌کند مشروط بر اینکه شرطهای مندرج در بند 88 احراز شود. با وجود این، یک دارایی مالی غیرمشتقه یا یک بدهی مالی غیرمشتقه، ممکن است تنها برای مصون‌سازی ریسک ارز، به عنوان ابزار مصون‌سازی اختصاص داده شود.

73. برای مقاصد حسابداری مصون‌سازی، تنها ابزارهایی که یکی از طرفین آنها خارج از واحد گزارشگر است (یعنی

خارج از گروه یا واحد تجاری منفردی که درباره آن گزارشگری می‌شود)، می‌توانند به عنوان ابزارهای مصون‌سازی اختصاص داده شوند. اگرچه واحدهای تجاری منفرد در گروه تلفیقی یا بخشهای یک واحد تجاری ممکن است اقدام به معاملات مصون‌سازی با دیگر واحدهای تجاری گروه یا دیگر بخشهای واحد تجاری نمایند، تمام این معاملات درون‌گروهی در تلفیق حذف می‌شوند. بنابراین، این‌گونه معاملات مصون‌سازی، واجد شرایط حسابداری مصون‌سازی در صورتهای مالی تلفیقی گروه نیستند. با وجود این، آنها ممکن است در صورتهای مالی جداگانه یا منفرد واحدهای تجاری درون گروه، واجد شرایط حسابداری مصون‌سازی باشند، مشروط بر اینکه خارج از واحد تجاری منفردی باشند که درباره آن گزارشگری می‌شود.

اختصاص ابزارهای مصون‌سازی

74. معمولاً یک معیار واحد از ارزش منصفانه برای کل ابزار مصون‌سازی وجود دارد، و عواملی که موجب تغییرات در ارزش منصفانه می‌شوند، به یکدیگر وابسته هستند. بنابراین، رابطه مصون‌سازی برای کل ابزار مصون‌سازی توسط واحد تجاری اختصاص می‌یابد. تنها موارد استثنای مجاز، به شرح زیر است:

الف. تفکیک ارزش ذاتی و ارزش زمانی قرارداد اختیار معامله و اختصاص تنها تغییر در ارزش ذاتی اختیار معامله به عنوان ابزار مصون‌سازی و مستثنی کردن تغییر در ارزش زمانی آن؛ و

ب. تفکیک عنصر بهره و قیمت نقطه‌ای پیمان آتی.

این موارد استثنا مجاز هستند زیرا معمولاً ارزش ذاتی اختیار معامله و صرف مربوط به پیمان آتی را می‌توان به صورت جداگانه اندازه‌گیری کرد. یک راهبرد مصون‌سازی پویا که ارزش ذاتی و ارزش زمانی قرارداد اختیار معامله را ارزیابی می‌کند، می‌تواند واجد شرایط حسابداری مصون‌سازی باشد.

75. بخشی از کل ابزار مصون‌سازی، برای مثال 50 درصد ارزش اسمی، ممکن است در رابطه مصون‌سازی، به عنوان ابزار مصون‌سازی اختصاص یابد. با وجود این، رابطه مصون‌سازی نمی‌تواند تنها برای بخشی از دوره زمانی که در آن ابزار مصون‌سازی، جاری است، در نظر گرفته شود.

76. یک ابزار مصون‌سازی واحد ممکن است برای مصون‌سازی بیش از یک نوع ریسک اختصاص یابد مشروط بر اینکه

(الف) ریسکهای مصون‌شده به وضوح قابل تشخیص باشند؛
(ب) اثربخشی مصون‌سازی را بتوان اثبات کرد؛ و (پ)
حصول اطمینان از اختصاص ابزار مصون‌سازی و وضعیتهای
ریسکی مختلف بطور خاص، امکانپذیر باشد.

77. دو یا چند ابزار مشتقه، یا بخشی از آنها (یا، در مورد مصون‌سازی ریسک واحد پول، دو یا چند ابزار غیرمشتقه یا بخشی از آنها، یا ترکیبی از ابزارهای مشتقه و غیرمشتقه یا بخشی از آنها)، ممکن است در ترکیب با یکدیگر و بطور مشترک، به عنوان ابزار مصون‌سازی اختصاص‌یابند، از جمله هنگامی که ریسک(های) ناشی از برخی ابزارهای مشتقه با ریسک(های) ناشی از ابزارهای مشتقه دیگر تهاتر می‌شود. با وجود این، در صورتی که اختیار ترکیبی نرخ بهره یا ابزار مشتقه دیگری که ترکیبی از اختیار معامله صادرشده و اختیار معامله خریداری‌شده است، در عمل منجر به خالص اختیار معامله صادرشده شود (که برای آن صرف خالص دریافت می‌شود)، واجد شرایط طبقه‌بندی به عنوان ابزار مصون‌سازی نمی‌باشد. همچنین، دو یا چند ابزار (یا بخشهایی از آنها) تنها زمانی می‌تواند به عنوان ابزار مصون‌سازی اختصاص‌یابد که هیچ کدام از آنها، اختیار معامله صادرشده یا خالص اختیار معامله صادرشده نباشد.

اقدام مصون‌شده

اقدام واجد شرایط

78. یک قلم مصون‌شده می‌تواند دارای یا بدهی شناسایی‌شده، تعهد قطعی شناسایی‌نشده، معامله پیش‌بینی‌شده بسیار محتمل یا خالص سرمایه‌گذاری در عملیات خارجی باشد. قلم مصون‌شده می‌تواند (الف) یک دارایی، بدهی، تعهد قطعی شناسایی‌نشده، معامله پیش‌بینی‌شده بسیار محتمل یا خالص سرمایه‌گذاری در عملیات خارجی، به صورت واحد باشد یا (ب) یک گروه از داراییها، بدهیها، تعهدات قطعی، معاملات پیش‌بینی‌شده بسیار محتمل یا خالص سرمایه‌گذاریها در عملیات خارجی، با ویژگیهای ریسک مشابه باشد یا (پ) تنها در مصون‌سازی ریسک نرخ بهره پرتفوی، بخشی از پرتفوی داراییهای مالی یا بدهیهای مالی باشد که در ریسکی که قرار است مصون شود، سهم هستند.

79. برخلاف وامها و دریافتنی‌ها، سرمایه‌گذاری نگهداری‌شده تا سررسید نمی‌تواند در ارتباط با ریسک نرخ بهره یا ریسک تسویه پیش از سررسید، به عنوان قلم مصون‌شده اختصاص‌یابد زیرا اختصاص سرمایه‌گذاری نگهداری‌شده

تا سررسید به عنوان قلم مصون‌شده، مستلزم این است که بدون توجه به تغییرات در ارزش منصفانه یا جریانهای نقدی قابل انتساب به تغییرات در نرخهای بهره، قصد نگهداری سرمایه‌گذاری تا تاریخ سررسید وجود داشته باشد. با وجود این، سرمایه‌گذاری نگهداری‌شده تا سررسید می‌تواند در ارتباط با ریسکهای ناشی از تغییرات در نرخهای مبادله ارز و ریسک اعتباری، به عنوان قلم مصون‌شده اختصاص یابد.

80. برای مقاصد حسابداری مصون‌سازی، تنها داراییها، بدهیها، تعهدات قطعی یا معاملات پیش‌بینی‌شده بسیار محتمل که یکی از طرفین آنها خارج از واحد تجاری است، می‌تواند به عنوان قلم مصون‌شده اختصاص یابد. در نتیجه، حسابداری مصون‌سازی برای معاملات بین واحدهای تجاری در یک گروه، تنها در صورتهای مالی منفرد یا جداگانه واحدهای مزبور، و نه در صورتهای مالی تلفیقی گروه، کاربرد دارد، به استثنای صورتهای مالی تلفیقی واحدهای تجاری سرمایه‌گذاری، طبق تعریف استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 10، که معاملات بین واحد تجاری سرمایه‌گذاری و واحدهای تجاری فرعی آن به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره اندازه‌گیری می‌شود و از صورتهای مالی تلفیقی حذف نخواهد شد. به عنوان یک استثناء، ریسک ارز یک قلم پولی درون‌گروهی (برای مثال، پرداختنی و دریافتنی بین دو واحد تجاری فرعی)، در صورتی می‌تواند واجد شرایط اختصاص به عنوان قلم مصون‌شده در صورتهای مالی تلفیقی باشد که منجر به اثرپذیری از سودها یا زیانهای نرخ مبادله ارزی شود که طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری 21 [آثار تغییر در نرخ ارز](#)، هنگام تلفیق بطور کامل حذف نمی‌شود. طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری 21، در صورتی که قلم پولی درون‌گروهی، بین دو واحد تجاری عضو گروه مبادله شود که واحدهای پول عملیاتی متفاوتی دارند، سودها و زیانهای نرخ مبادله ارزی این اقلام پولی درون‌گروهی، در زمان تلفیق بطور کامل حذف نمی‌شود. افزون بر این، ریسک ارز مربوط به معامله پیش‌بینی‌شده بسیار محتمل درون‌گروهی در صورتی می‌تواند واجد شرایط اختصاص به عنوان قلم مصون‌شده در صورتهای مالی تلفیقی باشد که معامله بر حسب واحد پولی غیر از واحد پول عملیاتی واحد تجاری که وارد معامله می‌شود، تعیین شود و ریسک ارز، بر سود یا زیان تلفیقی تأثیر گذارد.

اختصاص ارقام مالی به عنوان ارقام مصون‌شده

81. اگر قلم مصون‌شده، دارایی مالی یا بدهی مالی باشد، ممکن است تنها در ارتباط با ریسکهای مربوط به بخشی از جریانهای نقدی یا ارزش منصفانه آن، یک قلم مصون‌شده باشد (از جمله یک یا چند جریان نقدی قراردادی منتخب یا بخشهایی از آن جریانهای نقدی یا درصدی از ارزش منصفانه)، مشروط بر اینکه اثربخشی قابل اندازه‌گیری باشد. برای مثال، بخشی از ریسک نرخ بهره مربوط به دارایی بهره‌دار یا بدهی بهره‌دار که قابل تشخیص و بطور جداگانه قابل اندازه‌گیری است، ممکن است به عنوان ریسک مصون‌شده در نظر گرفته شود (مانند اینکه از کل ریسک نرخ بهره ابزار مالی مصون‌شده، جزء نرخ بهره بدون ریسک با نرخ بهره مبنا، به عنوان ریسک مصون‌شده محسوب می‌شود)

81الف. در مصون‌سازی ریسک نرخ بهره پرتفوی داراییهای مالی یا بدهیهای مالی، در صورتی که از نوع مصون‌سازی ارزش منصفانه باشد (و تنها در چنین مصون‌سازیهایی)، بخش مصون‌شده ممکن است بر حسب مبلغی از یک واحد پول (برای مثال مبلغی از دلار، یورو، پوند یا راند) و نه مبلغی از داراییهای منفرد (یا بدهیهای منفرد) اختصاص یابد. با وجود اینکه برای مقاصد مدیریت ریسک، پرتفوی ممکن است شامل داراییها و بدهیها باشد، اما مبلغ اختصاص‌یافته بخشی از داراییها یا بخشی از بدهیها است. اختصاص مبلغی خالص، شامل داراییها و بدهیها، مجاز نیست. واحد تجاری ممکن است بخشی از ریسک نرخ بهره مرتبط با این مبالغ اختصاص‌یافته را مصون کند. برای مثال، در مورد مصون‌سازی پرتفوی متشکل از داراییهای با قابلیت تسویه پیش از سررسید، واحد تجاری ممکن است تغییر در ارزش منصفانه را که قابل انتساب به تغییر در نرخ بهره مصون‌شده بر مبنای تاریخهای قیمت‌گذاری مجدد مورد انتظار، نه قراردادی است، مصون نماید. هنگامی که بخش مصون‌شده مبتنی بر تاریخهای قیمت‌گذاری مجدد مورد انتظار باشد، اثر تغییرات در نرخ بهره مصون‌شده بر تاریخهای قیمت‌گذاری مجدد مورد انتظار، باید هنگام تعیین تغییر در ارزش منصفانه قلم مصون‌شده، لحاظ شود. در نتیجه، اگر پرتفویی متشکل از ارقام با قابلیت تسویه پیش از سررسید، با ابزار مشتقه غیرقابل تسویه پیش از سررسید مصون شده باشد، در صورتی که در تاریخهایی که انتظار می‌رود در آن تاریخها ارقام پرتفوی مصون‌شده، پیش از سررسید

تسویه شوند، تجدیدنظر شود، یا تاریخهای واقعی تسویه پیش از سررسید متفاوت از تاریخهای مورد انتظار باشد، مصون‌سازی غیراثربخش خواهد بود.

اختصاص اقلام غیرمالی به عنوان اقلام مصون‌شده

82. در صورتی که قلم مصون‌شده، دارایی غیرمالی یا بدهی غیرمالی باشد، باید به عنوان قلم مصون‌شده (الف) برای ریسک ارزی یا (ب) بطور کامل برای تمام ریسکها اختصاص یابد، زیرا تفکیک و اندازه‌گیری بخش مناسبی از جریانهای نقدی یا تغییرات در ارزش منصفانه قابل انتساب به ریسکهایی خاص به غیر از ریسکهای ارز، دشوار است.

اختصاص گروهی از اقلام به عنوان اقلام مصون‌شده

83. داراییهای مشابه یا بدهیهای مشابه تنها در صورتی باید با هم تجمیع و به عنوان یک گروه مصون شوند که هر یک از داراییها یا هر یک از بدهیها در گروه، در ریسکی که به عنوان ریسک مصون‌شده اختصاص یافته است، سهم باشند. افزون بر این، باید انتظار بر این باشد که تغییر در ارزش منصفانه قابل انتساب به ریسک مصون‌شده برای هر قلم جداگانه در گروه، تقریباً متناسب با کل تغییر در ارزش منصفانه قابل انتساب به ریسک مصون‌شده گروه اقلام باشد.

84. از آنجا که واحد تجاری اثربخشی مصون‌سازی را از طریق مقایسه تغییر در ارزش منصفانه یا جریانهای نقدی ابزار مصون‌سازی (یا گروهی از ابزارهای مصون‌سازی مشابه) و قلم مصون‌شده (یا گروهی از اقلام مصون‌شده مشابه) ارزیابی می‌کند، مقایسه ابزار مصون‌سازی با خالص وضعیت کلی (برای مثال، خالص تمام داراییهای با نرخ ثابت و بدهیهای با نرخ ثابت و سررسیدهای مشابه) و نه با یک قلم مصون‌شده خاص، واجد شرایط حسابداری مصون‌سازی نمی‌باشد.

حسابداری مصون‌سازی

85. حسابداری مصون‌سازی، آثار تهاثر تغییرات در ارزش منصفانه ابزار مصون‌سازی و قلم مصون‌شده بر سود یا زیان دوره را شناسایی می‌کند.

86. روابط مصون‌سازی سه نوع است:

الف. مصون‌سازی ارزش منصفانه: مصون‌سازی آسیب‌پذیری از تغییرات در ارزش منصفانه دارایی یا بدهی شناسایی‌شده یا تعهدات قطعی شناسایی‌نشده، یا بخش مشخصی از یک دارایی، یک بدهی یا تعهدات قطعی، که قابل انتساب به یک ریسک خاص است و می‌تواند بر سود یا زیان دوره، اثرگذار باشد.

ب. مصون‌سازی جریانهای نقدی: مصون‌سازی آسیب‌پذیری از نوسان جریانهای نقدی که (1) قابل انتساب به ریسک خاص مرتبط با دارایی یا بدهی شناسایی‌شده (مانند تمام یا برخی

پرداختهای آتی بهره مربوط به بدهی با نرخ متغیر) یا معامله پیش‌بینی‌شده بسیار محتمل باشد و (2) بتواند بر سود یا زیان دوره تأثیر بگذارد.

پ. مصون‌سازی خالص سرمایه‌گذاری در عملیات خارجی طبق تعریف مندرج در استاندارد بین‌المللی حسابداری 21.

87. مصون‌سازی ریسک ارز تعهدات قطعی ممکن است به عنوان مصون‌سازی ارزش منصفانه یا مصون‌سازی جریانهای نقدی در نظر گرفته شود.

88. رابطه مصون‌سازی، تنها در صورت احراز شرطهای زیر، واجد شرایط حسابداری مصون‌سازی طبق بندهای 89 تا 102 است.

الف. در شروع مصون‌سازی، اختصاص و مستندسازی رسمی رابطه مصون‌سازی و هدف مدیریت ریسک واحد تجاری و راهبرد انجام مصون‌سازی وجود داشته باشد. این مستندسازی باید شامل تشخیص ابزار مصون‌سازی، قلم یا معامله مصون‌شده، ماهیت ریسکی که مصون می‌شود و نحوه ارزیابی واحد تجاری از اثربخشی ابزار مصون‌سازی برای تهاثر آسیب‌پذیری از تغییرات در ارزش منصفانه یا جریانهای نقدی قلم مصون‌شده که قابل انتساب به ریسک مصون‌شده است، باشد.

ب. انتظار رود مصون‌سازی از اثربخشی بالایی (به بندهای رب 105 تا رب 113 مراجعه شود) در تهاثر تغییرات در ارزش منصفانه یا جریانهای نقدی قابل انتساب به ریسک مصون‌شده برخوردار باشد، به‌گونه‌ای که با راهبرد مدیریت ریسک مستندشده اولیه برای آن رابطه مصون‌سازی مشخص، سازگار باشد.

پ. در ارتباط با مصون‌سازی جریانهای نقدی، معامله پیش‌بینی‌شده‌ای که موضوع مصون‌سازی است باید بسیار محتمل باشد و نشان‌دهنده آسیب‌پذیری از نوسان در جریانهای نقدی باشد که می‌تواند در نهایت، بر سود یا زیان دوره تأثیر بگذارد.

ت. اثربخشی مصون‌سازی را بتوان به‌گونه‌ای قابل اتکا اندازه‌گیری کرد، یعنی ارزش منصفانه یا جریانهای نقدی قلم مصون‌شده که قابل انتساب به ریسک مصون‌شده باشد، و ارزش منصفانه ابزار مصون‌سازی، به‌گونه‌ای قابل اتکا، قابل اندازه‌گیری باشد.

ث. مصون‌سازی به صورت مداوم ارزیابی شود و در عمل، در تمام دوره‌های گزارشگری مالی که برای مصون‌سازی اختصاص یافته است، اثربخشی بالای آن مشخص شود.

مصون‌سازی ارزش منصفانه

89. در صورتی که مصون‌سازی ارزش منصفانه، شرطهای مندرج در بند 88 را طی دوره احراز کند، باید به شرح زیر به حساب منظور شود:

الف. سود یا زیان ناشی از تجدید اندازه‌گیری ابزار مصون‌سازی به ارزش منصفانه (برای ابزار مصون‌سازی مشتقه) یا جزء ارزی مبلغ دفتری آن ابزار که طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری 21 (برای ابزار مصون‌سازی غیرمشتقه)

اندازه‌گیری می‌شود، باید در سود یا زیان دوره شناسایی شود؛ و

ب. سود یا زیان ناشی از قلم مصون‌شده قابل انتساب به ریسک مصون‌شده، باید مبلغ دفتری قلم مصون‌شده را تعدیل کند و در سود یا زیان دوره شناسایی شود. این مورد زمانی کاربرد دارد که قلم مصون‌شده، در نبود مصون‌سازی به بهای تمام شده اندازه‌گیری شود. شناسایی سود یا زیان قابل انتساب به ریسک مصون‌شده در سود یا زیان دوره، در صورتی کاربرد دارد که قلم مصون‌شده یک دارایی مالی آماده برای فروش باشد.

89 الف. در مصون‌سازی ریسک نرخ بهره بخشی از پرتفوی داراییهای مالی یا بدهیهای مالی که از نوع مصون‌سازی ارزش منصفانه است (و تنها در این نوع مصون‌سازی)، الزام مندرج در بند 89 (ب) می‌تواند به یکی از روشهای زیر احراز شود:

الف. از طریق ارائه سود یا زیان قابل انتساب به قلم مصون‌شده در یک قلم اصلی جداگانه و احداث در داراییها، در دوره‌های زمانی قیمت‌گذاری مجدد که در آن دوره‌ها، قلم مصون‌شده یک دارایی است.

ب. از طریق ارائه سود یا زیان قابل انتساب به قلم مصون‌شده در یک قلم اصلی جداگانه واحد در بدهیها، برای دوره‌های زمانی قیمت‌گذاری مجدد که در آن دوره‌ها، قلم مصون‌شده یک بدهی است.

اقلام اصلی جداگانه اشاره‌شده در قسمتهای (الف) و (ب) بالا، باید پس از داراییهای مالی یا بدهیهای مالی ارائه شود. مبالغ مندرج در این سرفصلها باید هنگام قطع شناخت داراییها یا بدهیهای مربوط، از صورت وضعیت مالی حذف شود.

90. در صورتی که تنها ریسکهای مشخص قابل انتساب به قلم مصون‌شده، مصون شده باشد، تغییرات شناسایی‌شده در ارزش منصفانه قلم مصون‌شده که غیرمرتبط با ریسک مصون‌شده است، طبق بند 55 شناسایی می‌شود.

91. واحد تجاری در صورتی باید حسابداری مصون‌سازی الزامی طبق بند 89 را با تسری به آینده متوقف کند، که:

الف. ابزار مصون‌سازی منقضی شود یا به فروش برسد، خاتمه یابد یا اعمال شود. برای این منظور، جایگزینی یک ابزار مصون‌سازی با ابزار مصون‌سازی دیگر یا تمدید آن، در صورتی که چنین جایگزینی یا تمدیدی بخشی از راهبرد مصون‌سازی مستندشده واحد تجاری باشد، انقضا یا خاتمه تلقی نمی‌شود. افزون بر این، در صورت وقوع موارد زیر، ابزار مصون‌سازی منقضی نمی‌شود یا خاتمه نمی‌یابد:

1. در نتیجه قوانین یا مقررات یا تصویب قوانین یا مقررات، طرفین ابزار مصون‌سازی توافق کنند که یک یا چند طرف پایاپای‌کننده، جایگزین پایاپای‌کننده اصلی آنها شود تا برای هر یک از طرفین ابزار مصون‌سازی، یک طرف جدید محسوب شود. برای این منظور، طرف پایاپای‌کننده، یک نهاد مرکزی (برخی مواقع به آن "سازمان پایاپای‌کننده" یا "نهاد پایاپای‌کننده" گویند) یا یک یا چند واحد تجاری است که برای مثال، عضو پایاپای‌کننده یک سازمان پایاپای‌کننده، یا مشتری عضو پایاپای‌کننده یک سازمان پایاپای‌کننده، به عنوان طرفهای معامله در حال فعالیت هستند تا عمل تسویه توسط نهاد مرکزی انجام گیرد. با وجود این، هنگامی که طرفین ابزار مصون‌سازی، طرفهای پایاپای‌کننده اصلی خود را با طرفهای متفاوتی جایگزین می‌کنند، این بند تنها در صورتی کاربرد دارد که هرکدام از آن طرفها، عمل تسویه را توسط نهاد مرکزی یکسان انجام دهند.

2. سایر تغییرات در ابزار مصون‌سازی، در صورت وجود، محدود به تغییراتی باشد که برای جایگزینی طرف پایاپای‌کننده، ضروری است. این تغییرات محدود به تغییراتی است که اگر ابزار مصون‌سازی در اصل توسط طرف پایاپای‌کننده، تسویه می‌شد، سازگار بود. این تغییرات شامل تغییرات در الزامات وثیقه، حق تهاثر مانده دریافتنی‌ها و پرداختنی‌ها و هزینه‌های تعیین‌شده می‌باشد.

ب. مصون‌سازی، معیارهای حسابداری مصون‌سازی طبق بند 88 را دیگر احراز نکند؛ یا

پ. واحد تجاری، اختصاص دادن را متوقف کند.

92. هرگونه تعدیل ناشی از بند 89(ب) در مبلغ دفتری ابزار مالی مصون‌شده که روش بهره مؤثر برای آن استفاده می‌شود (یا، در مورد مصون‌سازی ریسک نرخ بهره پرتفوی، در یک قلم اصلی جداگانه در صورت وضعیت مالی که در بند 89الف توضیح داده شد)، باید در سود یا زیان دوره، مستهلک شود. استهلاک می‌تواند به محض وجود یک تعدیل شروع شود، اما شروع استهلاک نباید پس از زمان توقف تعدیل قلم مصون‌شده بابت تغییرات قابل انتساب ارزش منصفانه به ریسکی که مصون می‌شود باشد. تعدیل، مبتنی بر نرخ بهره مؤثری است که در تاریخ شروع استهلاک، مجدداً محاسبه می‌شود. با وجود این، در مورد مصون‌سازی ریسک نرخ بهره پرتفوی داراییهای مالی یا بدهیهای مالی که از نوع مصون‌سازی ارزش منصفانه است (و تنها در این نوع مصون‌سازی)، اگر مستهلک کردن با استفاده از نرخ بهره مؤثر مجدداً محاسبه شده، عملی نباشد، تعدیل باید با استفاده از روش خط مستقیم مستهلک شود. تعدیل باید بطور کامل تا سررسید ابزار مالی، یا در مورد مصون‌سازی ریسک نرخ بهره پرتفوی تا انقضای دوره زمانی قیمتگذاری مجدد مربوط، مستهلک شود.

93. هرگاه تعهد قطعی شناسایی نشده، به عنوان قلم مصون‌شده اختصاص یابد، تغییر انباشته بعدی در ارزش منصفانه تعهد قطعی که قابل انتساب به ریسک مصون‌شده است، به عنوان دارایی یا بدهی، و سود یا زیان مربوط به آن در سود یا زیان دوره شناسایی می‌شود (به بند 89 (ب) مراجعه شود). تغییرات در ارزش منصفانه ابزار مصون‌سازی نیز در سود یا زیان دوره، شناسایی می‌شود.

94. هنگامی که واحد تجاری به منظور تحصیل یک دارایی یا تقبل یک بدهی که در مصون‌سازی ارزش منصفانه، یک قلم مصون‌شده تلقی می‌شود، تعهد قطعی منعقد می‌کند، مبلغ دفتری اولیه آن دارایی یا بدهی که ناشی از احراز تعهد قطعی توسط واحد تجاری است تعدیل می‌شود تا تغییر انباشته در ارزش منصفانه تعهد قطعی قابل انتساب به ریسک مصون‌شده را که در صورت وضعیت مالی شناسایی شده است، شامل شود.

مصون‌سازی جریانهای نقدی

95. اگر مصون‌سازی جریانهای نقدی، شرطهای مندرج در بند 88 را طی دوره احراز کند، باید به شرح زیر به حساب منظور شود:

الف. بخشی از سود یا زیان ابزار مصون‌سازی که به عنوان مصون‌سازی اثربخش تعیین شده است (به بند 88 مراجعه شود)، باید در سایر اقلام سود و زیان جامع شناسایی شود؛ و

ب. بخش غیراثربخش سود یا زیان ابزار مصون‌سازی، باید در سود یا زیان دوره شناسایی شود.

96. بطور خاص، مصون‌سازی جریانهای نقدی به شرح زیر به حساب گرفته می‌شود:

الف. بخش جداگانه‌ای از حقوق مالکانه که مرتبط با قلم مصون‌شده است، بر اساس حداقل مبالغ زیر (به صورت قدر مطلق) تعدیل می‌شود:

1. سود یا زیان تجمیع‌شده مربوط به ابزار مصون‌سازی از زمان شروع مصون‌سازی؛ و

2. تغییر انباشته در ارزش منصفانه (ارزش فعلی) جریانهای نقدی آتی مورد انتظار مربوط به قلم مصون‌شده، از زمان شروع مصون‌سازی؛

ب. هرگونه سود یا زیان باقیمانده مربوط به ابزار مصون‌سازی یا بخشی از آن که بدین منظور اختصاص یافته است (که مصون‌سازی اثربخش نیست)، در سود یا زیان دوره شناسایی می‌شود؛ و

پ. اگر راهبرد مدیریت ریسک مستند شده واحد تجاری در خصوص یک رابطه مصون‌سازی خاص، یک جزء خاص از سود یا زیان یا جریانهای نقدی مربوط به ابزار مصون‌سازی را در ارزیابی اثربخشی مصون‌سازی حذف کند (به بندهای 74، 75 و 88 (الف) مراجعه شود)، جزء حذف‌شده از سود یا زیان، طبق بند 55 شناسایی می‌شود.

97. اگر مصون‌سازی یک معامله پیش‌بینی‌شده، متعاقباً منجر به شناسایی دارایی مالی یا بدهی مالی شود، سودها یا زیانهای مرتبط با آن که طبق بند 95 در سایر اقلام سود و زیان جامع شناسایی شده است، باید در همان دوره یا دوره‌هایی که طی آنها جریانهای نقدی پیش‌بینی‌شده مصون‌شده بر سود یا زیان دوره تأثیر می‌گذارد (مانند دوره‌هایی که درآمد بهره یا هزینه بهره شناسایی می‌شود)، به عنوان تعدیل تجدید طبقه‌بندی از حقوق مالکانه به سود یا زیان دوره منتقل شود (به استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱ (تجدیدنظرشده در سال 2007) مراجعه شود). با وجود این، اگر واحد تجاری انتظار داشته باشد که تمام یا بخشی از زیان شناسایی‌شده در سایر اقلام سود و زیان جامع، در یک یا چند دوره آتی بازیافت نشود، باید مبلغی را که انتظار بازیافت آن وجود ندارد، به عنوان تعدیل تجدید طبقه‌بندی، به سود یا زیان دوره انتقال دهد.

98. اگر مصون‌سازی معامله پیش‌بینی‌شده، متعاقباً منجر به شناسایی دارایی غیرمالی یا بدهی غیرمالی شود، یا یک معامله پیش‌بینی‌شده در ارتباط با دارایی غیرمالی یا بدهی غیرمالی، تبدیل به تعهد قطعی شود که برای آن حسابداری مصون‌سازی ارزش منصفانه بکار گرفته می‌شود، در این صورت واحد تجاری باید موارد (الف) یا (ب) زیر را بپذیرد:

الف. سودها و زیانهای مربوط که طبق بند ۹۵ در سایر اقلام سود و زیان جامع شناسایی شده است را در همان دوره یا دوره‌هایی که طی آنها دارایی تحصیل‌شده یا بدهی تحمل‌شده بر سود یا زیان دوره تأثیر می‌گذارد (مانند دوره‌هایی که هزینه‌های استهلاک یا مخارج فروش شناسایی شده است)، به عنوان تعدیل تجدید طبقه‌بندی، به سود یا زیان دوره منتقل کند (به استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱ (تجدیدنظرشده در سال 2007) مراجعه شود). با وجود این، اگر واحد تجاری انتظار بازیافت تمام یا قسمتی از زیان شناسایی‌شده در سایر اقلام سود و زیان جامع را در یک یا چند دوره آتی نداشته باشد، باید مبلغی را که انتظار بازیافت آن وجود ندارد، به عنوان تعدیل تجدید طبقه‌بندی از حقوق مالکانه به سود یا زیان دوره انتقال دهد.

ب. سودها و زیانهای مربوط را که طبق بند ۹۵ در سایر اقلام سود و زیان جامع شناسایی شده است، حذف کند و آنها را در بهای اولیه یا مبلغ دفتری دارایی یا بدهی منظور نماید.

99. واحد تجاری باید یکی از موارد (الف) یا (ب) مندرج در بند 98 را به عنوان رویه حسابداری خود بپذیرد و آن را با ثبات رویه برای تمام مصون‌سازی‌های مشمول بند 98، اعمال کند.

100. برای مصون‌سازی جریانهای نقدی، به غیر از مواردی که مشمول بندهای 97 و 98 می‌شود، مبالغی که در سایر اقلام سود و زیان جامع شناسایی شده است باید در همان دوره یا دوره‌هایی که طی آنها جریانهای نقدی پیش‌بینی‌شده مصون‌شده بر سود یا زیان دوره تأثیر می‌گذارد (برای مثال، هنگامی که فروش پیش‌بینی‌شده انجام می‌شود)، به عنوان تعدیل تجدید طبقه‌بندی، از حقوق مالکانه به سود یا زیان دوره منتقل شود (به استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱ (تجدیدنظرشده در سال 2007) مراجعه شود).

101. در هر یک از شرایط زیر، واحد تجاری باید حسابداری مصون‌سازی مندرج در بندهای 95 تا 100 را با تسری به آینده متوقف کند:

الف. ابزار مصون‌سازی منقضی شود یا به فروش برسد یا خاتمه یابد یا اعمال شود. در این موارد، سود یا زیان تجمیع‌شده مربوط به ابزار مصون‌سازی که از زمان اثربخشی مصون‌سازی، در سایر اقلام سود و زیان جامع شناسایی شده است (به بند 95(الف) مراجعه شود) باید تا زمان وقوع معامله پیش‌بینی‌شده، به صورت یک قلم جداگانه در حقوق مالکانه باقی بماند. در صورت وقوع معامله مزبور، بند 97، 98 یا 100 کاربرد دارد. برای مقاصد این بند فرعی، جایگزینی یا تغییر ابزار مصون‌سازی با یک ابزار مصون‌سازی دیگر، در صورتی که این جایگزینی یا تغییر بخشی از راهبرد مصون‌سازی مستندشده آن واحد تجاری باشد، انقضا یا خاتمه محسوب نمی‌شود. همچنین، برای مقاصد این بند فرعی، موارد زیر در صورتی انقضا یا خاتمه ابزار مصون‌سازی محسوب نمی‌شود که:

1. در نتیجه قوانین یا مقررات یا تصویب قوانین یا مقررات، طرفین ابزار مصون‌سازی توافق کنند که یک یا چند طرف پایای‌کننده، جایگزین پایای‌کننده اصلی آنها شود تا برای هر یک از طرفین ابزار مصون‌سازی، یک طرف جدید محسوب شود. برای این منظور، طرف پایای‌کننده، یک نهاد مرکزی (برخی مواقع به آن "سازمان پایای‌کننده" یا "نهاد پایای‌کننده" گویند) یا یک یا چند واحد تجاری است که برای مثال، عضو پایای‌کننده یک سازمان پایای‌کننده، یا مشتری عضو پایای‌کننده یک سازمان پایای‌کننده، به عنوان طرفهای معامله در حال فعالیت هستند تا عمل تسویه توسط نهاد مرکزی انجام گیرد. با وجود این، هنگامی که طرفین ابزار مصون‌سازی، طرفهای پایای‌کننده اصلی خود را با طرفهای متفاوتی جایگزین می‌کنند، این بند تنها در صورتی کاربرد دارد که هرکدام از آن طرفها، عمل تسویه را توسط نهاد مرکزی یکسان انجام دهند.

2. سایر تغییرات در ابزار مصون‌سازی، در صورت وجود، محدود به تغییراتی باشد که برای جایگزینی طرف پایای‌کننده، ضروری است. این تغییرات محدود به تغییراتی است که اگر ابزار مصون‌سازی در اصل توسط طرف پایای‌کننده، تسویه می‌شد، سازگار بود. این تغییرات شامل تغییرات در الزامات وثیقه، حق تهاثر مانده دریافتنی‌ها و پرداختنی‌ها و هزینه‌های تعیین‌شده می‌باشد.

ب. مصون‌سازی، معیارهای حسابداری مصون‌سازی مندرج در بند 88 را دیگر احراز نکند. در این صورت، سود یا زیان تجمیع‌شده مربوط به ابزار مصون‌سازی که از دوره اثربخشی مصون‌سازی، در سایر اقلام سود و زیان جامع شناسایی شده است (به بند 95(الف) مراجعه شود)، باید تا زمان وقوع معامله پیش‌بینی‌شده، به صورت جداگانه در حقوق مالکانه

باقی بماند. هنگام وقوع معامله مزبور، بندهای ۹۷، ۹۸ یا 100 کاربرد دارد.

پ. انتظار وقوع معامله پیش‌بینی‌شده، منتفی شده باشد که در این صورت، هرگونه سود یا زیان تجمیع‌شده مربوط به ابزار مصون‌سازی که از دوره اثربخشی مصون‌سازی، در سایر اقلام سود و زیان جامع شناسایی شده است (به بند 95(الف) مراجعه شود) باید به عنوان تعدیل تجدید طبقه‌بندی، از حقوق مالکانه به سود یا زیان دوره منتقل شود. ممکن است هنوز وقوع معامله پیش‌بینی‌شده‌ای که دیگر بسیار محتمل نیست (به بند 88(پ) مراجعه شود) مورد انتظار باشد.

ت. واحد تجاری، اختصاص دادن مصون‌سازی را متوقف کند. برای مصون‌سازی معامله پیش‌بینی‌شده، سود یا زیان تجمیع‌شده مربوط به ابزار مصون‌سازی که از دوره اثربخشی شدن مصون‌سازی، در سایر اقلام سود و زیان جامع شناسایی شده است (به بند 95(الف) مراجعه شود) باید تا زمان وقوع معامله پیش‌بینی‌شده یا تا زمان منتفی شدن انتظار وقوع آن، به صورت جداگانه در حقوق مالکانه باقی بماند. هنگام وقوع معامله مزبور، بندهای ۹۷، ۹۸ یا 100 کاربرد دارد. چنانچه دیگر انتظار ورود معامله واقع شود، سود یا زیان تجمیع‌شده‌ای که در سایر اقلام سود و زیان جامع شناسایی شده است، باید به عنوان تعدیل تجدید طبقه‌بندی، از حقوق مالکانه به سود یا زیان دوره منتقل شود.

مصون‌سازی خالص سرمایه‌گذاری

102. مصون‌سازی خالص سرمایه‌گذاری در عملیات خارجی، شامل مصون‌سازی یک قلم پولی که به عنوان بخشی از خالص سرمایه‌گذاری در نظر گرفته می‌شود (به استاندارد بین‌المللی حسابداری 21 مراجعه شود)، باید مشابه با مصون‌سازی جریانهای نقدی به حساب گرفته شود:

الف. بخشی از سود یا زیان مربوط به ابزار مصون‌سازی که به عنوان مصون‌سازی اثربخش تعیین شده است (به بند ۸۸ مراجعه شود) باید در سایر اقلام سود و زیان جامع شناسایی شود؛ و

ب. بخش غیراثربخش باید در سود یا زیان دوره شناسایی گردد. سود یا زیان مربوط به ابزار مصون‌سازی که در ارتباط با بخش اثربخش مصون‌سازی در سایر اقلام سود و زیان جامع شناسایی می‌شود، باید هنگام واگذاری تمام یا بخشی از عملیات خارجی طبق بندهای 48 تا 49 استاندارد بین‌المللی حسابداری ۲۱، به عنوان تعدیل تجدید طبقه‌بندی، از حقوق مالکانه به سود یا زیان دوره منتقل شود (به استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱ (تجدیدنظرشده در سال 2007) مراجعه شود).

تاریخ اجرا و گذار

103. واحد تجاری باید این استاندارد (شامل اصلاحات منتشرشده در مارس سال 2004) را برای دوره‌های سالانه‌ای که از اول ژانویه سال 2005 یا پس از آن شروع می‌شود بکار گیرد. بکارگیری پیش از موعد مجاز

است. واحد تجاری نباید این استاندارد (شامل اصلاحات منتشرشده در مارس سال 2004) را برای دوره‌های سالانه‌ای که قبل از اول ژانویه سال 2005 شروع می‌شود، بکار گیرد مگر اینکه استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۲ (منتشرشده در دسامبر سال 2003) را نیز بکار گیرد. در صورتی که واحد تجاری، این استاندارد را برای دوره‌ای که شروع آن قبل از اول ژانویه سال 2005 است، بکار گیرد، باید این موضوع را افشا کند.

103 الف. واحد تجاری باید مورد اصلاحی مندرج در بند 2 (د) را برای دوره‌های سالانه‌ای که از اول ژانویه سال 2006 یا پس از آن شروع می‌شود، بکار گیرد. اگر واحد تجاری، تفسیر 5 کمیته تفاسیر استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی حقوق نسبت به منافع ناشی از وجوه مربوط به برچیدن تأسیسات، احیا و بازسازی محیط زیست را پیش از موعد بکار گیرد، این مورد اصلاحی باید برای آن دوره اعمال گردد.

103 ب. قراردادهای تضمین مالی (اصلاحات استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۹ و استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۴)، منتشرشده در آگوست سال ۲۰۰۵، بندهای ۲ (ث) و (ح)، ۴، ۴۷ و رب ۴ را اصلاح و بند رب ۴ الف را اضافه، تعریف جدیدی از قراردادهای تضمین مالی را در بند ۹ ارائه و بند ۳ را حذف کرد. واحد تجاری باید این اصلاحات را برای دوره‌های سالانه‌ای که از اول ژانویه سال ۲۰۰۶ یا پس از آن شروع می‌شود، بکار گیرد. بکارگیری پیش از موعد توصیه می‌شود. در صورتی که واحد تجاری این تغییرات را پیش از موعد بکار گیرد، باید این موضوع را افشا کند و اصلاحات مربوط در استاندارد بین‌المللی حسابداری 1۳۲ و استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۴ را همزمان بکار گیرد.

۱۰۳ پ. استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱ (تجدیدنظرشده در سال 2007) اصطلاحات مورد استفاده در کل استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را اصلاح کرد. همچنین، بندهای 26، 27، 34، 54، 55، 57، 67، 68، 95 (الف)، 97، 98، 100، 102، 105، 108، رب ۴ ت، رب ۴ (ت) (1)، رب ۵۶، رب ۶۷، رب ۸۳، و رب ۹۹ را نیز اصلاح نمود. واحد تجاری باید آن اصلاحات را برای دوره‌های سالانه‌ای که از اول ژانویه سال 2009 یا پس

¹ هنگامی که واحد تجاری استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 7 را بکار می‌گیرد، ارجاع به استاندارد بین‌المللی حسابداری 32، با ارجاع به استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 7 جایگزین می‌شود.

از آن شروع می‌شود، بکار گیرد. اگر واحد تجاری، استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱ (تجدیدنظرشده در سال 2007) را پیش از موعد بکار گیرد، اصلاحات مذکور باید برای آن دوره اعمال گردد.

103ت. استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 3 (تجدیدنظرشده در سال 2008) بند 2(ج) را حذف کرد. واحد تجاری باید این مورد اصلاحی را برای دوره‌های سالانه‌ای که از اول جولای سال ۲۰۰۹ یا پس از آن شروع می‌شود، بکار گیرد. در صورتی که واحد تجاری، استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۳ (تجدیدنظرشده در 2008) را پیش از موعد بکار گیرد، این مورد اصلاحی باید برای آن دوره نیز اعمال گردد. با این وجود، این مورد اصلاحی برای مابه‌ازای احتمالی ناشی از ترکیب تجاری که تاریخ تحصیل آن قبل از بکارگیری استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۳ (تجدیدنظرشده در سال ۲۰۰۸) است، کاربرد ندارد. در مقابل، واحد تجاری باید این مابه‌ازا را طبق بندهای ۶۵الف - ۶۵ث استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۳ (تجدیدنظرشده در سال 2010) به حساب منظور کند.

103ث. استاندارد بین‌المللی حسابداری ۲۷ (تجدیدنظرشده در سال 2008) بند 102 را اصلاح کرد. واحد تجاری باید این مورد اصلاحی را برای دوره‌های سالانه‌ای که از اول جولای سال ۲۰۰۹ یا پس از آن شروع می‌شود، بکار گیرد. در صورتی که واحد تجاری، استاندارد بین‌المللی حسابداری ۲۷ (تجدیدنظرشده در سال 2008) را پیش از موعد بکار گیرد، این مورد اصلاحی باید برای آن دوره نیز اعمال گردد.

103ج. واحد تجاری باید مورد اصلاحی مندرج در بند 2 را برای دوره‌های سالانه‌ای که از اول ژانویه سال ۲۰۰۹ یا پس از آن شروع می‌شود، بکار گیرد. در صورتی که واحد تجاری ابزارهای مالی قابل فروش به ناشر و تعهدات ناشی از انحلال (اصلاحات استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۲ و استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱)، منتشرشده در فوریه سال 2008 را پیش از موعد بکار گیرد، مورد اصلاحی بند 2 باید برای آن دوره اعمال گردد.

103چ. واحد تجاری باید بندهای رب۹۹الف، رب۹۹ث، رب۹۹ج، رب۱۱۰الف و رب۱۱۰ب را برای دوره‌های سالانه‌ای که از اول جولای سال ۲۰۰۹ یا پس از آن شروع می‌شود، با تسری به گذشته طبق استاندارد بین‌المللی

حسابداری ۸ رویه‌های حسابداری، تغییر در برآوردهای حسابداری و اشتباهات بکار گیرد. بکارگیری پیش از موعد مجاز است. در صورتی که واحد تجاری، اقلام مصون‌شده واجد شرایط (اصلاحات استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۹) را برای دوره‌هایی که قبل از اول جولای سال 2009 شروع می‌شود، بکارگیرد، باید این موضوع را افشا کند.

103ح. تجدید طبقه‌بندی داراییهای مالی (اصلاحات استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۹ و استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۷)، منتشرشده در اکتبر سال 2008، بندهای 50 و رب ۸ را اصلاح، و بندهای ۵۰ تا ۵۰ج را اضافه کرد. واحد تجاری باید اصلاحات مذکور را از ابتدای جولای سال ۲۰۰۸ یا پس از آن بکارگیرد. واحد تجاری نباید دارایی مالی را قبل از اول جولای سال 2008 طبق بند ۵۰ب، ۵۰ت یا ۵۰ث تجدید طبقه‌بندی کند. هرگونه تجدید طبقه‌بندی دارایی مالی که در اول نوامبر سال 2008 یا پس از آن انجام می‌شود، باید تنها از تاریخ انجام تجدید طبقه‌بندی اعمال شود. هرگونه تجدید طبقه‌بندی دارایی مالی طبق بند ۵۰ب، ۵۰ت یا ۵۰ث نباید قبل از اول جولای سال 2008، با تسری به گذشته بکار گرفته شود.

103خ. تجدید طبقه‌بندی داراییهای مالی- تاریخ اجرا و گذار (اصلاحات استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۹ و استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۷)، منتشرشده در نوامبر سال 2008، بند 103ح را اصلاح کرد. واحد تجاری باید آن مورد اصلاحی را از اول جولای سال 2008 یا پس از آن اعمال کند.

103د. واحد تجاری باید بند 12 را که به موجب ابزارهای مشتقه تعبیه‌شده (اصلاحات تفسیر 9 کمیته تفاسیر استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۹)، منتشرشده در مارس سال 2009، اصلاح شد، برای دوره‌های سالانه‌ای که به 30 ژوئن سال 2009 یا پس از آن ختم می‌شود، بکار گیرد.

103ذ. اصلاحات استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، منتشرشده در آوریل سال 2009، بندهای 2(چ)، 97، 100 و رب ۳۰(چ) را اصلاح کرد. واحد تجاری باید اصلاحات بندهای 2(چ)، 97 و 100 را برای تمام قراردادهای منقضی‌نشده مربوط به دوره‌های سالانه‌ای که از اول ژانویه سال 2010 یا پس از آن شروع

می‌شود، با تسری به گذشته بکار گیرد. واحد تجاری باید اصلاحات بند رب ۳۰ (چ) را برای دوره‌های سالانه‌ای که از اول ژانویه سال 2010 یا پس از آن شروع می‌شود، بکار گیرد. بکارگیری پیش از موعد مجاز است. در صورتی که واحد تجاری، این اصلاحات را پیش از موعد بکار گیرد باید این موضوع را افشا کند.

103ر. [این بند اشاره به اصلاحاتی دارد که هنوز لازم‌الاجرا نشده است و بنابراین، در این ویرایش درج نشده است.]

103ز. [این بند اشاره به اصلاحاتی دارد که هنوز لازم‌الاجرا نشده است و بنابراین، در این ویرایش درج نشده است.]

103ژ. بند 103ت به موجب اصلاحات استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، منتشرشده در می سال 2010، اصلاح شد. واحد تجاری باید این مورد اصلاحی را برای دوره‌های سالانه‌ای که از اول جولای سال 2010 یا پس از آن شروع می‌شود، بکار گیرد. بکارگیری پیش از موعد مجاز است.

103س. [این بند اشاره به اصلاحاتی دارد که هنوز لازم‌الاجرا نشده است و بنابراین، در این ویرایش درج نشده است.]

103ش. استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۰ و استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۱ ^{مشارکته‌ها}، منتشرشده در می سال 2011، بندهای 2 (الف)، 15، رب ۳، رب ۳۶ تا رب ۳۸ و رب ۴خ (الف) را اصلاح کرد. واحد تجاری باید این اصلاحات را هنگام بکارگیری استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۰ و استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۱ اعمال نماید.

103ص. استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۳، منتشرشده در می سال 2011، بندهای 9، 13، 28، 47، 88، رب ۴۶، رب ۵۲، رب ۶۴، رب ۷۶، رب ۷۶الف، رب ۸۰، رب ۸۱ و رب ۹۶ را اصلاح، بند 43الف را اضافه و بندهای 48 تا 49، رب ۶۹ تا رب ۷۵، رب ۷۷ تا رب ۷۹ و رب ۸۲ را حذف کرد. واحد تجاری باید اصلاحات مذکور را هنگام بکارگیری استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۳ اعمال کند.

103ض. ^{واحدهای تجاری سرمایه‌گذاری} (اصلاحات استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۰ و استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۲ و استاندارد بین‌المللی حسابداری ۲۷)، منتشرشده در اکتبر سال 2012، بندهای 2 و 80 را اصلاح کرد. واحد تجاری باید این اصلاحات را برای دوره‌های سالانه‌ای که از

اول ژانویه سال 2014 یا پس از آن شروع می‌شود، بکار گیرد. بکارگیری پیش از موعد واحدهای تجاری سرمایه‌گذاری مجاز است. اگر واحد تجاری اصلاحات مذکور را پیش از موعد اعمال کند، باید تمام اصلاحات مندرج در واحدهای تجاری سرمایه‌گذاری را همزمان اعمال نماید.

103ط تا 103ع. [این بندها اشاره به اصلاحاتی دارد که هنوز لازم‌الاجرا نشده است و بنابراین، در این ویرایش درج نشده است.]

104. این استاندارد به جز موارد تصریح‌شده در بندهای ۱۰۵ تا ۱۰۸، باید با تسری به گذشته بکار گرفته شود. مانده ابتدای دوره سود انباشته برای نخستین دوره گذشته ارائه‌شده و سایر مبالغ مقایسه‌ای باید به‌گونه‌ای تعدیل شوند که گویی همیشه از این استاندارد استفاده شده است، مگر اینکه تجدید ارائه اطلاعات غیرعملی باشد. اگر تجدید ارائه غیرعملی باشد، واحد تجاری باید این موضوع را افشا کند و میزان اطلاعات تجدید ارائه‌شده را مشخص نماید.

105. هنگامی که این استاندارد برای نخستین بار بکار گرفته می‌شود، واحد تجاری مجاز است یک دارایی مالی را که قبلاً شناسایی شده است، به عنوان آماده برای فروش اختصاص دهد. در مورد این دارایی مالی، واحد تجاری باید تمام تغییرات انباشته در ارزش منصفانه را تا زمان قطع شناخت یا کاهش ارزش بعدی که باید سود یا زیان تجمیع‌شده را به عنوان تعدیل تجدید طبقه‌بندی (به استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱ (تجدیدنظرشده در سال 2007) مراجعه شود) از حقوق مالکانه به سود یا زیان دوره تجدید طبقه‌بندی نماید، در بخش جداگانه‌ای از حقوق مالکانه شناسایی کند. واحد تجاری همچنین باید:

الف. دارایی مالی را با استفاده از طبقه‌بندی جدید در صورتهای مالی مقایسه‌ای تجدید ارائه کند؛ و

ب. ارزش منصفانه داراییهای مالی در تاریخ تخصیص و طبقه‌بندی و مبلغ دفتری آنها در صورتهای مالی قبلی را افشا نماید.

105الف. واحد تجاری باید بندهای 11الف، 48الف، رب4ب تا رب4ذ، رب33الف و رب33ب و اصلاحات سال 2005 در بندهای 9، 12 و 13 را برای دوره‌های سالانه‌ای که از اول ژانویه سال 2006 یا پس از آن شروع می‌شود، بکار گیرد. بکارگیری پیش از موعد توصیه می‌شود.

105ب. واحد تجاری که نخستین اولین بار، بندهای 11الف، 48الف، رب4ب تا رب4ذ، رب33الف و رب33ب و اصلاحات سال 2005 در بندهای 9، 12 و 13 را در دوره‌های سالانه‌ای که قبل از اول ژانویه سال 2006 شروع می‌شود، بکار می‌گیرد:

الف. هنگامی که بندهای جدید و اصلاح‌شده برای نخستین بار اعمال می‌شود، مجاز است هر دارایی مالی یا بدهی مالی قبلاً شناسایی‌شده را که واجد شرایط اختصاص به طبقه اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره است، به این طبقه اختصاص دهد. اگر شروع دوره سالانه، قبل از اول سپتامبر سال 2005 باشد، انجام چنین تخصیصی تا اول سپتامبر سال 2005 ضرورت ندارد و همچنین ممکن است داراییهای مالی و بدهیهای مالی شناسایی‌شده بین شروع آن دوره سالانه و اول سپتامبر سال 2005 را نیز شامل شود. با وجود بند 91، داراییهای مالی و بدهیهای مالی اختصاص‌یافته به طبقه اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره طبق این بند فرعی، که قبلاً به عنوان قلم مصون‌شده در روابط حسابداری مصون‌سازی ارزش منصفانه اختصاص یافته بود، باید همزمان با اختصاص به طبقه اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره، از آن روابط نیز خارج شود.

ب. باید ارزش منصفانه داراییهای مالی یا بدهیهای مالی اختصاص‌یافته طبق بند فرعی (الف) در تاریخ تخصیص و طبقه‌بندی و مبلغ دفتری آنها در صورتهای مالی قبلی را افشا کند.

پ. باید دارایی مالی یا بدهیهای مالی که قبلاً به طبقه اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره، اختصاص یافته است و طبق بندهای جدید و اصلاح‌شده واجد شرایط تخصیص این چنینی نیست را از این طبقه خارج کند. هرگاه دارایی مالی یا بدهی مالی پس از خروج از این طبقه، به بهای مستهلک شده اندازه‌گیری شود، فرض می‌شود که تاریخ خروج، تاریخ شناخت اولیه آن است.

ت. باید ارزش منصفانه هرگونه داراییهای مالی یا بدهیهای مالی خارج‌شده از این طبقه طبق بند فرعی (پ) را در تاریخ خروج و طبقه‌بندی جدید آنها را افشا کند.

۱۰۵پ. هر واحد تجاری که برای نخستین بار، بندهای 11الف، 48الف، رب۴ب تا رب۴ذ، رب۳۳الف و رب۳۳ب و اصلاحات سال 2005 در بندهای 9، 12 و 13 را در دوره‌های سالانه‌ای که از ابتدای ژانویه سال 2006 یا پس از آن شروع می‌شود، بکار گیرد:

الف. باید طبق بندهای جدید و اصلاح‌شده، هرگونه دارایی مالی یا بدهی مالی را که قبلاً به طبقه اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره اختصاص یافته است، در صورتی که واجد شرایط این تخصیص نباشد، از این طبقه خارج کند. هنگامی که دارایی مالی یا بدهی مالی پس از خروج از این طبقه، به بهای مستهلک شده اندازه‌گیری شود، فرض می‌شود که تاریخ خروج، تاریخ شناخت اولیه آن است.

ب. نباید داراییهای مالی یا بدهیهای مالی شناسایی‌شده قبلی را به طبقه اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره، اختصاص دهد.

پ. باید ارزش منصفانه داراییهای مالی یا بدهیهای مالی خارج‌شده از این طبقه طبق بند فرعی (الف) را در تاریخ خروج و طبقه‌بندی جدید آنها را افشا کند.

105ت. واحد تجاری باید صورتهای مالی مقایسه‌ای را با استفاده از طبقه‌بندیهای جدید مندرج در بند 105پ یا 105پ تجدید ارائه کند، مشروط بر اینکه در مواردی که داراییهای مالی، بدهیهای مالی، یا گروه داراییهای مالی، بدهیهای مالی یا هر دو، به طبقه اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره اختصاص یافته است، آن اقلام یا گروهها معیارهای مندرج در بند 9(ب)(1)، 9(ب)(2) یا 11الف را در شروع دوره مقایسه‌ای احراز کنند، یا اگر پس از شروع دوره مقایسه‌ای این معیارها احراز شود، معیارهای مندرج در بند 9(ب)(1)، 9(ب)(2) یا 11الف را در تاریخ شناخت اولیه، احراز نمایند.

106. به استثنای موارد مجاز طبق بند 107، واحد تجاری باید الزامات قطع شناخت مندرج در بندهای 15 تا 37،

و پیوست الف بندهای رب۳۶ تا رب۵۲ را با تسری به آینده بکار گیرد. به همین ترتیب، اگر واحد تجاری در نتیجه معامله‌ای که قبل از اول ژانویه سال 2004 واقع شده است، داراییهای مالی را طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۹ (تجدیدنظرشده در سال 2000) قطع شناخت کند و آن داراییها بر اساس این استاندارد، قطع شناخت نشوند، واحد تجاری نباید آن داراییها را شناسایی کند.

107. با وجود بند 106، واحد تجاری می‌تواند الزامات قطع شناخت مندرج در بندهای 15 تا 37، و پیوست الف بندهای رب۳۶ تا رب۵۲ را از تاریخ تصمیم‌گیری واحد تجاری با تسری به گذشته اعمال کند، مشروط بر آنکه اطلاعات مورد نیاز برای بکارگیری استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۹ برای داراییها و بدهیهای قطع شناخت‌شده در نتیجه معاملات قبلی، در زمان حسابداری اولیه آن معاملات به دست آمده باشد.

107 الف. با وجود بند 104، واحد تجاری می‌تواند الزامات مندرج در آخرین جمله بند رب۷۶، و بند رب۷۶ الف را به یکی از روشهای زیر بکار گیرد:

الف. با تسری به آینده، برای معاملات انجام‌شده پس از 25 اکتبر سال 2002؛ یا

ب. با تسری به آینده برای معاملات انجام‌شده پس از اول ژانویه سال 2004.

108. واحد تجاری نباید مبلغ دفتری داراییهای غیرمالی و بدهیهای غیرمالی را به منظور حذف سودها و زیانهای مربوط به مصونسازی جریانهای نقدی که قبل از شروع سال مالی بکارگیری این استاندارد برای نخستین بار، در مبلغ دفتری لحاظ شده است، تعدیل کند. در شروع دوره مالی که این استاندارد برای نخستین بار بکار گرفته می‌شود، هر مبلغ شناسایی‌شده خارج از سود یا زیان دوره (در سایر اقلام سود و زیان جامع یا بطور مستقیم در حقوق مالکانه) برای مصونسازی تعهدات قطعی، که طبق این استاندارد به عنوان مصونسازی ارزش منصفانه به حساب گرفته شده، باید به عنوان یک دارایی یا بدهی، تجدید طبقه‌بندی شود، به استثنای مصونسازی ریسک ارز که همچنان به عنوان مصونسازی جریانهای نقدی در نظر گرفته می‌شود.

108 الف. واحد تجاری باید آخرین جمله بند 80، و بندهای رب۹۹ الف و رب۹۹ ب را برای دوره‌های سالانه‌ای که از اول ژانویه سال 2006 یا پس از آن شروع می‌شود،

بکار گیرد. بکارگیری پیش از موعد توصیه می‌شود. در صورتی که واحد تجاری، یک معامله پیش‌بینی‌شده برون‌سازمانی را به عنوان قلم مصون‌شده اختصاص داده باشد که این معامله:

الف. بر حسب واحد پول عملیاتی واحد تجاری انجام‌دهنده معامله بیان شود،

ب. باعث ایجاد ریسکی شود که بر سود یا زیان تلفیقی اثر دارد (یعنی بر حسب واحد پولی به غیر از واحد پول گزارشگری گروه تعیین شود)،
و

پ. واجد شرایط حسابداری مصون‌سازی باشد که مبتنی بر واحد پول عملیاتی واحد تجاری انجام‌دهنده معامله نیست،

واحد تجاری می‌تواند حسابداری مصون‌سازی را در صورتهای مالی تلفیقی دوره (های) قبل از تاریخ بکارگیری آخرین جمله بند 80، و بندهای رب 99الف و رب 99ب، اعمال کند.

108ب. ضرورتی ندارد واحد تجاری بند رب 99ب را برای اطلاعات مقایسه‌ای مربوط به دوره‌های قبل از تاریخ بکارگیری آخرین جمله بند 80، و بند رب 99الف اعمال کند.

108پ. [اصلاحات استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی](#)، منتشرشده در می سال 2008، بندهای 9، 73 و ر.ب. 8 را اصلاح و بند 50 (الف) را اضافه کرد. بند 80 به موجب [اصلاحات استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی](#)، منتشرشده در آوریل سال 2009، اصلاح شد. واحد تجاری باید اصلاحات مذکور را برای دوره‌های سالانه‌ای که از اول ژانویه سال 2009 یا پس از آن شروع می‌شود، بکار گیرد. واحد تجاری باید اصلاحات بندهای 9 و 50الف را به تاریخ و به روشی که اصلاحات سال 2005 تشریح‌شده در بند 105الف را اعمال می‌کند، بکارگیرد. بکارگیری پیش از موعد تمام این اصلاحات مجاز است. اگر واحد تجاری، این اصلاحات را پیش از موعد بکار گیرد، باید این موضوع را افشا کند.

108ت. [نوسازی ابزارهای مشتقه و استمرار حسابداری مصون‌سازی](#) (اصلاحات استاندارد بین‌المللی حسابداری 39)، منتشرشده در ژوئن سال 2013، بندهای 91 و 101 را اصلاح و بند رب 113الف را اضافه کرد. واحد تجاری باید آن بندها را برای دوره‌های سالانه‌ای که اول ژانویه سال 2014 یا پس از آن شروع می‌شود، بکار

گیرد. واحد تجاری باید اصلاحات مذکور را طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری ۸ رویه‌های حسابداری، تغییر در برآوردهای حسابداری و اشتباهات با تسری به گذشته بکار گیرد. بکارگیری پیش از موعد مجاز است. اگر واحد تجاری، اصلاحات مذکور را پیش از موعد بکار گیرد، باید این موضوع را افشا کند.

108ث. [این بند اشاره به اصلاحاتی دارد که هنوز لازم‌الاجرا نشده و بنابراین، در این ویرایش درج نشده است.]

108ج. اصلاحات سالانه استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی—دوره 2010 تا 2012، منتشرشده در دسامبر سال 2013، بند 9 را در نتیجه اصلاحات استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۳، اصلاح کرد. واحد تجاری باید این مورد اصلاحی را برای ترکیبهای تجاری که اصلاحات استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۳ در مورد آنها کاربرد دارد، با تسری به آینده بکار گیرد.

کنارگذاری سایر بیانیها

109. این استاندارد جایگزین استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۹ ابزارهای مالی: شناخت و اندازه‌گیری، تجدیدنظرشده در اکتبر سال 2000، می‌شود.

110. این استاندارد و رهنمود بکارگیری همراه آن، جایگزین رهنمود بکارگیری منتشرشده توسط کمیته رهنمود بکارگیری استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۹ که توسط کمیته استانداردهای بین‌المللی حسابداری سابق تأسیس شده بود، می‌شود.

پیوست الف

رهنمود بکارگیری

استاندارد بین‌المللی حسابداری 39 ابزارهای مالی: شناخت و اندازه‌گیری

این پیوست، بخش جدانشدنی این استاندارد است.

دامنه کاربرد (بندهای 2 تا 7)

رب1. برخی قراردادهای مستلزم پرداخت بر مبنای متغیرهای اقلیمی، جغرافیایی یا سایر متغیرهای فیزیکی است (قراردادهای مبتنی بر متغیرهای اقلیمی، گاهی به عنوان "ابزارهای مشتقه آب و هوا" مورد اشاره قرار می‌گیرند). در صورتی که قراردادهای مزبور در دامنه کاربرد استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 4 نباشند، در دامنه کاربرد این استاندارد قرار می‌گیرند.

رب2. این استاندارد الزامات مربوط به طرحهای مزایای کارکنان را که با استاندارد بین‌المللی حسابداری 26 حسابداری و گزارشگری توسط طرحهای مزایای بازنشستگی مطابقت دارد و موافقتنامه‌های حق امتیاز مبتنی بر حجم فروش یا درآمد خدمات را که طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری 18 به حساب منظور می‌شود، تغیر نمی‌دهد.

رب3. برخی مواقع، واحد تجاری اقدام به "سرمایه‌گذاری راهبردی" در ابزارهای مالکانه منتشرشده توسط واحد تجاری دیگر می‌کند تا رابطه عملیاتی بلندمدت با واحد تجاری که سرمایه‌گذاری در آن انجام می‌شود، ایجاد یا حفظ گردد. واحد تجاری سرمایه‌گذار یا شریک خاص، برای تعیین مناسب بودن روش حسابداری ارزش ویژه برای این نوع سرمایه‌گذاریها، از استاندارد بین‌المللی حسابداری 28 استفاده می‌کند. در صورتی که روش ارزش ویژه مناسب نباشد، واحد تجاری این استاندارد را برای سرمایه‌گذاری راهبردی مزبور بکار می‌گیرد.

رب3الف. این استاندارد برای داراییهای مالی و بدهیهای مالی بیمه‌گران، به جز حقوق و تعهداتی که طبق بند 2(ث)، به دلیل اینکه ناشی از قراردادهایی در دامنه کاربرد استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 4 هستند، مستثنی شده‌اند، کاربرد دارد.

رب4. قراردادهای تضمین مالی ممکن است شکلهای قانونی گوناگونی نظیر تضمین، برخی انواع اعتبار اسنادی،

قرارداد نکول اعتبار یا قرارداد بیمه داشته باشند. نحوه حسابداری این قراردادها به شکل قانونی آنها بستگی ندارد. مثالهای زیر نمونه‌هایی از نحوه حسابداری مناسب برای این قراردادها است (به بند 2(ث) مراجعه شود):

الف. اگرچه یک قرارداد تضمین مالی، تعریف قرارداد بیمه در استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 4 را به شرط اینکه ریسک انتقال‌یافته قابل ملاحظه باشد احراز می‌کند، ناشر این استاندارد را بکار می‌گیرد. با وجود این، در صورتی که ناشر قبلاً به صراحت اظهار کرده باشد که چنین قراردادهایی را به عنوان قرارداد بیمه در نظر می‌گیرد و روش حسابداری قابل اعمال برای قراردادهای بیمه را بکار گرفته باشد، ناشر می‌تواند این استاندارد یا استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 4 را برای قراردادهای تضمین مالی مزبور بکار گیرد. در صورتی که این استاندارد بکار گرفته شود، طبق بند 43 ناشر ملزم است در ابتدا، قرارداد تضمین مالی را به ارزش منصفانه شناسایی کند. چنانچه قرارداد تضمین مالی در یک معامله مستقل حقیقی و در شرایط عادی با شخص غیروابسته منتشر شده باشد، احتمالاً ارزش منصفانه در آغاز با مابه‌ازای دریافتی برابر است؛ مگر اینکه شواهد بیانگر خلاف این موضوع باشد. متعاقباً، اگر قرارداد تضمین مالی در آغاز به طبقه اندازه‌گیری شده ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره اختصاص نیافته باشد یا بندهای 29 تا 37 و بندهای رب47 تا رب52 بکار گرفته نشود (زمانی که انتقال دارایی مالی واجد شرایط قطع شناخت نباشد یا رویکرد مشارکت مستمر کاربرد داشته باشد)، ناشر آن را به یکی از مبالغ زیر، هر کدام بیشتر است، اندازه‌گیری می‌کند:

1. مبلغ تعیین‌شده طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری 37؛ و

2. مبلغ شناسایی‌شده اولیه، پس از کسر، در موارد مقتضی، استهلاک انباشته شناسایی‌شده طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری 18 (به بند 47 پ مراجعه شود).

ب. در برخی تضمینهای مرتبط با اعتبار، به عنوان پیش‌شرط پرداخت، دارنده در معرض ناتوانی بدهکار برای پرداخت بابت دارایی تضمین‌شده هنگام سررسید قرار نمی‌گیرد، و زیانی از این بابت متحمل نمی‌شود. نمونه‌ای از چنین تضمینی، قراردادی است که در واکنش به تغییرات در رتبه اعتباری یا شاخص اعتباری معینی، پرداخت را الزامی می‌کند. این تضمینها، طبق تعریف این استاندارد، قراردادهای تضمین مالی محسوب نمی‌گردند و طبق تعریف استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 4، قرارداد بیمه نیز محسوب نمی‌شوند. این تضمینها ابزار مشتقه هستند و ناشر، این استاندارد را برای آنها بکار می‌گیرد.

پ. در صورتی که یک قرارداد تضمین مالی در ارتباط با فروش کالاها منتشر شده باشد، ناشر برای تعیین زمان شناخت درآمد حاصل از تضمین و فروش کالا استاندارد بین‌المللی حسابداری 18 را بکار می‌گیرد.

رب4 الف. عباراتی که ناشر با توجه به آنها قراردادهای را به عنوان قرارداد بیمه در نظر می‌گیرد، بطور معمول در مکاتبات ناشر با مشتریان و مقررات‌گذاران، قراردادهای، مستندات تجاری و صورتهای مالی، یافت می‌شود. افزون بر این، قراردادهای بیمه اغلب مشمول الزامات حسابداری است که با الزامات سایر انواع معامله‌ها، مانند قراردادهای منتشرشده توسط بانکها یا شرکتهای بازرگانی، تفاوت دارد. درچنین مواردی، صورتهای مالی ناشر بطور معمول شامل گزاره‌ای است که نشان می‌دهد ناشر از این الزامات حسابداری استفاده کرده است.

تعاریف (بندهای 8 و 9)

اختصاص به طبقه اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره

رب4 ب. بند 9 این استاندارد واحد تجاری را مجاز می‌کند که یک دارایی مالی، یک بدهی مالی، یا گروهی از ابزارهای مالی (داراییهای مالی، بدهیهای مالی یا هر دو) را به طبقه اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره اختصاص دهد

مشروط بر اینکه انجام این عمل منجر به اطلاعات مربوطتری شود.

رب4پ. تصمیم واحد تجاری برای اختصاص دارایی مالی یا بدهی مالی به طبقه اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره، مشابه انتخاب یک رویه حسابداری است (اگرچه، برخلاف انتخاب یک رویه حسابداری، بکارگیری یکنواخت آن برای تمام معاملات مشابه، الزامی نیست). چنانچه واحد تجاری چنین انتخابی داشته باشد، طبق بند 14 (ب) استاندارد بین‌المللی حسابداری 8 رویه‌های حسابداری، تغییر در برآوردهای حسابداری و اشتباهات، رویه انتخاب‌شده باید منجر به ارائه اطلاعات قابل اتکا و مربوطتر در صورتهای مالی درباره آثار معاملات، سایر رویدادها و شرایط بر وضعیت مالی، عملکرد مالی یا جریانهای نقدی واحد تجاری شود. در صورت اختصاص به طبقه اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره، بند 9 دو وضعیت را مشخص می‌کند که در آنها الزام به اطلاعات مربوطتر احراز می‌شود، بر همین اساس، برای انجام چنین تخصیصی طبق بند 9، واحد تجاری باید نشان دهد که در یکی از این دو (یا هر دو) وضعیت قرار دارد.

بند 9 (ب) (1): تخصیصی که موجب برطرف شدن یا کاهش قابل ملاحظه عدم یکنواختی در اندازه‌گیری یا شناخت می‌شود که در غیر این صورت، ایجاد می‌شد

رب4ت. طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری 39، اندازه‌گیری دارایی مالی یا بدهی مالی و طبقه‌بندی تغییرات شناسایی‌شده در ارزش آن، از طریق طبقه‌بندی آن قلم و اینکه آن قلم بخشی از یک رابطه مصون‌سازی است یا خیر، تعیین می‌شود. این الزامات ممکن است موجب عدم یکنواختی در اندازه‌گیری یا شناخت (که گاهی به عنوان "عدم تطابق حسابداری" مورد اشاره قرار می‌گیرد) شود، برای مثال، هنگامی که در صورت عدم اختصاص به طبقه اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره، دارایی مالی به عنوان آماده برای فروش طبقه‌بندی شود (که بیشتر تغییرات در ارزش منصفانه، در سایر اقلام سود و زیان جامع شناسایی می‌شود) و بدهی که واحد تجاری آن را مرتبط قلمداد می‌کند به بهای تمام شده مستهلک‌شده اندازه‌گیری گردد (با عدم شناسایی تغییرات در ارزش منصفانه). در چنین مواردی، ممکن است واحد تجاری به این نتیجه برسد که صورتهای مالی آن در صورتی اطلاعات مربوطتری ارائه می‌کند که هم دارایی و هم بدهی، به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره طبقه‌بندی شوند.

رب4ث. مثالهای زیر بیانگر زمانی است که این شرط می‌تواند احراز شود. در تمام موارد، تنها در صورتی که اصل مندرج در بند 9 (ب) (1) احراز شود، واحد تجاری می‌تواند از این شرط برای اختصاص داراییهای مالی یا بدهیهای مالی به طبقه اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره استفاده کند.

الف. واحد تجاری بدهیهایی دارد که جریانهای نقدی آن طبق قرارداد، بر مبنای عملکرد داراییهایی است که در غیر این صورت، به عنوان آماده برای فروش طبقه‌بندی می‌شدند. برای مثال، ممکن است بیمه‌گر بدهیهایی با ویژگی مشارکت اختیاری داشته باشد که بر مبنای بازده تحقق‌یافته و/یا تحقق‌نیافته سرمایه‌گذاری در مجموعه‌ای مشخص از داراییهای بیمه‌گر، مزایا پرداخت می‌کند. در صورتی که اندازه‌گیری آن بدهیها نشان‌دهنده قیمتتهای جاری در بازار باشد، طبقه‌بندی داراییها به

عنوان اندازه‌گیری شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره به این معنا است که تغییرات در ارزش منصفانه داراییهای مالی، در سود یا زیان همان دوره‌ای شناسایی می‌شود که تغییرات مربوط در ارزش بدهیها شناسایی می‌گردد.

ب. واحد تجاری طبق قراردادهای بیمه، بدهیهایی دارد که در اندازه‌گیری آنها از اطلاعات جاری استفاده می‌شود (بند 24 استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 4)، و داراییهای مالی مربوط به آن بدهیها که در صورت عدم ارتباط، به عنوان آماده برای فروش یا اندازه‌گیری شده به بهای مستهلک شده طبقه‌بندی می‌شد.

پ. واحد تجاری داراییهای مالی، بدهیهای مالی یا هر دو را دارد که ریسک مشترکی، نظیر ریسک نرخ بهره دارند که موجب می‌شود تغییرات ارزش منصفانه آنها خلاف جهت باشد و یکدیگر را خنثی کنند. با وجود این، تنها برخی ابزارها به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره اندازه‌گیری می‌شوند (یعنی، ابزار مشتقه هستند، یا به عنوان نگهداری شده برای مبادله طبقه‌بندی می‌شوند). همچنین، ممکن است الزامات حسابداری مصون‌سازی رعایت نشود، برای مثال، به دلیل اینکه الزامات اثربخشی در بند 88، رعایت نشده است.

ت. واحد تجاری داراییهای مالی، بدهیهای مالی یا هر دو را دارد که ریسک مشترکی، نظیر ریسک نرخ بهره دارند که موجب می‌شود تغییرات ارزش منصفانه آنها خلاف جهت باشد و یکدیگر را خنثی کنند و به دلیل اینکه هیچ‌کدام از آن ابزارها، ابزار مشتقه نیستند، واحد تجاری شرایط حسابداری مصون‌سازی را احراز نمی‌کند. افزون بر این، در غیاب حسابداری مصون‌سازی، غیریکنواختی قابل ملاحظه‌ای در شناخت سودها و زیانها ایجاد خواهد شد. برای مثال:

1. واحد تجاری از طریق انتشار اوراق بدهی با نرخ ثابت، پرتفویی از داراییهای با نرخ ثابت را تأمین مالی کرده است، که در غیر این صورت، به عنوان آماده برای فروش

طبقه‌بندی می‌شود و تغییرات در ارزش منصفانه آنها یکدیگر را خنثی می‌کند. گزارشگری داراییها و اوراق بدهی به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره، عدم یکنواختی را که در صورت اندازه‌گیری داراییها به ارزش منصفانه و شناسایی تغییرات در سایر اقلام سود و زیان جامع، و اندازه‌گیری اوراق بدهی به بهای مستهلک شده ایجاد می‌شد، اصلاح می‌کند.

2. واحد تجاری گروه مشخصی از وامها را با انتشار اوراق قرضه قابل مبادله که تغییرات در ارزش منصفانه آنها یکدیگر را خنثی می‌کند، تأمین مالی کرده است. افزون بر این، در صورتی که واحد تجاری بطور معمول اوراق قرضه را خرید و فروش نماید، اما هرگز یا به ندرت وامها را خرید و فروش کند، گزارشگری وامها و اوراق قرضه به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره، عدم یکنواختی در زمانبندی شناخت سودها و زیانهایی که در صورت اندازه‌گیری هر دوی آنها به بهای مستهلک شده و شناسایی سود یا زیان هنگام بازخرید اوراق قرضه ایجاد می‌شد را برطرف می‌کند.

رب4ج. در مواردی مشابه موارد توصیف‌شده در بند قبلی، اختصاص داراییهای مالی و بدهیهای مالی در زمان شناخت اولیه، که در شرایط دیگر به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره اندازه‌گیری نمی‌شد، می‌تواند عدم یکنواختی در اندازه‌گیری یا شناخت را برطرف کند یا بطور قابل ملاحظه‌ای کاهش دهد و اطلاعات مربوطتری ارائه کند. برای مقاصد عملی، ضرورتی ندارد واحد تجاری تمام داراییها و بدهیهای که منجر به عدم یکنواختی در اندازه‌گیری یا شناخت می‌شود را دقیقاً همزمان ایجاد کند. تأخیر معقول مجاز است، مشروط بر اینکه هر معامله در زمان شناخت اولیه به طبقه اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره اختصاص یابد و، در آن زمان، انتظار رود که تمام معاملات باقیمانده واقع شوند.

رب4چ. اگر تنها برخی داراییهای مالی و بدهیهای مالی که باعث غیریکنواختی می‌شوند به طبقه

اندازه‌گیری شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره، اختصاص یابند و این اختصاص دادن، غیریکنواختی را برطرف نکند یا آن را بطور قابل ملاحظه‌ای کاهش ندهد و در نتیجه، اطلاعات مربوطتری ایجاد نشود، چنین تخصیصی قابل پذیرش نخواهد بود. با وجود این، اختصاص برخی داراییهای مالی مشابه یا بدهیهای مالی مشابه، در صورتی که منجر به کاهش قابل ملاحظه (و احتمالاً کاهش قابل ملاحظه‌تری در مقایسه با سایر اختصاصهای مجاز) در غیریکنواختی شود، قابل پذیرش خواهد بود. برای مثال، فرض کنید واحد تجاری تعدادی بدهی مالی مشابه، در مجموع به ارزش 100 واحد پول² و تعدادی دارایی مالی مشابه، در مجموع به ارزش 50 واحد پول دارد، اما بر اساس مبانی متفاوتی اندازه‌گیری می‌شوند. ممکن است واحد تجاری غیریکنواختی در اندازه‌گیری را از طریق اختصاص تمام داراییها و تنها برخی بدهیها (برای مثال، بدهیهای منفرد در مجموع به مبلغ 45 واحد پول) به طبقه اندازه‌گیری شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره در شناخت اولیه، به شکل قابل ملاحظه‌ای کاهش دهد. با وجود این، از آنجا که اختصاص به طبقه اندازه‌گیری شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره را تنها برای کل یک ابزار مالی می‌توان بکار برد، در این مثال، واحد تجاری باید کل یک یا چند بدهی را کامل اختصاص دهد. واحد تجاری نمی‌تواند جزئی از یک بدهی (برای مثال، تغییر در ارزش قابل انتساب به تنها یک ریسک، مانند تغییر در نرخ بهره مبنا) یا بخشی از یک بدهی (درصدی از آن) را اختصاص دهد.

بند 9 (ب) (2): گروهی از داراییهای مالی، بدهیهای مالی یا هر دو که طبق مدیریت ریسک مستند شده یا راهبرد سرمایه‌گذاری، بر مبنای ارزش منصفانه مدیریت و عملکرد آن ارزیابی می‌شود

رب4 ح. ممکن است واحد تجاری، گروهی از داراییهای مالی، بدهیهای مالی یا هر دو را به شیوه‌ای مدیریت و عملکرد آن را ارزیابی کند که اندازه‌گیری آن گروه به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره منجر به اطلاعات مربوطتری شود. در این حالت، تأکید بر شیوه مدیریت و ارزیابی عملکرد توسط واحد تجاری است و نه بر ماهیت ابزارهای مالی آن.

² در این استاندارد، مبالغ پول به صورت «واحد پول» بیان می‌شود.

رب4خ. مثالهای زیر بیانگر زمانی است که این شرط می‌تواند احراز شود. در تمام موارد، تنها در صورتی که اصل مندرج در بند 9(ب) (2) احراز شود، واحد تجاری می‌تواند از این شرط برای اختصاص داراییهای مالی یا بدهیهای مالی به طبقه اندازه‌گیری شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره استفاده کند.

الف. واحد تجاری، یک سازمان با سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز، صندوق سرمایه‌گذاری مشترک، صندوق سرمایه‌گذاری ویژه یا واحد تجاری مشابهی است که فعالیت تجاری آن سرمایه‌گذاری در داراییهای مالی با رویکرد کسب منفعت از بازده کل آنها به شکل بهره یا سود تقسیمی و تغییر در ارزش منصفانه است. طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری 28، اندازه‌گیری چنین سرمایه‌گذاریهایی به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره طبق این استاندارد مجاز است. واحد تجاری ممکن است از همین رویه حسابداری برای سایر سرمایه‌گذاریهایی که بر مبنای بازده کل مدیریت می‌شوند اما نفوذ واحد تجاری به منظور قرار گرفتن آنها در دامنه کاربرد استاندارد بین‌المللی حسابداری 28 کافی نیست، استفاده کند.

ب. واحد تجاری داراییهای مالی و بدهیهای مالی دارد که در یک یا چند ریسک مشترک هستند و این ریسکها طبق سیاستهای مستند مدیریت دارایی و بدهی، بر مبنای ارزش منصفانه مدیریت و ارزیابی می‌شوند. یک نمونه، واحد تجاری است که "محصولات ساختاریافته‌ای" متشکل از ابزارهای مشتقه تعبیه شده متعدد را منتشر می‌کند و ریسکهای حاصل را بر مبنای ارزش منصفانه با استفاده از ترکیبی از ابزارهای مالی مشتقه و غیرمشتقه مدیریت می‌نماید. نمونه مشابه می‌تواند یک واحد تجاری باشد که وامهای با نرخ بهره ثابت اعطا می‌کند و ریسک نرخ بهره مبنای حاصل را با استفاده از ترکیبی از ابزارهای مالی مشتقه و غیرمشتقه مدیریت می‌نماید.

پ. واحد تجاری، بیمه‌گری است که پرتفویی از داراییهای مالی دارد، این پرتفوی را با هدف

بیشینه کردن بازده کل (یعنی بهره یا سود تقسیمی و تغییرات در ارزش منصفانه) مدیریت می‌کند و عملکرد آن را با همان مبنا ارزیابی می‌نماید. این پرتفوی ممکن است برای پشتیبانی از بدهیهای خاص، ابزارهای مالکانه خاص یا هر دو نگهداری شود. چنانچه پرتفوی برای پشتیبانی از بدهیهای خاص نگهداری شود، شرط مندرج در بند 9(ب) (2) صرفنظر از اینکه بیمه‌گر بدهیها را نیز بر مبنای ارزش منصفانه مدیریت و ارزیابی کند یا خیر، ممکن است برای داراییها احراز شود. چنانچه هدف بیمه‌گر بیشینه کردن بازده کل داراییها در دوره طولانی‌تری باشد، حتی اگر مبالغ پرداختی به دارندگان قراردادهای مشارکت‌کننده به سایر عوامل نظیر مبلغ سودهای تحقق‌یافته در دوره کوتاه‌تر (برای مثال، یک سال) بستگی داشته یا در اختیار بیمه‌گر باشد، شرط مندرج در بند 9(ب) (2) ممکن است احراز شود.

رب4د. همان‌طور که در بالا که اشاره شد، این شرط به شیوه مدیریت و ارزیابی عملکرد گروه ابزارهای مالی مورد نظر واحد تجاری بستگی دارد. بر همین اساس (با در نظر گرفتن الزام به اختصاص دادن در زمان شناخت اولیه)، واحد تجاری که ابزارهای مالی را بر مبنای این شرط به طبقه اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره اختصاص می‌دهد، باید تمام ابزارهای مالی واجد شرایط را که با یکدیگر مدیریت و ارزیابی می‌شوند، به همین شیوه اختصاص دهد.

رب4ذ. ضرورتی ندارد مستندسازی راهبرد واحد تجاری گسترده باشد اما باید برای نشان دادن انطباق با بند 9(ب) (2) کافی باشد. این مستندسازی برای هر یک از اقلام ضروری نیست، بلکه می‌تواند بر مبنای پرتفوی باشد. برای مثال، در صورتی که سیستم مدیریت عملکرد یک واحد سازمانی- آن‌گونه که به تصویب مدیران اصلی واحد تجاری رسیده است- به وضوح نشان دهد که عملکرد آن بر مبنای بازده کل ارزیابی می‌شود، مستندسازی بیشتر برای نشان دادن انطباق با بند 9(ب) (2) ضرورت ندارد.

نرخ بهره مؤثر

رب5. در برخی موارد، داراییهای مالی با تخفیف عمده‌ای تحصیل می‌شوند که بیانگر زیانهای اعتباری تحمل‌شده است. واحدهای تجاری این زیانهای اعتباری تحمل‌شده را هنگام محاسبه نرخ بهره مؤثر، در جریانهای نقدی برآوردی منظور می‌کنند.

رب6. هنگام بکارگیری روش بهره مؤثر، بطور معمول واحد تجاری هرگونه حق‌الزحمه، کارمزد پرداختی یا دریافتی، مخارج معامله یا سایر صرفها و کسرهای منظور شده در محاسبه نرخ بهره مؤثر را در طول عمر مورد انتظار ابزار مستهلک می‌کند. با وجود این، دوره کوتاه‌تر در صورتی استفاده می‌شود که حق‌الزحمه‌ها، کارمزدهای پرداختی یا دریافتی، مخارج معامله، صرفها یا کسرها مربوط به آن دوره باشد. این موضوع در صورتی مصداق دارد که تغییری که حق‌الزحمه‌ها، کارمزدهای پرداختی یا دریافتی، مخارج معامله، صرفها یا کسرها به آن مربوط است بر اساس نرخهای بازار قبل از سررسید مورد انتظار آن ابزار، مجدداً قیمت‌گذاری شود. در چنین مواردی، دوره استهلاک مناسب، دوره‌ای است که قیمت‌گذاری مجدد بعدی در آن صورت می‌گیرد. برای مثال، در صورتی که صرف یا کسر یک ابزار مالی با نرخ شناور، بیانگر بهره‌ای باشد که از زمان آخرین پرداخت بهره معوق شده است، یا بیانگر تغییر در نرخهای بازار از زمان تعیین مجدد نرخ بهره شناور بر اساس نرخهای بازار باشد، صرف یا کسر تا تاریخ بعدی تعیین مجدد بهره شناور بر اساس نرخهای بازار، مستهلک خواهد شد. این بدان دلیل است که صرف یا کسر به دوره تا تاریخ بعدی تعیین مجدد بهره مربوط است زیرا، در آن تاریخ، تغییری که صرف یا کسر به آن مربوط است (یعنی نرخهای بهره) مجدداً بر اساس نرخهای بازار تعیین می‌شود. با وجود این، در صورتی که صرف یا کسر از تغییر در تفاوت اعتباری نرخ شناور تعیین‌شده ابزار، یا سایر متغیرهایی که بر اساس نرخهای بازار مجدداً تعیین نمی‌شوند، ناشی شود، در طول عمر مورد انتظار ابزار مستهلک می‌شود.

رب7. در مورد داراییهای مالی با نرخ شناور و بدهیهای مالی با نرخ شناور، برآورد مجدد جریانهای نقدی به صورت ادواری به منظور انعکاس تغییر در نرخ بهره بازار، نرخ بهره مؤثر را تغییر می‌دهد. در صورتی که دارایی مالی با نرخ شناور یا بدهی مالی با نرخ

شناور در ابتدا به مبلغی برابر با مبلغ اصل دریافتنی یا پرداختنی در سررسید شناسایی شود، برآورد مجدد پرداختهای آتی بهره، بطور معمول، تأثیر بااهمیتی بر مبلغ دفتری دارایی یا بدهی ندارد.

رب8. در صورتی که واحد تجاری برآورد خود از پرداختها یا دریافتها را تجدیدنظر کند، باید مبلغ دفتری دارایی مالی یا بدهی مالی (یا گروه ابزارهای مالی) را برای انعکاس جریانهای نقدی برآوردی واقعی و تجدیدنظرشده تعدیل کند. واحد تجاری مبلغ دفتری را از طریق محاسبه ارزش فعلی جریانهای نقدی آتی برآوردی با استفاده از نرخ بهره مؤثر اولیه ابزار مالی یا، در موارد مقتضی، نرخ بهره مؤثر تجدیدنظرشده محاسبه شده طبق بند 92، مجدداً محاسبه می‌کند. این تعدیل در سود یا زیان دوره به عنوان درآمد یا هزینه شناسایی می‌شود. در صورتی که دارایی مالی طبق بند 50 ب، 50 ت یا 50 ث تجدید طبقه‌بندی شود و واحد تجاری متعاقباً برآورد خود از دریافتها یا نقدی آتی را در نتیجه افزایش قابلیت بازیافت دریافتها یا نقدی مذکور افزایش دهد، اثر این افزایش باید به عنوان تعدیل نرخ بهره مؤثر، از تاریخ تغییر در برآورد شناسایی شود و به عنوان تعدیل مبلغ دفتری دارایی در تاریخ تغییر در برآورد محسوب نمی‌شود.

رب8الف تا رب8پ. [این بندها اشاره به اصلاحاتی دارد که هنوز لازم‌الاجرا نشده است و بنابراین، در این ویرایش درج نشده است.]

ابزارهای مشتقه

رب9. نمونه‌های رایج ابزارهای مشتقه عبارتند از قراردادهای آتی و پیمانهای آتی، قراردادهای سواپ و قراردادهای اختیار معامله. ابزار مشتقه معمولاً یک مقدار اسمی دارد که مبلغی پول، تعداد سهام، تعداد واحد وزن یا حجم یا سایر واحدهای تعیین‌شده در قرارداد است. با وجود این، ابزار مشتقه، دارنده یا صادرکننده را ملزم به سرمایه‌گذاری یا دریافت مقدار اسمی در آغاز قرارداد نمی‌کند. در مقابل، ابزار مشتقه می‌تواند پرداخت مبلغی ثابت یا پرداخت مبلغی را که ممکن است در نتیجه برخی رویدادهای آتی نامرتب با مقدار اسمی تغییر کند (اما نه متناسب با تغییر در دارایی پایه)، الزامی نماید. برای

مثال، در صورتی که لایبور 6 ماهه 100 واحد مبنا تغییر کند، ممکن است طبق قرارداد، پرداخت مبلغ ثابت 1000 واحد پول الزامی باشد. چنین قراردادی یک ابزار مشتقه محسوب می‌شود، حتی اگر مقدار اسمی مشخص نشده باشد.

رب10. تعریف ابزار مشتقه در این استاندارد شامل قراردادهایی است که به صورت ناخالص از طریق تحویل قلم پایه تسویه می‌شوند (برای مثال، پیمان آتی خرید ابزار بدهی با نرخ ثابت). ممکن است واحد تجاری قراردادی برای خرید یا فروش یک قلم غیرمالی داشته باشد که بتوان آن را به صورت خالص از طریق نقد یا ابزار مالی دیگر، یا از طریق مبادله ابزارهای مالی تسویه کرد (برای مثال، قرارداد خرید یا فروش کالا به قیمت ثابت در آینده). چنین قراردادی در دامنه کاربرد این استاندارد قرار می‌گیرد، مگر اینکه با هدف تحویل یک قلم غیرمالی طبق الزامات خرید، فروش یا استفاده مورد انتظار واحد تجاری ایجاد و نگهداری شود (به بندهای 5 تا 7 مراجعه شود).

رب11. یکی از ویژگیهای تعریف ابزار مشتقه این است که سرمایه‌گذاری خالص اولیه‌ای دارد که کمتر از سرمایه‌گذاری اولیه مورد نیاز برای سایر انواع قراردادهایی است که انتظار می‌رود نسبت به تغییر در عوامل بازار، واکنش مشابه داشته باشد. قرارداد اختیار معامله به این دلیل تعریف ابزار مشتقه را احراز می‌کند که سرمایه‌گذاری خالص اولیه آن کمتر از سرمایه‌گذاری لازم برای تحصیل ابزار مالی پایه‌ای است که اختیار معامله به آن مربوط است. سوآپ ارز که مستلزم مبادله اولیه واحدهای پول متفاوت با ارزشهای منصفانه برابر است، به این دلیل این تعریف را احراز می‌کند که سرمایه‌گذاری خالص اولیه آن صفر است.

رب12. خرید یا فروش به روش معمول منجر به تعهد به قیمت ثابت بین تاریخ معامله و تاریخ تسویه می‌شود که تعریف ابزار مشتقه را احراز می‌کند. با وجود این، به دلیل کوتاه بودن دوره تعهد، این تعهد به عنوان ابزار مالی مشتقه شناسایی نمی‌شود. در مقابل، این استاندارد روش حسابداری خاصی را برای اینگونه قراردادهای به روش معمول فراهم می‌کند (به بندهای 38 و رب53 تا رب56 مراجعه شود).

رب12 الف. تعریف ابزار مشتقه به متغیرهای غیرمالی اشاره دارد که مختص یک طرف قرارداد نیستند. این متغیرها شامل شاخص خسارت ناشی از زلزله در یک منطقه خاص و شاخص دمای هوا در شهری خاص است. متغیرهای غیرمالی مختص یک طرف قرارداد شامل وقوع یا عدم وقوع آتش‌سوزی است که دارایی طرف قرارداد را از بین می‌برد یا به آن خسارت وارد می‌کند. تغییر در ارزش منصفانه دارایی غیرمالی در صورتی مختص مالک است که ارزش منصفانه نه تنها تغییرات در قیمت بازار این داراییها (متغیر مالی) را منعکس کند، بلکه بیانگر وضعیت دارایی غیرمالی خاص نگهداری‌شده (متغیر غیرمالی) نیز باشد. برای مثال، در صورتی که تضمین ارزش باقیمانده خودرویی خاص، ضامن را در معرض ریسک تغییر در وضعیت فیزیکی خودرو قرار دهد، تغییر در ارزش باقیمانده، مختص مالک خودرو است.

مخارج معامله

رب13. مخارج معامله شامل حق‌الزحمه‌ها و کارمزدهای پرداختی به نمایندگان (شامل کارکنانی که به عنوان نماینده فروش فعالیت می‌کنند)، مشاوران، کارگزاران و معامله‌گران، مالیات وضع‌شده توسط نهادهای مقرارتگذار و بورسهای اوراق بهادار، و مالیاتها و عوارض انتقال است. مخارج معامله شامل صرف یا کسر بدهی، مخارج تأمین مالی یا مخارج اداری داخلی یا نگهداری نیست.

داراییهای مالی و بدهیهای مالی نگهداری‌شده برای مبادله

رب14. بطور معمول، مبادله بیانگر خرید و فروش فعال و متناوب است، و ابزارهای مالی نگهداری‌شده برای مبادله، بطور معمول با هدف ایجاد سود از نوسانهای کوتاه مدت قیمت یا حاشیه سود معامله‌گر نگهداری می‌شوند.

رب15. بدهیهای مالی نگهداری‌شده برای مبادله شامل موارد زیر است:

الف. بدهیهای مشتقه‌ای که به عنوان ابزارهای مصون‌سازی محسوب نمی‌شوند؛

ب. تعهدات تحویل داراییهای مالی استقرارشده توسط فروشنده استقراضی (یعنی واحد تجاری که داراییهای مالی قرض گرفته‌شده‌ای را که هنوز مالک آنها نیست، می‌فروشد)؛

پ. بدهیهای مالی که با قصد بازخرید در آینده نزدیک تحمل شده است (برای مثال، ابزار بدهی با قیمت اعلام‌شده که ممکن است ناشر آن را با توجه به تغییر در ارزش منصفانه، در آینده نزدیک بازخرید کند)؛ و

ت. بدهیهای مالی که بخشی از پرتفوی ابزارهای مالی مشخصی است که با یکدیگر مدیریت می‌شوند و شواهدی از الگوی اخیر سودآوری در کوتاه‌مدت برای آنها وجود دارد.

این موضوع که بدهی برای تأمین مالی فعالیت‌های معاملاتی استفاده شده است، به خودی خود آن بدهی را به بدهی نگهداری‌شده برای مبادله تبدیل نمی‌کند.

سرمایه‌گذاریهای نگهداری‌شده تا سررسید

رب16. واحد تجاری در صورتی قصد مشخصی برای نگهداری تا سررسید سرمایه‌گذاری در دارایی مالی با سررسید ثابت را ندارد که:

الف. واحد تجاری قصد داشته باشد دارایی مالی را برای دوره زمانی نامعین نگهداری کند؛

ب. واحد تجاری برای فروش دارایی مالی در واکنش به تغییر در نرخهای بهره بازار یا ریسکها، نیازهای نقدینگی، تغییر در دسترس بودن و بازده سرمایه‌گذاریهای جایگزین، تغییر در منابع و شرایط تأمین مالی یا تغییر در ریسک ارز آمادگی داشته باشد (به جز وقوع شرایطی که تکرارشونده و بطور معقول قابل پیش‌بینی توسط واحد تجاری نباشد)؛ یا

پ. ناشر حق تسویه دارایی مالی به مبلغی بسیار پایین‌تر از بهای مستهلک شده را داشته باشد.

رب17. یک ابزار بدهی با نرخ بهره متغیر می‌تواند معیارهای سرمایه‌گذاری نگهداری‌شده تا سررسید را احراز کند. ابزارهای مالکانه یا به دلیل اینکه نامعینی دارند (مانند سهام عادی) یا به دلیل اینکه مبلغی که دارنده ممکن است دریافت کند می‌تواند به‌گونه‌ای تغییر کند که از قبل تعیین نشده باشد (مانند اختیار معامله سهام، امتیاز خرید سهام و حقوق مشابه)، نمی‌توانند به عنوان سرمایه‌گذاری نگهداری‌شده تا سررسید تلقی شوند. با توجه به تعریف سرمایه‌گذاریهای نگهداری‌شده تا سررسید، پرداخت‌های

ثابت یا قابل تعیین و سررسید ثابت به این معنا است که توافق قراردادی، مبالغ و تاریخهای پرداخت به دارنده، مانند پرداختهای بهره و اصل را تعیین می‌کند. ریسک قابل ملاحظه عدم پرداخت، مادامی که پرداختهای قراردادی، ثابت یا قابل تعیین باشد و سایر معیارهای طبقه‌بندی احراز شود، مانع طبقه‌بندی دارایی مالی به عنوان نگهداری‌شده تا سررسید نمی‌شود. در صورتی که شرایط ابزار بدهی دائمی، مستلزم پرداخت بهره برای دوره‌ای نامعین باشد، این ابزار نمی‌تواند به عنوان نگهداری‌شده تا سررسید طبقه‌بندی شود، زیرا تاریخ سررسید وجود ندارد.

رب18. معیارهای طبقه‌بندی به عنوان سرمایه‌گذاری نگهداری‌شده تا سررسید برای داراییهای مالی قابل بازخرید توسط ناشر، در صورتی که دارنده قصد و توانایی نگهداری آنها تا زمان بازخرید یا سررسید را داشته باشد و دارنده اساساً تمام مبلغ دفتری را بازیافت کند، احراز می‌شود. اختیار خرید ناشر، در صورت اعمال، سررسید دارایی را تسریع می‌کند. با وجود این، در صورتی که دارایی مالی بر مبنایی قابل بازخرید باشد که موجب شود دارنده اساساً تمام مبلغ دفتری آن را بازیافت نکند، نمی‌توان دارایی مالی را به عنوان سرمایه‌گذاری نگهداری‌شده تا سررسید طبقه‌بندی کرد. واحد تجاری هرگونه مبلغ پرداختی و مخارج معامله منظور شده به حساب دارایی را در تعیین اینکه مبلغ دفتری دارایی اساساً بازیافت می‌شود یا خیر، مد نظر قرار می‌دهد.

رب19. یک دارایی مالی قابل فروش به ناشر (یعنی دارنده حق دارد ناشر را به بازپرداخت یا بازخرید دارایی مالی قبل از سررسید، ملزم کند) نمی‌توان به عنوان سرمایه‌گذاری نگهداری‌شده تا سررسید طبقه‌بندی کرد زیرا پرداخت بابت ویژگی قابل فروش بودن دارایی مالی به ناشر، با قصد نگهداری دارایی مالی تا سررسید سازگاری ندارد.

رب20. برای بیشتر داراییهای مالی، ارزش منصفانه معیار مناسبتری نسبت به بهای مستهلک شده است. طبقه‌بندی نگهداری‌شده تا سررسید یک استثنا است، اما تنها زمانی صورت می‌گیرد که واحد تجاری قصد مشخص و توانایی نگهداری این سرمایه‌گذاری را تا سررسید داشته باشد. چنانچه اقدامات واحد تجاری منجر به تردید در قصد و توانایی نگهداری این سرمایه‌گذاریها

تا سررسید شود، بند 9 مانع بکارگیری این استثنا برای یک دوره زمانی معقول می‌شود.

رب21. فاجعه‌ای که احتمال آن بسیار بعید است، نظیر هجوم مشتریان به بانک برای مطالبه سپرده‌ها یا وضعیت مشابهی که بر بیمه‌گر تأثیر می‌گذارد، موضوعی نیست که توسط واحد تجاری برای تصمیم‌گیری درباره اینکه واحد تجاری قصد مشخص و توانایی نگهداری سرمایه‌گذاری تا سررسید را دارد یا خیر، ارزیابی شود.

رب22. فروش قبل از سررسید می‌تواند شرط مندرج در بند 9 را احراز کند. بنابراین ابهامی در ارتباط با قصد واحد تجاری برای نگهداری سایر سرمایه‌گذاریها تا سررسید ایجاد نمی‌شود. به شرطی که قابل انتساب به موارد زیر باشد:

الف. کاهش قابل ملاحظه در ارزش اعتباری ناشر. برای مثال، فروش پس از کاهش رتبه اعتباری توسط یک مؤسسه رتبه‌بندی برون‌سازمانی، الزاماً موجب زیر سوال رفتن قصد واحد تجاری برای نگهداری سایر سرمایه‌گذاریها تا سررسید نمی‌شود، مشروط بر اینکه کاهش رتبه، شواهدی از کاهش قابل ملاحظه در ارزش اعتباری ناشر که با توجه به رتبه اعتباری در زمان شناخت اولیه مورد قضاوت قرار می‌گیرد، فراهم کند. همچنین، در صورتی که واحد تجاری از رتبه‌بندی داخلی برای ارزیابی سطح آسیب‌پذیری استفاده کند، تغییر در رتبه‌بندیهای داخلی ممکن است به تشخیص ناشرانی که ارزش اعتباری آنها کاهش قابل ملاحظه داشته است، کمک کند، مشروط بر اینکه رویکرد واحد تجاری برای ارزیابی رتبه‌بندی داخلی و تغییر در این رتبه‌بندیها معیاری یکنواخت، قابل اتکا و عینی از کیفیت اعتباری ناشران فراهم کند. در صورتی که شواهدی مبنی بر کاهش ارزش دارایی مالی وجود داشته باشد (به بندهای 58 و 59 مراجعه شود)، کاهش ارزش اعتباری اغلب قابل ملاحظه در نظر گرفته می‌شود.

ب. تغییر در قوانین مالیاتی که معافیت مالیاتی بهره مربوط به سرمایه‌گذاریهای نگهداری‌شده تا سررسید را حذف می‌کند یا به شکل قابل ملاحظه‌ای آن را کاهش می‌دهد (اما نه تغییر در قوانین

مالیاتی که موجب تجدیدنظر در نرخهای نهایی قابل اعمال مالیات برای درآمد بهره می‌شود.)

پ. ترکیب تجاری عمده یا واگذاری عمده (مانند فروش یک قسمت که مستلزم فروش یا انتقال سرمایه‌گذاریهای نگهداری‌شده تا سررسید برای حفظ وضعیت فعلی ریسک نرخ بهره واحد تجاری یا سیاست ریسک اعتباری است) اگرچه ترکیب تجاری رویدادی در کنترل واحد تجاری است، تغییر در پرتفوی سرمایه‌گذاری برای حفظ وضعیت ریسک نرخ بهره یا سیاست ریسک اعتباری ممکن است پیامد رویدادهای دیگر، نه رویدادی پیش‌بینی‌شده، باشد).

ت. تغییر در الزامات قانونی یا نظارتی که به شکل قابل ملاحظه‌ای انواع سرمایه‌گذاریهای مجاز یا حداکثر میزان انواع خاصی از سرمایه‌گذاریها را تغییر می‌دهد و موجب می‌شود سرمایه‌گذاری نگهداری‌شده تا سررسید توسط واحد تجاری واگذار شود.

ث. افزایش قابل ملاحظه در الزامات سرمایه قانونی صنعت که موجب می‌شود واحد تجاری سرمایه‌گذاریهای نگهداری‌شده تا سررسید را از طریق فروش کاهش دهد.

ج. افزایش قابل ملاحظه در اهمیت ریسک سرمایه‌گذاریهای نگهداری‌شده تا سررسید که برای اهداف سرمایه مبتنی بر ریسک قانونی استفاده می‌شود.

رب23. واحد تجاری در صورتی توانایی مشخص برای نگهداری سرمایه‌گذاری در دارایی مالی با سررسید ثابت تا زمان سررسید را ندارد که:

الف. منابع مالی در دسترس برای ادامه تأمین مالی سرمایه‌گذاری تا سررسید را نداشته باشد؛ یا

ب. مشمول محدودیت قانونی فعلی یا محدودیتی دیگر باشد که قصد نگهداری دارایی مالی تا سررسید را ضعیف کند (با وجود این، اختیار خرید ناشر، الزاماً قصد واحد تجاری برای نگهداری دارایی مالی تا سررسید را ضعیف نمی‌کند - به بند رب18 مراجعه شود).

رب24. شرایطی غیر از موارد بیان‌شده در بندهای رب16 تا رب23 می‌تواند نشان دهد که واحد تجاری قصد یا

توانایی مشخصی برای نگهداری سرمایه‌گذاری تا سررسید ندارد.

رب25. واحد تجاری قصد و توانایی خود برای نگهداری سرمایه‌گذاری نگهداری شده تا سررسید تا زمان سررسید را، نه تنها در زمان شناخت اولیه داراییهای مالی، بلکه در پایان هر دوره گزارشگری بعدی ارزیابی می‌کند.

وامها و دریافتنی‌ها

رب26. یک دارایی مالی غیرمشترک با پرداختهای ثابت یا قابل تعیین (شامل وامها و دریافتنی، دریافتنی‌های تجاری، سرمایه‌گذاری در ابزارهای بدهی و سپرده‌های نگهداری شده در بانک) بطور بالقوه می‌تواند تعریف وامها و دریافتنی‌ها را احراز کند. با وجود این، دارایی مالی که در یک بازار فعال قیمت‌گذاری می‌شود (نظیر ابزار بدهی قیمت‌گذاری شده، به بند رب71 مراجعه شود)، شرایط طبقه‌بندی به عنوان وامها یا دریافتنی‌ها را احراز نمی‌کند. داراییهای مالی که تعریف وامها و دریافتنی‌ها را احراز نمی‌کنند، در صورتی که شرایط طبقه‌بندی به عنوان سرمایه‌گذاری نگهداری شده تا سررسید را احراز کنند، می‌توانند در این طبقه قرار گیرند (به بندهای 9 و رب16 تا رب25 مراجعه شود). در زمان شناخت اولیه یک دارایی مالی که به طریقی دیگر به عنوان وامها یا دریافتنی‌ها طبقه‌بندی می‌شد، ممکن است واحد تجاری آن را به عنوان دارایی مالی اختصاص یافته به طبقه اندازه‌گیری شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره یا اختصاص یافته به عنوان آماده برای فروش طبقه‌بندی کند.

ابزارهای مشتقه تعبیه شده (بندهای 10 تا 13)

رب27. در صورتی که قرارداد میزبان، سررسید اظهار شده یا از قبل تعیین شده‌ای نداشته باشد و بیانگر منافع باقیمانده در خالص داراییهای واحد تجاری باشد، ویژگیهای اقتصادی و ریسکهای آن، ویژگیهای مالکانه است، و ابزار مشتقه تعبیه شده در آن، باید ویژگیهای مالکانه مربوط به همان واحد تجاری را داشته باشد تا بتوان آن را دارای ارتباط نزدیک قلمداد کرد. در صورتی که قرارداد میزبان، ابزار مالکانه نباشد و تعریف ابزار مالی را احراز

کند، ویژگیهای اقتصادی و ریسکهای آن، ویژگیها و ریسکهای ابزار بدهی خواهد بود.

رب28. ابزار مشتقه تعبیه‌شده‌ای که مبتنی بر اختیار نیست (مانند پیمان آتی یا سواپ تعبیه‌شده)، بر مبنای شرایط محتوایی اظهارشده یا ضمنی، از قرارداد میزبان تفکیک می‌شود، به‌گونه‌ای که منجر به ایجاد ارزش منصفانه صفر در زمان شناخت اولیه شود. ابزار مشتقه تعبیه‌شده مبتنی بر اختیار (مانند اختیار فروش، خرید، سقف، کف یا اختیار سواپ تعبیه‌شده) بر مبنای شرایط اظهارشده ویژگی اختیار، از قرارداد میزبان تفکیک می‌شود. مبلغ دفتری اولیه ابزار میزبان با مبلغ باقیمانده پس از تفکیک ابزار مشتقه تعبیه‌شده برابر است.

رب29. بطور کلی، تعبیه ابزارهای مشتقه متعدد در یک ابزار واحد، به عنوان یک ابزار مشتقه تعبیه‌شده مرکب واحد در نظر گرفته می‌شود. با وجود این، ابزارهای مشتقه تعبیه‌شده‌ای که به عنوان ابزار مالکانه طبقه‌بندی می‌شوند (به استاندارد بین‌المللی حسابداری 32 مراجعه شود)، جدا از ابزارهای مشتقه‌ای به حساب گرفته می‌شوند که به عنوان دارایی یا بدهی طبقه‌بندی شده‌اند. افزون بر این، در صورتی که یک ابزار بیش از یک ابزار مشتقه تعبیه‌شده داشته باشد و این ابزارهای مشتقه در معرض ریسکهای مختلف قرار داشته باشند و به آسانی قابل تفکیک و مستقل از یکدیگر باشند، باید جدا از یکدیگر به حساب گرفته شوند.

رب30. در مثالهای زیر، ویژگیهای اقتصادی و ریسکهای ابزار مشتقه تعبیه‌شده، ارتباط نزدیکی با قرارداد میزبان (بند 11(الف)) ندارد. در این مثالها، با فرض احراز شرایط مندرج در بند 11(ب) و (پ)، واحد تجاری ابزار مشتقه تعبیه‌شده را جدا از قرارداد میزبان به حساب می‌گیرد.

الف. اختیار فروش تعبیه‌شده در ابزاری که دارنده را قادر می‌سازد ناشر را ملزم کند ابزار را در ازای مبلغی نقد یا سایر داراییهایی که با تغییر در حقوق مالکانه یا قیمت کالا یا شاخصی که ارتباط نزدیکی با ابزار بدهی میزبان ندارد، تغییر می‌کند، مجدداً تحصیل نماید.

ب. اختیار خرید تعبیه‌شده در ابزار مالکانه‌ای که ناشر را قادر می‌سازد آن ابزار مالکانه را به قیمت مشخصی که ارتباط نزدیکی با ابزار مالکانه میزبان از دیدگاه دارنده ندارد، مجدداً تحصیل کند (از دیدگاه ناشر، اختیار خرید در صورتی یک ابزار مالکانه محسوب می‌شود که شرایط این طبقه‌بندی را طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری 32 احراز کند که در این مورد، از دامنه کاربرد این استاندارد خارج می‌شود).

پ. اختیار معامله یا شرایط تمدید خودکار مدت باقیمانده تا سررسید یک ابزار بدهی، ارتباط نزدیکی با ابزار بدهی میزبان ندارد، مگر اینکه همزمان، نرخ بهره تقریبی جاری بازار در زمان تمدید تعدیل شود. در صورتی که واحد تجاری یک ابزار بدهی منتشر کند و دارنده آن ابزار بدهی، اختیار خریدی روی آن ابزار بدهی برای شخص ثالث صادر کند، ناشر، اختیار خرید را به عنوان تمدید مدت باقیمانده تا سررسید ابزار بدهی در نظر می‌گیرد، مشروط بر اینکه در نتیجه اعمال اختیار خرید بتوان ناشر را ملزم کرد در بازاریابی مجدد برای ابزار بدهی مشارکت نماید یا آن را تسهیل کند.

ت. پرداختهای بهره یا اصل مبتنی بر شاخص مالکانه که در ابزار بدهی میزبان یا قرارداد بیمه میزبان تعبیه شده است- که به موجب آن مبلغ بهره یا اصل به ارزش ابزارهای مالکانه مرتبط شده است- ارتباط نزدیک با ابزار میزبان ندارد، زیرا ریسکهای مربوط به میزبان و ابزار مشتقه تعبیه‌شده مشابه نیستند.

ث. پرداختهای بهره یا اصل مبتنی بر شاخص کالا که در ابزار بدهی میزبان یا قرارداد بیمه میزبان تعبیه شده است- که به موجب آن مبلغ بهره یا اصل به قیمت کالا (نظیر طلا) وابسته شده است- ارتباط نزدیک با ابزار میزبان ندارد، زیرا ریسکهای مربوط به ابزار میزبان و ابزار مشتقه تعبیه‌شده مشابه نیستند.

ج. ویژگی تبدیل به ابزار مالکانه که در ابزار بدهی قابل تبدیل تعبیه شده است، از دیدگاه دارنده ابزار، ارتباط نزدیک با ابزار بدهی

میزبان ندارد (از دیدگاه ناشر، اختیار تبدیل یک ابزار مالکانه است و در صورتی که شرایط طبقه‌بندی به عنوان ابزار مالکانه طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری 32 را احراز کند، در دامنه کاربرد این استاندارد قرار نمی‌گیرد).

چ. اختیار خرید، فروش یا تسویه پیش از سررسید تعبیه‌شده در قرارداد بدهی میزبان یا قرارداد بیمه میزبان، ارتباط نزدیک با قرارداد میزبان ندارد مگر اینکه:

1. قیمت اعمال اختیار معامله در هر تاریخ اعمال تقریباً با بهای مستهلک شده ابزار بدهی میزبان یا مبلغ دفتری قرارداد بیمه میزبان برابر باشد؛ یا

2. قیمت اعمال اختیار تسویه پیش از سررسید، تا میزان ارزش فعلی تقریبی بهره از دست رفته دوره باقیمانده از قرارداد میزبان را برای وام دهنده جبران کند. بهره از دست رفته از حاصل ضرب مبلغ اصل تسویه‌شده پیش از سررسید در تفاوت نرخ بهره به دست می‌آید. تفاوت نرخ بهره عبارت است از مازاد نرخ بهره مؤثر قرارداد میزبان نسبت به نرخ بهره مؤثری که در تاریخ تسویه پیش از سررسید، توسط واحد تجاری در صورت سرمایه‌گذاری مجدد مبلغ اصل تسویه‌شده پیش از سررسید در قراردادی مشابه برای دوره زمانی باقیمانده قرارداد میزبان، قابل دریافت است.

ارزیابی اینکه اختیار خرید یا فروش با قرارداد بدهی میزبان ارتباط نزدیک دارد یا خیر، قبل از تفکیک جزء مالکانه ابزار بدهی قابل تبدیل طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری 32 صورت می‌گیرد.

ح. ابزارهای مشتقه اعتباری که در یک ابزار بدهی میزبان تعبیه شده است و به یک طرف (ذینفع) اجازه می‌دهد ریسک اعتباری یک دارایی مرجع خاصی را، که ممکن است مالک آن نباشد، به طرف دیگر (ضامن) انتقال دهد، ارتباط نزدیک با ابزار بدهی میزبان ندارد. این ابزارهای مشتقه اعتباری به ضامن اجازه می‌دهد ریسک اعتباری

مربوط به دارایی مرجع را بدون مالکیت مستقیم آن قبل کند.

رب31. نمونه‌ای از یک ابزار مختلط، ابزار مالی است که به دارنده حق می‌دهد در ازای مبلغی نقد یا سایر داراییهای مالی که با تغییر در شاخص سهام یا کالا که ممکن است افزایش یا کاهش یابد، تغییر می‌کند، ابزار مالی را به ناشر بفروشد (ابزار قابل فروش به ناشر). ناشر باید ابزار مشتقه تعبیه‌شده (یعنی پرداخت اصل مبتنی بر شاخص) را طبق بند 11 تفکیک کند، مگر اینکه ناشر در زمان شناخت اولیه، ابزار قابل فروش به ناشر را به عنوان بدهی مالی اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره اختصاص دهد، زیرا قرارداد میزبان طبق بند رب27 یک ابزار بدهی است و پرداخت اصل مبتنی بر شاخص طبق بند رب30 (الف)، ارتباط نزدیک با ابزار بدهی میزبان ندارد. با توجه به اینکه پرداخت اصل می‌تواند افزایش و کاهش یابد، ابزار مشتقه تعبیه‌شده، یک ابزار مشتقه غیراختیاری است که ارزش آن به متغیر پایه بستگی دارد.

رب32. در مورد ابزار قابل فروش به ناشر که می‌توان آن را در هر زمانی در ازای نقدی برابر با سهم متناسبی از خالص ارزش دارایی واحد تجاری، به ناشر به فروش رساند (نظیر واحدهای سرمایه‌گذاری صندوق سرمایه‌گذاری با سرمایه متغیر یا محصولات سرمایه‌گذاری وابسته به واحدهای سرمایه‌گذاری)، تأثیر تفکیک ابزار مشتقه تعبیه‌شده و نحوه حسابداری هر جزء، اندازه‌گیری ابزار مختلط به مبلغ بازخرید قابل پرداخت در پایان دوره گزارشگری، در صورت اعمال حق فروش ابزار به ناشر توسط دارنده است.

رب33. در مثالهای زیر ویژگیهای اقتصادی و ریسکهای ابزار مشتقه تعبیه‌شده، ارتباط نزدیکی با ویژگیهای اقتصادی و ریسکهای قرارداد میزبان دارد. در این مثالها، واحد تجاری ابزار مشتقه تعبیه‌شده را جدا از قرارداد میزبان به حساب نمی‌گیرد.

الف. ابزار مشتقه تعبیه‌شده‌ای که پایه آن، نرخ بهره یا شاخص نرخ بهره‌ای است که می‌تواند مبلغ بهره‌ای را که در غیر این صورت باید طبق قرارداد بدهی بهره‌دار میزبان یا قرارداد بیمه بهره‌دار میزبان پرداخت یا دریافت می‌شد، تغییر

دهد، ارتباط نزدیک با قرارداد میزبان دارد، مگر اینکه ابزار مختلط به‌گونه‌ای قابل تسویه باشد که دارنده نتواند اساساً تمام سرمایه‌گذاری شناسایی‌شده را بازیافت کند، یا ابزار مشتقه تعبیه‌شده بتواند نرخ بازده اولیه دارنده روی قرارداد میزبان را حداقل دو برابر کند و منجر به نرخ بازده‌ای شود که حداقل دو برابر بازده بازار برای قراردادی با همان شرایط قرارداد میزبان است.

ب. سقف یا کف تعبیه‌شده برای نرخ بهره در قرارداد بدهی یا قرارداد بیمه، ارتباط نزدیک با قرارداد میزبان دارد، مشروط بر اینکه در زمان انتشار قرارداد، سقف برابر یا بیشتر از نرخ بهره بازار و کف برابر یا کمتر از نرخ بهره بازار باشد، و سقف یا کف، در ارتباط با قرارداد میزبان، اهرمی نشده باشد. همچنین، شرایط مندرج در قرارداد خرید یا فروش یک دارایی (برای مثال، یک کالا) که برای قیمت قابل پرداخت یا قابل دریافت در ازای دارایی، سقف و کف تعیین می‌کند، در صورتی ارتباط نزدیک با قرارداد میزبان دارد که سقف و کف در آغاز، فاقد ارزش اعمال باشند و اهرمی نشده باشند.

پ. یک ابزار مشتقه ارزی تعبیه‌شده که جریانی از پرداخت‌های اصل یا بهره را بر حسب ارز ایجاد می‌کند و در یک ابزار بدهی میزبان تعبیه شده است (برای مثال اوراق قرضه با دو واحد پول) ارتباط نزدیک با ابزار بدهی میزبان دارد. چنین ابزار مشتقه‌ای از ابزار میزبان تفکیک نمی‌شود، زیرا طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری 21، سودها و زیانهای ارزی اقلام پولی باید در سود یا زیان دوره شناسایی شود.

ت. ابزار مشتقه ارزی تعبیه‌شده در قرارداد میزبانی که قرارداد بیمه است یا ابزار مالی نیست (نظیر قرارداد خرید یا فروش یک قلم غیرمالی که قیمت آن بر حسب ارز تعیین می‌شود) در صورتی ارتباط نزدیک با قرارداد میزبان دارد که اهرمی نشده باشد، ویژگی اختیار معامله نداشته باشد و پرداخت‌های آن بر حسب یکی از واحدهای پول زیر، الزامی باشد:

1. واحد پول عملیاتی هریک از طرفین اصلی قرارداد؛
2. واحد پولی که قیمت کالا یا خدمت مرتبط تحصیل‌شده یا تحویل داده‌شده، در معاملات تجاری سراسر دنیا معمولاً بر حسب آن تعیین می‌شود (نظیر دلار آمریکا برای معاملات نفت خام)؛ یا
3. واحد پولی که بطور معمول، در قراردادهای خرید یا فروش اقلام غیرمالی در محیط اقتصادی که معامله در آن رخ می‌دهد، مورد استفاده قرار می‌گیرد (برای مثال واحد پول نسبتاً ثابت و نقدشونده که بطور معمول در معاملات تجاری محلی یا تجارت خارجی استفاده می‌شود).
- ث. اختیار تسویه پیش از سررسید تعبیه‌شده در قرارداد استریپ بهره یا استریپ اصل، در صورتی ارتباط نزدیک با قرارداد میزبان دارد که (1) در ابتدا از تفکیک حق دریافت جریانهای نقدی قراردادی یک ابزار مالی ایجاد شده باشد که به خودی خود، دربرگیرنده ابزار مشتقه تعبیه‌شده نباشد، و (2) شامل شرایطی نباشد که در قرارداد بدهی میزبان اولیه وجود ندارد.
- ج. ابزار مشتقه تعبیه‌شده در قرارداد اجاره میزبان، در صورتی ارتباط نزدیک با قرارداد میزبان دارد که ابزار مشتقه تعبیه‌شده (1) شاخص مرتبط با تورم نظیر نسبت شاخص پرداختهای اجاره به شاخص قیمت مصرف‌کننده باشد (مشروط بر اینکه اجاره اهرمی نشده باشد و شاخص به تورم محیط اقتصادی واحد تجاری مربوط باشد)، (2) اجاره بهای احتمالی مبتنی بر فروشهای مربوط باشد یا (3) اجاره‌بهای احتمالی مبتنی بر نرخهای بهره متغیر باشد.
- چ. ویژگی "وابسته به واحد سرمایه‌گذاری" تعبیه‌شده در یک ابزار مالی میزبان یا قرارداد بیمه میزبان در صورتی ارتباط نزدیک با ابزار میزبان یا قرارداد میزبان دارد که پرداختهای مبتنی بر واحد سرمایه‌گذاری، به ارزشهای جاری واحد سرمایه‌گذاری که منعکس‌کننده ارزشهای منصفانه داراییهای صندوق است، اندازه‌گیری شده باشد. ویژگی "وابسته به واحد سرمایه‌گذاری" شرط

قراردادی است که مستلزم پرداخت بر حسب واحدهای سرمایه‌گذاری صندوق سرمایه‌گذاری درون‌سازمانی یا برون‌سازمانی است.

ح. اگر ابزار مشتقه تعبیه‌شده و قرارداد بیمه میزبان به‌گونه‌ای به یکدیگر وابسته باشند که واحد تجاری نتواند ابزار مشتقه تعبیه‌شده را جداگانه اندازه‌گیری کند (یعنی بدون در نظر گرفتن قرارداد میزبان)، ابزار مشتقه تعبیه‌شده در قرارداد بیمه ارتباط نزدیکی با قرارداد بیمه میزبان دارد.

ابزارهای دربردارنده ابزارهای مشتقه تعبیه‌شده

رب33الف. هنگامی که واحد تجاری یک طرف ابزار مختلطی باشد که شامل یک یا چند ابزار مشتقه تعبیه‌شده است، طبق بند 11 باید تمام ابزارهای مشتقه این چنینی را تشخیص دهد، الزام به تفکیک ابزارهای مشتقه از قرارداد میزبان را ارزیابی کند و در مواردی که تفکیک الزامی است، ابزارهای مشتقه را در زمان شناخت اولیه و بعدی، به ارزش منصفانه اندازه‌گیری کند. این الزامات در مقایسه با اندازه‌گیری کل ابزار مالی به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره می‌تواند پیچیده‌تر باشد، یا منجر به اندازه‌گیری‌هایی با قابلیت اتکای کمتری شود. به این دلیل، این استاندارد اختصاص کل ابزار به طبقه اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره را مجاز می‌داند.

رب33ب. صرف‌نظر از اینکه بند 11، تفکیک ابزارهای مشتقه تعبیه‌شده از قرارداد میزبان را الزامی کند یا چنین تفکیکی را منع کند، چنین تخصیصی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. با وجود این، بند 11الف، اختصاص ابزار مختلط به طبقه اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره را در موارد تعیین‌شده در بند 11الف(الف) و (ب)، توجیه نمی‌کند، زیرا انجام این عمل منجر به کاهش پیچیدگی یا افزایش قابلیت اتکا نمی‌شود.

شناخت و قطع شناخت (بندهای 14 تا 42)

شناخت اولیه (بند 14)

رب34. در نتیجه اصل مندرج در بند 14، واحد تجاری تمام حقوق و تعهدات قراردادی طبق ابزارهای مشتقه را در صورت وضعیت مالی، به ترتیب، به عنوان دارایی و بدهی شناسایی می‌کند، به استثنای ابزارهای مشتقه‌ای که مانع احتساب انتقال داراییهای مالی به عنوان فروش می‌شود (به بند رب49 مراجعه شود). در صورتی که انتقال دارایی مالی واجد شرایط قطع شناخت نباشد، انتقال‌گیرنده، دارایی انتقال‌یافته را به عنوان دارایی خود، شناسایی نمی‌کند (به بند رب50 مراجعه شود).

رب35. موارد زیر، نمونه‌هایی از بکارگیری اصل مندرج در بند 14 است:

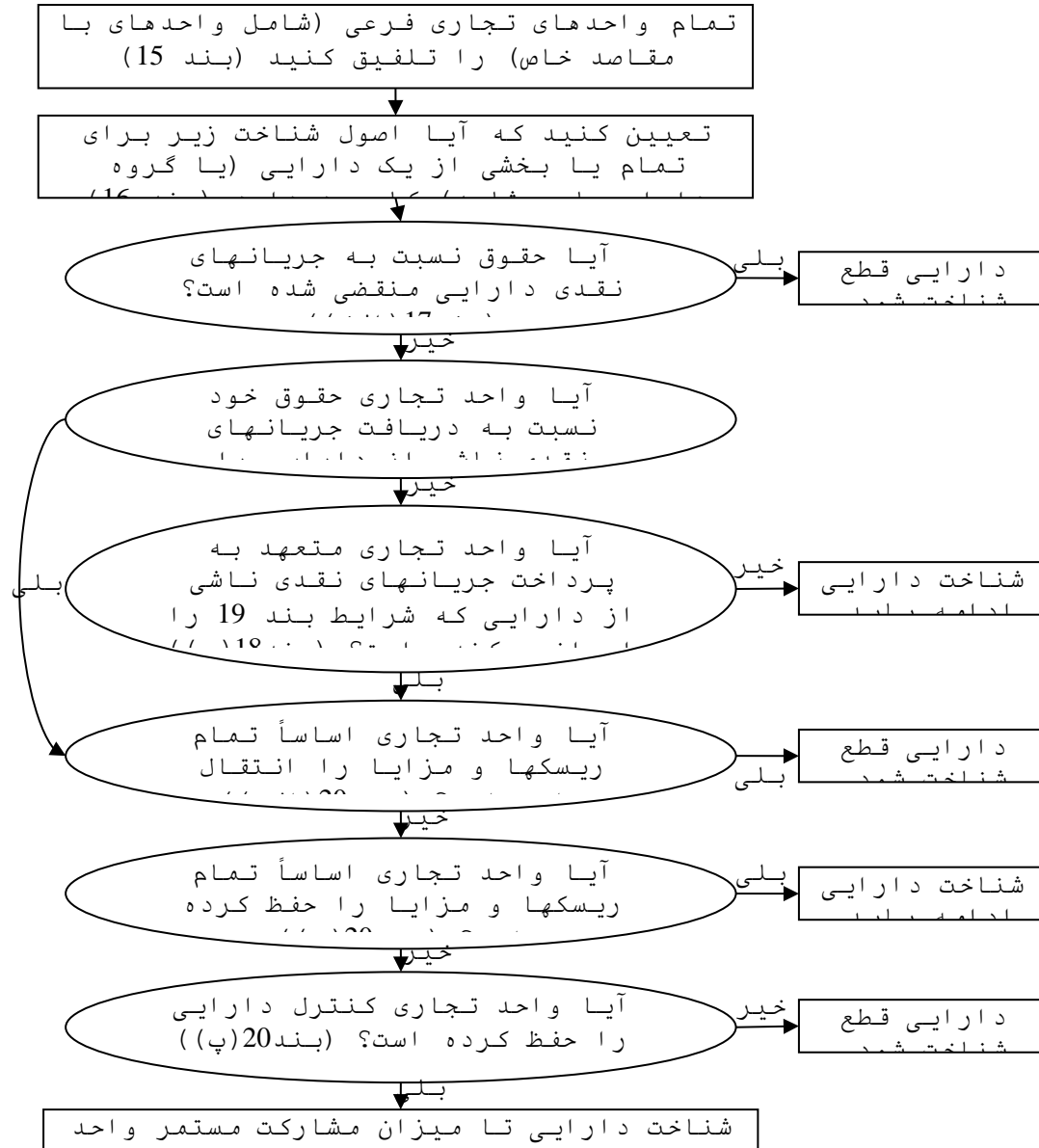
الف. دریافتنی‌ها و پرداختنی‌های غیرمشروط در صورتی که به عنوان دارایی یا بدهی شناسایی می‌شوند که واحد تجاری طرف قرارداد باشد و در نتیجه، حق قانونی برای دریافت نقد یا تعهد قانونی برای پرداخت نقد داشته باشد.

ب. داراییها و بدهیهایی که در نتیجه تعهد قطعی خرید یا فروش کالاها یا خدمات، قرار است تحویل و تحمل شوند، بطور معمول تا زمانی که حداقل یکی از طرفین قرارداد طبق موافقتنامه عمل نکند، شناسایی نمی‌شوند. برای مثال، واحد تجاری که یک سفارش قطعی دریافت می‌کند، بطور معمول در زمان تعهد، دارایی شناسایی نمی‌کند (و واحد تجاری سفارش‌دهنده، بدهی شناسایی نمی‌کند)، بلکه شناسایی تا زمان حمل، تحویل یا ارائه کالاها یا خدمات به تأخیر می‌افتد. در صورتی که تعهد قطعی خرید یا فروش اقلام غیرمالی، طبق بندهای 5 تا 7 در دامنه کاربرد این استاندارد قرار گیرد، خالص ارزش منصفانه آن در تاریخ تعهد به عنوان دارایی یا بدهی شناسایی می‌شود (به قسمت پ) زیر مراجعه شود). افزون بر این، چنانچه تعهد قطعی که پیش از این شناسایی نشده است، در مصون‌سازی ارزش منصفانه به عنوان یک قلم مصون‌شده اختصاص یابد، بعد از آغاز مصون‌سازی، هرگونه تغییر در خالص ارزش منصفانه قابل انتساب به ریسک مصون‌شده، به عنوان دارایی یا بدهی شناسایی می‌شود (به بندهای 93 و 94 مراجعه شود).

- پ. یک پیمان آتی که در دامنه کاربرد این استاندارد قرار می‌گیرد (به بندهای 2 تا 7 مراجعه شود)، در تاریخ تعهد، و نه در تاریخ تسویه، به عنوان دارایی یا بدهی شناسایی می‌شود. در صورتی که واحد تجاری یک طرف پیمان آتی باشد، ارزش منصفانه حق و تعهد اغلب برابر است، به گونه‌ای که خالص ارزش منصفانه پیمان آتی صفر است. در صورتی که خالص ارزش منصفانه حق و تعهد صفر نباشد، قرارداد به عنوان دارایی یا بدهی شناسایی می‌شود.
- ت. قراردادهای اختیار معامله که در دامنه کاربرد این استاندارد قرار می‌گیرند (به بندهای 2 تا 7 مراجعه شود)، در صورتی که دارنده یا صادرکننده یک طرف قرارداد قرار گیرد، به عنوان دارایی یا بدهی شناسایی می‌شود.
- ث. معاملات آتی برنامه‌ریزی‌شده، صرفنظر از میزان محتمل بودن آن، دارایی و بدهی محسوب نمی‌شوند زیرا واحد تجاری یک طرف قرارداد نیست.

قطع شناخت یک دارایی مالی (بندهای 15 تا 37)

ر.ب.36. نمودار زیر، بیانگر ارزیابی قطعی شناخت و میزان قطع شناخت دارایی مالی است.



استاندارد بین‌المللی حسابداری 39
ابزارهای مالی: شناخت و اندازه‌گیری

توافقهایی که به موجب آنها واحد تجاری حقوق قراردادی نسبت به دریافت جریانهای نقدی یک دارایی مالی را حفظ می‌کند، اما تعهد قراردادی برای پرداخت جریانهای نقدی به یک یا چند دریافت‌کننده را تقبل می‌نماید (بند 18(ب))

رب37. وضعیت تشریح‌شده در بند 18(ب) (زمانی که واحد تجاری حقوق قراردادی نسبت به دریافت جریانهای نقدی دارایی مالی را حفظ می‌کند، اما تعهد قراردادی برای پرداخت جریانهای نقدی به یک یا چند دریافت‌کننده را تقبل می‌نماید) در صورتی روی می‌دهد که برای مثال، واحد تجاری یک صندوق سرمایه‌گذاری ویژه باشد و برای سرمایه‌گذاران، منافعی در داراییهای مالی پایه‌ای منتشر نماید که مالک آنها است و برای آن داراییهای مالی خدمات ارائه می‌کند. در این مورد، داراییهای مالی در صورتی واجد شرایط قطع شناخت می‌شوند که شرایط مندرج در بندهای 19 و 20 احراز شود.

رب38. برای بکارگیری بند 19، واحد تجاری می‌تواند، برای مثال، ایجادکننده دارایی مالی باشد، یا گروه دربرگیرنده واحد تجاری فرعی باشد که دارایی مالی را تحصیل کرده است و جریانهای نقدی را به سرمایه‌گذاران ثالث غیروابسته انتقال می‌دهد.

ارزیابی انتقال ریسکها و مزایای مالکیت (بند 20)

رب39. نمونه‌هایی از مواردی که در آنها واحد تجاری اساساً تمام ریسکها و مزایای مالکیت را انتقال داده است، عبارتند از:

الف. فروش غیرمشروط یک دارایی مالی؛

ب. فروش یک دارایی مالی همراه با اختیار بازخرید دارایی مالی به ارزش منصفانه آن در زمان بازخرید؛ و

پ. فروش یک دارایی مالی همراه با اختیار فروش یا خریدی که عمیقاً فاقد ارزش اعمال است (یعنی اختیار معامله‌ای که آنقدر بی‌ارزش است که بعید به نظر می‌رسد قبل از انقضاء، دارای ارزش اعمال شود).

رب40. نمونه‌هایی از مواردی که در آنها واحد تجاری اساساً تمام ریسکها و مزایای مالکیت را حفظ کرده است، عبارتند از:

الف. معامله فروش و بازخریدی که قیمت بازخرید، قیمتی ثابت است یا برابر با قیمت فروش به اضافه بازده وام‌دهنده می‌باشد؛

- ب. موافقتنامه قرض‌دادن اوراق بهادار؛
- پ. فروش دارایی مالی به همراه سواپ بازده کل که آسیب‌پذیری از ریسک بازار را به واحد تجاری انتقال می‌دهد؛
- ت. فروش یک دارایی مالی همراه با اختیار خرید یا فروش عمیقاً دارای ارزش اعمال (یعنی اختیار معامله‌ای که چنان دارای ارزش اعمال است که بعید به نظر می‌رسد قبل از انقضاء، فاقد ارزش اعمال شود)؛ و
- ث. فروش مطالبات کوتاه‌مدتی که در آن، واحد تجاری تضمین می‌کند زیانهای اعتباری انتقال‌گیرنده را که وقوع آن محتمل است، جبران کند.
- رب41. در صورتی که واحد تجاری به این نتیجه برسد که در نتیجه انتقال، اساساً تمام ریسکها و مزایای مالکیت دارایی انتقال‌یافته را منتقل کرده است، دارایی انتقالی را مجدداً در دوره آتی شناسایی نمی‌کند، مگر اینکه دارایی انتقال‌یافته را در معامله‌ای جدید، مجدداً تحصیل کند.

ارزیابی انتقال کنترل

- رب42. در صورتی که انتقال‌گیرنده توانایی عملی برای فروش دارایی انتقال‌یافته داشته باشد، واحد تجاری کنترل دارایی انتقال‌یافته را حفظ نکرده است. واحد تجاری در صورتی کنترل دارایی انتقال‌یافته را حفظ می‌کند که انتقال‌گیرنده توانایی عملی برای فروش دارایی انتقال‌یافته را نداشته باشد. انتقال‌گیرنده در صورتی توانایی عملی برای فروش دارایی انتقال‌یافته دارد که دارایی مزبور در بازاری فعال معامله شده باشد، زیرا انتقال‌گیرنده می‌تواند دارایی انتقال‌یافته را، در صورت نیاز به برگشت آن به واحد تجاری، در بازار بازخريد کند. برای مثال، در صورتی که دارایی انتقال‌یافته از اختیار برخوردار باشد که اجازه بازخريد آن را به واحد تجاری می‌دهد، اما انتقال‌گیرنده بتواند دارایی انتقال‌یافته را، در صورت اعمال اختیار معامله به آسانی در بازار به دست آورد، انتقال‌گیرنده ممکن است توانایی عملی برای فروش دارایی انتقال‌یافته را داشته باشد. انتقال‌گیرنده در صورتی توانایی عملی برای فروش دارایی انتقال‌یافته ندارد که واحد تجاری این اختیار را حفظ کند و انتقال‌گیرنده نتواند در

صورت اعمال اختیار معامله توسط واحد تجاری، به آسانی دارایی انتقال‌یافته را در بازار به دست آورد.

رب43. انتقال‌گیرنده تنها در صورتی توانایی عملی برای فروش دارایی انتقال‌یافته دارد که بتواند دارایی انتقال‌یافته را بطور کامل به شخص ثالث غیروابسته بفروشد و بتواند این توانایی را بطور یکجانبه و بدون تحمیل محدودیتهای بیشتر برای انتقال، اعمال کند. سؤال اصلی این است که انتقال‌گیرنده در عمل چه کاری می‌تواند انجام دهد، نه اینکه انتقال‌گیرنده نسبت به آنچه که می‌تواند در ارتباط با دارایی انتقال‌یافته انجام دهد، چه حقوق قراردادی یا چه محدودیتهایی دارد. به ویژه:

الف. حق قراردادی برای واگذاری دارایی انتقال‌یافته، در صورتی که بازاری برای دارایی انتقال‌یافته وجود نداشته باشد در عمل تأثیر اندکی خواهد داشت؛ و

ب. توانایی واگذاری دارایی انتقال‌یافته، چنانچه به صورت آزادانه قابل اعمال نباشد، در عمل تأثیر اندکی خواهد داشت. به همین دلیل:

1. توانایی انتقال‌گیرنده برای واگذاری دارایی انتقال‌یافته باید مستقل از اقدامات دیگران باشد (یعنی این توانایی، باید توانایی یکجانبه باشد)؛ و

2. انتقال‌گیرنده باید بتواند دارایی انتقال‌یافته را بدون نیاز به افزودن شرطها یا "سلسله اقدامات" محدودکننده، واگذار کند (مانند شرایطی درباره چگونگی ارائه خدمات به وامهای اعطایی یا اختیاری که به انتقال‌گیرنده حق بازخرید دارایی را می‌دهد).

رب44. این موضوع که فروش دارایی انتقال‌یافته توسط انتقال‌گیرنده غیرمحتمل است، به خودی خود به این معنی نیست که انتقال‌دهنده کنترل دارایی انتقال‌یافته را حفظ کرده است. با وجود این، در صورتی که اختیار فروش یا تضمین، برای انتقال‌گیرنده در فروش دارایی انتقال‌یافته محدودیت ایجاد کند، در این صورت انتقال‌دهنده کنترل دارایی انتقال‌یافته را حفظ کرده است. برای مثال، در صورتی که اختیار فروش یا تضمین به اندازه کافی ارزشمند باشد، در فروش

دارایی انتقال‌یافته، برای انتقال‌گیرنده محدودیت ایجاد می‌کند، زیرا انتقال‌گیرنده، در عمل، دارایی انتقال‌یافته را بدون افزودن اختیاری مشابه یا سایر شرط‌های محدودکننده به شخص ثالث نمی‌فروشد. در مقابل، انتقال‌گیرنده دارایی انتقال‌یافته را به منظور به دست آوردن پرداخت‌های ناشی از تضمین یا اختیار فروش، نگه می‌دارد. با این شرایط، انتقال‌دهنده کنترل دارایی انتقال‌یافته را حفظ کرده است.

انتقال‌هایی که واجد شرایط قطع شناخت است

رب45. ممکن است واحد تجاری حق نسبت به بخشی از پرداخت‌های بهره مربوط به دارایی‌های انتقال‌یافته را به عنوان جبران ارائه خدمات به آن دارایی‌ها حفظ کند. بخشی از پرداخت‌های بهره که واحد تجاری در زمان خاتمه یا انتقال قرارداد ارائه خدمات از دست می‌دهد، به دارایی خدماتی یا بدهی خدماتی تخصیص می‌یابد. قسمتی از پرداخت‌های بهره که واحد تجاری از دست نمی‌دهد، دریافتنی‌های استریپ بهره محسوب می‌شود. برای مثال، در صورتی که واحد تجاری هیچ بهره‌ای در زمان خاتمه یا انتقال قرارداد خدماتی از دست ندهد، کل پرداخت بهره، دریافتنی استریپ بهره محسوب می‌شود. به منظور بکارگیری بند 27، برای تخصیص مبلغ دفتری دریافتنی بین قسمتی از دارایی که قطع شناخت می‌شود و قسمتی که شناخت آن ادامه می‌یابد، از ارزش‌های منصفانه دارایی خدماتی و دریافتنی استریپ بهره استفاده می‌شود. در صورتی که هیچ‌گونه کارمزد معینی برای خدمات وجود نداشته باشد یا انتظار ورود که کارمزد قابل دریافت، ارائه خدمت توسط واحد تجاری را به اندازه کافی جبران کند، یک بدهی بابت تعهد خدماتی به ارزش منصفانه شناسایی می‌شود.

رب46. هنگام اندازه‌گیری ارزش منصفانه بخشی که شناخت آن ادامه می‌یابد و بخشی که برای مقاصد بکارگیری بند 27 قطع شناخت می‌شود، واحد تجاری الزامات اندازه‌گیری ارزش منصفانه مندرج در استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 13 را افزون بر بند 28 بکار می‌گیرد.

انتقال‌هایی که واجد شرایط قطع شناخت نیست

رب47. در ادامه، نحوه بکارگیری اصل مندرج در بند 29 ارائه شده است. در صورتی که تضمین زیان نکول مربوط به دارایی انتقال‌یافته توسط واحد تجاری، به دلیل

اینکه واحد تجاری اساساً تمام ریسکها و مزایای مالکیت دارایی انتقال‌یافته را حفظ کرده است، مانع قطع شناخت دارایی انتقال‌یافته شود، شناسایی کامل دارایی انتقال‌یافته ادامه می‌یابد و مابه‌ازای دریافت‌شده به عنوان بدهی شناسایی می‌شود.

مشارکت مستمر در داراییهای انتقال‌یافته

رب48. موارد زیر مثالهایی از چگونگی اندازه‌گیری دارایی انتقال‌یافته و بدهی مربوط به آن طبق بند 30 است.

تمام داراییها

الف. در صورتی که تضمین ارائه‌شده توسط واحد تجاری برای پرداخت بابت زیانهای نکول دارایی انتقال‌یافته، مانع قطع شناخت دارایی انتقال‌یافته به میزان مشارکت مستمر شود، دارایی انتقال‌یافته در تاریخ انتقال به اقل (1) مبلغ دفتری دارایی و (2) حداکثر مبلغ مابه‌ازای دریافت‌شده در انتقال که واحد تجاری ممکن است ملزم به بازپرداخت آن شود ("مبلغ تضمین")، اندازه‌گیری می‌شود. بدهی مربوط در ابتدا به مبلغ تضمین به اضافه ارزش منصفانه تضمین (که بطور معمول برابر با مابه‌ازای دریافت‌شده بابت تضمین است) اندازه‌گیری می‌شود. پس از آن، ارزش منصفانه اولیه تضمین بر مبنای تخصیص زمانی، در سود یا زیان دوره شناسایی می‌شود (به استاندارد بین‌المللی حسابداری 18 مراجعه شود) و مبلغ دفتری دارایی به میزان زیانهای کاهش ارزش کاهش می‌یابد.

داراییهای اندازه‌گیری‌شده به بهای مستهلک شده

ب. در صورتی که تعهد اختیار فروش صادرشده توسط واحد تجاری یا حق اختیار خرید نگهداری‌شده توسط واحد تجاری، مانع قطع شناخت دارایی انتقال‌یافته شود و واحد تجاری دارایی انتقال‌یافته را به بهای مستهلک‌شده اندازه‌گیری کند، بدهی مربوط، به بهای تمام‌شده (یعنی مابه‌ازای دریافت‌شده) تعدیل‌شده بابت استهلاک هرگونه تفاوت بین آن بهای تمام‌شده و بهای مستهلک‌شده دارایی انتقال‌یافته در تاریخ انقضای اختیار معامله، اندازه‌گیری می‌شود. برای مثال، فرض کنید که بهای مستهلک‌شده و مبلغ دفتری دارایی در تاریخ انتقال 98 واحد پول و

مابه‌ازای دریافتی 95 واحد پول است. بهای مستهلک‌شده دارایی در تاریخ اعمال اختیار معامله، 100 واحد پول خواهد بود. مبلغ دفتری اولیه بدهی مربوط 95 واحد پول است و تفاوت بین 95 واحد پول و 100 واحد پول، با استفاده از روش بهره مؤثر، در سود یا زیان دوره شناسایی می‌شود. در صورتی که اختیار معامله اعمال شود، هرگونه تفاوت بین مبلغ دفتری بدهی مربوط و قیمت اعمال، در سود یا زیان دوره شناسایی می‌شود.

داراییهای اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه

پ. در صورتی که حق اختیار خرید حفظ‌شده توسط واحد تجاری، مانع قطع شناخت دارایی انتقال‌یافته شود و واحد تجاری دارایی انتقال‌یافته را به ارزش منصفانه اندازه‌گیری کند، اندازه‌گیری دارایی به ارزش منصفانه ادامه می‌یابد. بدهی مربوط، به (1) قیمت اعمال اختیار معامله پس از کسر ارزش زمانی اختیار معامله، در صورتی که اختیار معامله، دارای ارزش اعمال یا برابر ارزش اعمال باشد، یا (2) ارزش منصفانه دارایی انتقال‌یافته پس از کسر ارزش زمانی اختیار معامله، در صورتی که اختیار معامله فاقد ارزش اعمال باشد، اندازه‌گیری می‌شود. تعدیل اندازه‌گیری بدهی مربوط، اطمینان می‌دهد که خالص مبلغ دفتری دارایی و بدهی مربوط به آن، معادل ارزش منصفانه حق اختیار خرید است. برای مثال، در صورتی که ارزش منصفانه دارایی پایه 80 واحد پول، قیمت اعمال اختیار معامله 95 واحد پول و ارزش زمانی اختیار معامله 5 واحد پول باشد، مبلغ دفتری بدهی مربوط 75 واحد پول (5 واحد پول - 80 واحد پول) و مبلغ دفتری دارایی انتقال‌یافته 80 واحد پول (یعنی ارزش منصفانه آن) است.

ت. در صورتی که اختیار فروش صادرشده توسط واحد تجاری، مانع قطع شناخت دارایی انتقال‌یافته شود و واحد تجاری دارایی انتقال‌یافته را به ارزش منصفانه اندازه‌گیری کند، بدهی مربوط، معادل قیمت اعمال اختیار معامله به اضافه ارزش زمانی اختیار معامله، اندازه‌گیری می‌شود. اندازه‌گیری دارایی به ارزش منصفانه، به اقل ارزش منصفانه

و قیمت اعمال اختیار معامله محدود می‌شود، زیرا واحد تجاری حق ندارد ارزش منصفانه دارایی انتقال‌یافته را به مبلغی بیش از قیمت اعمال اختیار معامله افزایش دهد. این موضوع سبب حصول اطمینان از برابری خالص مبلغ دفتری دارایی و بدهی مربوط به آن با ارزش منصفانه تعهد اختیار فروش می‌شود. برای مثال، در صورتی که ارزش منصفانه دارایی پایه 120 واحد پول، قیمت اعمال اختیار معامله 100 واحد پول و ارزش زمانی اختیار معامله 5 واحد پول باشد، مبلغ دفتری بدهی مربوط، 105 واحد پول (5 واحد پول + 100 واحد پول) و مبلغ دفتری دارایی، 100 واحد پول (در این مثال، قیمت اعمال اختیار معامله) است.

ث. در صورتی که اختیار ترکیبی به شکل اختیار خرید خریداری‌شده و اختیار فروش صادرشده، مانع قطع شناخت دارایی انتقال‌یافته شود و واحد تجاری دارایی را به ارزش منصفانه اندازه‌گیری کند، به اندازه‌گیری دارایی به ارزش منصفانه ادامه می‌دهد. بدهی مربوط، معادل (1) مجموع قیمت اعمال اختیار خرید و ارزش منصفانه اختیار فروش پس از کسر ارزش زمانی اختیار خرید، در صورتی که اختیار خرید دارای ارزش اعمال یا برابر ارزش اعمال باشد، یا (2) مجموع ارزش منصفانه دارایی و ارزش منصفانه اختیار فروش پس از کسر ارزش زمانی اختیار خرید، در صورتی که اختیار خرید فاقد ارزش اعمال باشد، اندازه‌گیری می‌شود. تعدیل بدهی مربوط، اطمینان می‌دهد که خالص مبلغ دفتری دارایی و بدهی مربوط با ارزش منصفانه اختیارهای معامله نگهداری‌شده و صادرشده توسط واحد تجاری برابر است. برای مثال، فرض کنید واحد تجاری یک دارایی مالی را که به ارزش منصفانه اندازه‌گیری شده است، انتقال می‌دهد و همزمان، اختیار خریدی با قیمت اعمال 120 واحد پول، خریداری و اختیار فروشی به قیمت اعمال 80 واحد پول، صادر می‌کند. همچنین، فرض کنید که ارزش منصفانه دارایی در تاریخ انتقال 100 واحد پول است. ارزش زمانی اختیار فروش و خرید به ترتیب 1 واحد پول و 5 واحد پول است. در این حالت، واحد تجاری یک دارایی به مبلغ 100 واحد پول (ارزش منصفانه دارایی) و یک بدهی به مبلغ

96 واحد پول [5 واحد پول-1 واحد پول +100 واحد پول] شناسایی می‌کند. نتیجه، خالص دارایی به ارزش 4 واحد پول است، که همان ارزش منصفانه اختیارات معامله نگهداری و صادرشده توسط واحد تجاری است.

تمام انتقالها

رب49. تا میزانی که انتقال یک دارایی مالی، واجد شرایط قطع شناخت نباشد، حقوق یا تعهدات قراردادی انتقال‌دهنده در ارتباط با انتقال، در صورتی بطور جداگانه به عنوان ابزار مشتقه به حساب منظور نمی‌شود که شناخت هر دو قلم ابزار مشتقه و دارایی انتقال‌یافته یا بدهی ناشی از انتقال، موجب شناسایی همان حقوق یا تعهدات بطور مضاعف شود. برای مثال، اختیار خرید نگهداری‌شده توسط انتقال‌دهنده می‌تواند مانع در نظر گرفتن انتقال داراییهای مالی به عنوان فروش شود. در این مورد، اختیار خرید بطور جداگانه به عنوان یک دارایی مشتقه شناسایی نمی‌شود.

رب50. تا میزانی که انتقال یک دارایی مالی، واجد شرایط قطع شناخت نباشد، انتقال‌گیرنده دارایی انتقال‌یافته را به عنوان دارایی خود شناسایی نمی‌کند. انتقال‌گیرنده، نقد یا سایر مابه‌ازای پرداختی را قطع شناخت و یک دریافتی از انتقال‌دهنده را شناسایی می‌کند. در صورتی که انتقال‌دهنده، هم حق و هم تعهد نسبت به تحصیل مجدد کنترل کل دارایی انتقال‌یافته در ازای مبلغی ثابت را داشته باشد (برای مثال، طبق یک موافقتنامه بازخرید)، انتقال‌گیرنده می‌تواند دریافتی خود را به عنوان وام یا دریافتی به حساب منظور کند.

مثالها

رب51. مثالهای زیر، بکارگیری اصول قطع شناخت این استاندارد را توضیح می‌دهد.

الف. موافقتنامه‌های بازخرید و قرض دادن اوراق بهادار. در صورتی که دارایی مالی طبق موافقتنامه بازخرید به قیمتی ثابت یا به قیمت فروش به اضافه بازده وام‌دهنده، فروخته شود یا طبق موافقتنامه‌ای، به شرط برگشت آن به انتقال‌دهنده قرض داده شود، آن دارایی مالی قطع شناخت نمی‌شود، زیرا انتقال‌دهنده اساساً تمام ریسکها و مزایای مالکیت را حفظ می‌کند. در صورتی که انتقال‌گیرنده

حق فروش یا وثیقه گذاشتن دارایی را به دست آورد، انتقال‌دهنده، دارایی را در صورت وضعیت مالی تجدید طبقه‌بندی می‌کند، برای مثال، به عنوان دارایی قرض داده شده یا دریافتی ناشی از بازخرید.

ب. موافقتنامه‌های بازخرید و قرض دادن اوراق بهادار- داراییهای اساساً یکسان. در صورتی که دارایی مالی طبق موافقتنامه‌ای به شرط بازخرید همان دارایی یا دارایی تقریباً یکسان، به قیمت ثابت یا قیمت فروش به اضافه بازده وام‌دهنده به فروش رسد یا دارایی مالی طبق موافقتنامه‌ای به شرط برگشت همان دارایی یا دارایی اساساً یکسان به انتقال‌دهنده قرض داده شود یا از وی قرض گرفته شود، دارایی مزبور قطع شناخت نمی‌شود زیرا انتقال‌دهنده اساساً تمام ریسکها و مزایای مالکیت را حفظ می‌کند.

پ. موافقتنامه‌های بازخرید و قرض دادن اوراق بهادار- حق جایگزینی. در صورتی که موافقتنامه بازخرید به قیمت بازخرید ثابت یا به قیمتی برابر با قیمت فروش به اضافه بازده وام‌دهنده، یا معامله قرض دادن اوراق بهادار مشابه، برای انتقال‌گیرنده حق جایگزین کردن داراییهای مشابه و دارای ارزش منصفانه برابر با دارایی انتقال‌یافته در تاریخ بازخرید را فراهم کند، دارایی فروخته‌شده یا قرض داده‌شده در معامله قرض دادن اوراق بهادار یا بازخرید، قطع شناخت نمی‌شود زیرا انتقال‌دهنده اساساً تمام ریسکها و مزایای مالکیت را حفظ می‌کند.

ت. حق بازخرید با اولویت در خرید به ارزش منصفانه. چنانچه واحد تجاری یک دارایی مالی را به فروش رساند، و تنها حق اولویت در خرید را در صورتی که انتقال‌گیرنده متعاقباً دارایی را بفروشد، برای بازخرید دارایی انتقال‌یافته به ارزش منصفانه حفظ کند، واحد تجاری دارایی را قطع شناخت می‌کند زیرا اساساً تمام ریسکها و مزایای مالکیت را انتقال داده است.

ث. معامله فروش ناپایدار. بازخرید دارایی مالی مدت کوتاهی پس از فروش آن، گاهی به عنوان فروش ناپایدار نامیده می‌شود. این بازخرید، در صورتی

که معامله اولیه الزامات قطع شناخت را احراز کند، مانع قطع شناخت نمی‌شود. با وجود این، در صورتی که موافقتنامه فروش دارایی مالی، همزمان با موافقتنامه بازخرید همان دارایی به قیمت ثابت یا قیمت فروش به اضافه بازده وام‌دهنده منعقد شود، دارایی قطع شناخت نمی‌شود.

ج. **اختیارهای فروش و اختیارهای خرید عمیقاً دارای ارزش اعمال.** در صورتی که انتقال‌دهنده بتواند استرداد دارایی مالی انتقال‌یافته را درخواست کند و اختیار خرید عمیقاً دارای ارزش اعمال باشد، انتقال واجد شرایط قطع شناخت نیست، زیرا انتقال‌دهنده اساساً تمام ریسکها و مزایای مالکیت را حفظ کرده است. به همین ترتیب، در صورتی که انتقال‌گیرنده بتواند دارایی مالی را به انتقال‌دهنده برگرداند و اختیار فروش عمیقاً دارای ارزش اعمال باشد، انتقال واجد شرایط قطع شناخت نیست، زیرا انتقال‌دهنده اساساً تمام ریسکها و مزایای مالکیت را حفظ کرده است.

چ. **اختیارهای فروش و اختیارهای خرید عمیقاً فاقد ارزش اعمال.** دارایی مالی که تنها به شرط نگهداری اختیار فروش عمیقاً فاقد ارزش اعمال توسط انتقال‌گیرنده یا به شرط نگهداری اختیار خرید عمیقاً فاقد ارزش اعمال توسط انتقال‌دهنده، انتقال می‌یابد، قطع شناخت می‌شود. این بدان دلیل است که انتقال‌دهنده اساساً تمام ریسکها و مزایای مالکیت را انتقال داده است.

ح. **داراییهایی که به سهولت قابل دستیابی است و نه عمیقاً دارای ارزش اعمال است و نه عمیقاً فاقد ارزش اعمال.** در صورتی که واحد تجاری اختیار خرید دارایی را نگهداری کند که آن دارایی به سهولت در بازار قابل دستیابی و این اختیار معامله، نه عمیقاً دارای ارزش اعمال و نه عمیقاً فاقد ارزش اعمال باشد، دارایی قطع شناخت می‌شود. این بدان دلیل است که واحد تجاری (1) اساساً تمام ریسکها و مزایای مالکیت دارایی را نه انتقال داده و نه حفظ کرده است، و (2) کنترل را حفظ نکرده است. با وجود این، در صورتی که دارایی در بازار به سهولت قابل دستیابی نباشد، تا میزان مبلغ دارایی که مشمول اختیار خرید است، از قطع

شناخت جلوگیری به عمل می‌آید، زیرا واحد تجاری کنترل دارایی را حفظ کرده است.

خ. دارایی که به سهولت قابل دستیابی نیست و مشمول اختیار فروش صادرشده توسط واحد تجاری است که نه عمیقاً دارای ارزش اعمال و نه عمیقاً فاقد ارزش اعمال است. در صورتی که واحد تجاری یک دارایی مالی را که در بازار به سهولت قابل دستیابی نیست انتقال دهد و اختیار فروشی را صادر کند که عمیقاً فاقد ارزش اعمال نیست، واحد تجاری به دلیل اختیار فروش صادرشده، اساساً تمام ریسکها و مزایای مالکیت را نه انتقال داده است و نه حفظ کرده است. واحد تجاری در صورتی کنترل دارایی را حفظ می‌کند که اختیار فروش به اندازه کافی ارزشمند باشد تا از فروش دارایی توسط انتقال‌گیرنده جلوگیری کند، که در این مورد، شناخت دارایی به میزان مشارکت مستمر انتقال‌دهنده ادامه می‌یابد (به بند رب44 مراجعه شود). واحد تجاری کنترل دارایی را در صورتی انتقال می‌دهد که اختیار فروش به اندازه کافی ارزشمند نباشد تا مانع فروش دارایی توسط انتقال‌گیرنده شود که در این حالت، دارایی قطع شناخت می‌شود.

د. داراییهای مشمول اختیار فروش یا خرید یا موافقتنامه بازخرید آتی به ارزش منصفانه. انتقال دارایی مالی که تنها مشمول اختیار فروش یا خرید یا موافقتنامه بازخرید آتی است و قیمت اعمال یا بازخرید آن معادل ارزش منصفانه دارایی مالی در زمان بازخرید است، منجر به قطع شناخت می‌شود زیرا اساساً تمام ریسکها و مزایای مالکیت انتقال‌یافته است.

ذ. اختیارهای خرید یا فروش قابل تسویه به صورت نقدی. واحد تجاری انتقال یک دارایی مالی مشمول اختیار خرید یا فروش یا موافقتنامه بازخرید آتی قابل تسویه به صورت خالص از طریق نقد را برای تعیین حفظ یا انتقال اساساً تمام ریسکها و مزایای مالکیت، ارزیابی می‌کند. در صورتی که واحد تجاری اساساً تمام ریسکها و مزایای مالکیت دارایی انتقال‌یافته را حفظ نکرده باشد، تعیین می‌کند که آیا کنترل دارایی انتقال‌یافته را حفظ کرده است یا خیر. این موضوع که اختیار فروش یا خرید یا موافقتنامه بازخرید آتی به صورت خالص

از طریق نقد تسویه می‌شود، به خودی خود به این معنا نیست که واحد تجاری کنترل را انتقال داده است (به بندهای رب44 و قسمتهای (چ)، (ح) و (خ) بالا مراجعه شود).

ر. رفع شرط حسابها. رفع شرط حسابها، یک اختیار بازخرید (خرید) غیرمشروط است که برای واحد تجاری حق ادعای مجدد نسبت به داراییهای انتقال‌یافته مشمول برخی محدودیتها را ایجاد می‌کند. در صورتی که این اختیار معامله موجب شود که واحد تجاری اساساً تمام ریسکها و مزایای مالکیت را نه حفظ کند و نه انتقال دهد، فقط تا میزان مبلغ مشمول بازخرید از قطع شناخت جلوگیری می‌کند (با فرض اینکه انتقال‌گیرنده نمی‌تواند دارایی را بفروشد). برای مثال، در صورتی که مبلغ دفتری و عواید حاصل از انتقال وامهای اعطایی 100ر000 واحد پول باشد و هر یک از وامها به تنهایی قابل بازخرید باشد اما مجموع مبلغ وامهایی که قابل بازخرید است نتواند از 10ر000 واحد پول بیشتر باشد، 90ر000 واحد پول از وامها واجد شرایط قطع شناخت خواهد بود.

ز. اختیار خرید باقیمانده. واحد تجاری ارائه دهنده خدمات به داراییهای انتقال‌یافته، که می‌تواند انتقال دهنده آن دارایی باشد، ممکن است هنگامی که مبلغ داراییهای در جریان به کمتر از سطحی مشخص برسد که در آن سطح مخارج ارائه خدمات به آن داراییها در مقایسه با مزایای ارائه خدمات سنگین باشد، از اختیار خرید باقیمانده برای خرید باقیمانده داراییهای انتقال‌یافته برخوردار باشد. در صورتی که اختیار خرید باقیمانده موجب شود که واحد تجاری اساساً تمام ریسکها و مزایای مالکیت را نه حفظ کند و نه انتقال دهد و انتقال‌گیرنده نتواند آن داراییها را بفروشد، تنها تا میزان مبلغ داراییهای مشمول اختیار خرید، از قطع شناخت جلوگیری می‌کند.

ژ. منافع حفظ‌شده با اولویت پایین و تضمین اعتبار. ممکن است واحد تجاری از طریق در اولویت پایین قرار دادن تمام یا بخشی از منافع حفظ‌شده در دارایی انتقالی، مزیت اعتباری به انتقال‌گیرنده ارائه

کند. به نحو دیگر، واحد تجاری ممکن است با ارائه تضمین اعتبار نامحدود یا محدود به مبلغی مشخص، اعتبار انتقال‌گیرنده را افزایش دهد. در صورتی که واحد تجاری اساساً تمام ریسکها و مزایای مالکیت دارایی انتقال‌یافته را حفظ کند، شناخت دارایی بطور کامل ادامه می‌یابد. چنانچه واحد تجاری بخشی از ریسکها و مزایای مالکیت، نه اساساً تمام آن، را حفظ کند و همچنان کنترل داشته باشد، تا میزان مبلغ نقد یا سایر داراییهایی که واحد تجاری می‌توانست ملزم به پرداخت آن باشد، از قطع شناخت جلوگیری می‌شود.

س. **سواپ بازده کل.** ممکن است واحد تجاری دارایی مالی را به انتقال‌گیرنده بفروشد و با انتقال‌گیرنده قرارداد سواپ بازده کل منعقد کند، که براساس آن تمام جریانهای نقدی پرداخت بهره ناشی از دارایی پایه، در ازای پرداخت ثابت یا پرداخت با نرخ متغیر به واحد تجاری منتقل شود و هرگونه افزایش یا کاهش ارزش منصفانه دارایی پایه توسط واحد تجاری جذب گردد. در چنین مواردی، از قطع شناخت کل دارایی جلوگیری می‌شود.

ش. **سواپ نرخ بهره.** ممکن است واحد تجاری یک دارایی مالی با نرخ ثابت را به انتقال‌گیرنده منتقل کند و برای دریافت با نرخ بهره ثابت و پرداخت با نرخ بهره متغیر بر مبنای مبلغ اسمی برابر با مبلغ اصل دارایی مالی انتقال‌یافته، با انتقال‌گیرنده قرارداد سواپ نرخ بهره منعقد کند. سواپ نرخ بهره در صورتی مانع قطع شناخت دارایی مالی نمی‌شود که پرداختهای سواپ مشروط به پرداختهای مرتبط با دارایی انتقال‌یافته نباشد.

ص. **سواپ نرخ بهره استهلاکی.** ممکن است واحد تجاری یک دارایی مالی با نرخ ثابت را که در طول زمان تسویه می‌شود به انتقال‌گیرنده انتقال دهد و با انتقال‌گیرنده برای دریافت با نرخ بهره ثابت و پرداخت با نرخ بهره متغیر بر مبنای مبلغ اسمی، سواپ نرخ بهره استهلاکی منعقد کند. در صورتی که مبلغ اسمی سواپ به‌گونه‌ای مستهلک شود که با مبلغ اصل دارایی مالی انتقال‌یافته جاری در هر زمان برابر باشد، سواپ معمولاً موجب می‌شود واحد

تجاری، بخش عمده ریسک تسویه پیش از سررسید را حفظ کند که در این حالت، واحد تجاری یا تمام دارایی انتقال‌یافته را همچنان شناسایی می‌کند یا تا میزان مشارکت مستمر خود، به شناسایی دارایی مالی ادامه می‌دهد. در مقابل، در صورتی که استهلاک مبلغ اسمی سواپ به مبلغ اصل در جریان دارایی انتقال‌یافته وابسته نباشد، این سواپ نمی‌تواند موجب حفظ ریسک تسویه پیش از سررسید دارایی توسط واحد تجاری شود. بنابراین، در صورتی که پرداختهای سواپ مشروط به پرداختهای بهره مربوط به دارایی انتقال‌یافته نباشد و سواپ منجر به حفظ سایر ریسکها و مزایای قابل ملاحظه مالکیت دارایی انتقال‌یافته توسط واحد تجاری نشود، از قطع شناخت دارایی انتقال‌یافته جلوگیری نمی‌کند.

رب52. این بند بکارگیری رویکرد مشارکت مستمر را در شرایطی که مشارکت مستمر واحد تجاری در بخشی از یک دارایی مالی وجود داشته باشد، توضیح می‌دهد.

فرض کنید واحد تجاری پرتفویی از وامهای قابل تسویه پیش از سررسید دارد که نرخ کوپن و نرخ بهره مؤثر آن 10 درصد و مبلغ اصل و بهای مستهلک‌شده آن 1000ر پول است. واحد تجاری معامله‌ای انجام می‌دهد که به موجب آن، انتقال‌گیرنده در ازای پرداخت 115ر9 واحد پول، حق دریافت 9000ر9 واحد پول از وصول اصل به اضافه بهره‌ای 5/9 درصدی روی آن را کسب می‌کند. واحد تجاری همچنان حق خود نسبت به 1000ر1 واحد پول از وصول اصل به اضافه بهره‌ای 10 درصدی روی آن، به اضافه 5/0 درصد تفاوت اعتباری مازاد روی 9000ر9 واحد پول باقیمانده را حفظ می‌کند. تسویه‌های پیش از سررسید بین واحد تجاری و انتقال‌گیرنده، به نسبت 1 به 9 تخصیص می‌یابد، اما هرگونه نقض تعهد، از حقوق 1000ر1 واحد پولی کسر می‌شود تا زمانی که بهره صفر شود. ارزش منصفانه وامها در تاریخ معامله 100ر10 واحد پول است و ارزش منصفانه 5/0 درصد تفاوت اعتباری مازاد، 40 واحد پول می‌باشد.

واحد تجاری نتیجه می‌گیرد که بخشی از ریسکها و مزایای قابل ملاحظه مالکیت را انتقال داده (برای مثال، ریسک قابل ملاحظه تسویه پیش از سررسید)، اما

همچنان بخشی از ریسکها و مزایای قابل ملاحظه مالکیت (به دلیل منافع حفظ‌شده با اولویت پایین) و کنترل را حفظ کرده است. بنابراین، واحد تجاری رویکرد مشارکت مستمر را بکار می‌گیرد.

به‌منظور بکارگیری این استاندارد، واحد تجاری معامله را در دو جزء تفکیک و تحلیل می‌کند: (الف) حفظ سهم کاملاً متناسبی از منافع باقیمانده معادل 1000ر واحد پول، به اضافه (ب) در اولویت پایین قرار دادن آن منافع باقیمانده به منظور ارائه مزیت اعتباری به انتقال‌گیرنده بابت زیانهای اعتباری.

محاسبات واحد تجاری نشان می‌دهد که 9090ر واحد پول (90 درصد \times 100ر10 واحد پول) مابه‌ازای دریافتی از 115ر9 واحد پول، بیانگر مابه‌ازا بابت سهم کاملاً متناسب 90 درصدی است. بقیه مابه‌ازای دریافتی (25 واحد پول) بیانگر مابه‌ازای دریافتی مربوط به منافع حفظ‌شده با اولویت پایین به منظور ارائه مزیت اعتباری به انتقال‌گیرنده بابت زیانهای اعتباری است. افزون بر این، تفاوت اعتباری مازاد 5/0 درصدی، بیانگر مابه‌ازای دریافتی بابت افزایش اعتبار است. بر همین اساس، کل مابه‌ازای دریافتی بابت افزایش اعتبار 65 واحد پول (25 واحد پول + 40 واحد پول) می‌باشد.

واحد تجاری سود یا زیان فروش سهم 90 درصدی از جریانهای نقدی را محاسبه می‌کند. با فرض اینکه ارزش منصفانه جداگانه بخش 90 درصدی انتقال‌یافته و بخش 10 درصدی حفظ‌شده در تاریخ انتقال در دسترس نیست، واحد تجاری مبلغ دفتری دارایی را طبق بند 28 به شرح زیر تخصیص می‌دهد:

مبلغ دفتری تخصیص‌یافته	درصد	ارزش منصفانه	
9000ر	90%	9090ر	بخش انتقال‌یافته
1000ر	10%	1010ر	بخش حفظ‌شده
<u>10000ر</u>		<u>10100ر</u>	جمع

واحد تجاری سود یا زیان فروش سهم 90 درصدی از جریانهای نقدی را از طریق کسر کردن مبلغ دفتری تخصیص داده شده به بخش انتقال‌یافته از مابه‌ازای دریافتی محاسبه می‌کند، یعنی 90 واحد پول (9000ر

واحد پول- 90ر90 واحد پول). مبلغ دفتری بخش حفظ‌شده توسط واحد تجاری 1000ر1 واحد پول است.

افزون بر این، واحد تجاری مشارکت مستمر ناشی از منافع حفظ‌شده با اولویت پایین بابت زیانهای اعتباری را شناسایی می‌کند. بر همین اساس، واحد تجاری، یک دارایی معادل 1000ر1 واحد پول (حداکثر مبلغ جریانهای نقدی که به دلیل اولویت پایین دریافت نمی‌کند)، و بدهی مربوط معادل 1065ر1 واحد پول (که حداکثر مبلغ جریانهای نقدی است که به دلیل اولویت پایین دریافت نمی‌کند، یعنی 1000ر1 واحد پول به اضافه ارزش منصفانه اولویت پایین به مبلغ 65 واحد پول) را شناسایی می‌کند.

واحد تجاری از تمام اطلاعات بالا برای به حساب منظور کردن معامله به شرح زیر، استفاده می‌کند:

بدهکار بستانکار

دارایی اولیه	-	9000ر9
دارایی شناسایی‌شده بابت اولویت 1000ر1	-	
پایین یا منافع باقیمانده		
دارایی بابت مابه‌ازای دریافتی به 40	-	
شکل تفاوت اعتباری مازاد		
سود یا زیان دوره (سود انتقال)	-	90
بدهی	-	1065ر1
نقد دریافتی	9115ر9	-
جمع	<u>10155ر10</u>	<u>10155ر10</u>

بلافاصله پس از معامله، مبلغ دفتری دارایی 2040ر2 واحد پول است که متشکل از 1000ر1 واحد پول بهای تمام شده تخصیص‌یافته به بخش حفظ‌شده، و 1040ر1 واحد پول مشارکت مستمر اضافی واحد تجاری ناشی از منافع حفظ‌شده با اولویت پایین بابت زیانهای اعتباری (شامل تفاوت اعتباری مازاد معادل 40 واحد پول) می‌باشد.

در دوره‌های بعدی، واحد تجاری مابه‌ازای دریافتی بابت افزایش اعتبار (65 واحد پول) را متناسب با زمان شناسایی می‌کند، بهره دارایی شناسایی‌شده با استفاده از روش بهره مؤثر تعلق می‌گیرد و هرگونه کاهش اعتبار داراییهای شناسایی‌شده، شناسایی می‌شود. به عنوان مثالی از آخرین مورد، فرض کنید که در سال بعد زیان کاهش اعتبار وامهای پایه 300

واحد پول است. واحد تجاری دارایی شناسایی‌شده را به مبلغ 600 واحد پول (300 واحد پول مربوط به منافع حفظ‌شده و 300 واحد پول مربوط به مشارکت مستمر اضافی ناشی از منافع حفظ‌شده با اولویت پایین بابت زیانهای اعتباری) و بدهی شناسایی‌شده را به مبلغ 300 واحد پول کاهش می‌دهد. نتیجه خالص، منظور کردن زیان کاهش اعتبار به مبلغ 300 واحد پول در سود یا زیان دوره است.

خرید یا فروش دارایی مالی به روش معمول (بند 38)

رب53. داراییهای مالی خریداری‌شده یا فروخته‌شده به روش معمول با استفاده از حسابداری در تاریخ معامله یا حسابداری در تاریخ تسویه، به شرح بندهای رب55 و رب56 شناسایی می‌شود. روش مورد استفاده، بطور یکنواخت برای تمام خریدها و فروشهای داراییهای مالی که به طبقه یکسانی از داراییهای مالی تعریف‌شده در بند 9 تعلق دارند، کاربرد دارد. برای این منظور، داراییهای نگهداری‌شده برای مبادله، طبقه‌ای جدا از داراییهای اختصاص‌یافته به طبقه اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره را تشکیل می‌دهند.

رب54. قراردادی که تسویه خالص‌تغییر در ارزش قرارداد را الزامی یا مجاز می‌کند، قرارداد به روش معمول محسوب نمی‌شود. بلکه چنین قراردادی، در دوره بین تاریخ معامله و تاریخ تسویه، به عنوان ابزار مشتقه به حساب منظور می‌شود.

رب55. تاریخ معامله، تاریخی است که واحد تجاری خود را متعهد به خرید یا فروش دارایی می‌کند. حسابداری تاریخ معامله به (الف) شناسایی دارایی که قرار است دریافت شود و بدهی که بابت آن قرار است پرداخت انجام شود، در تاریخ معامله و (ب) قطع شناخت دارایی به فروش‌رسیده، شناسایی سود یا زیان واگذاری و شناسایی دریافتنی از خریدار بابت پرداخت، در تاریخ معامله، اشاره دارد. بطور کلی، تا تاریخ تسویه، یعنی زمانی که مالکیت انتقال می‌یابد، تعلق گرفتن بهره به دارایی و بدهی مربوط به آن آغاز نمی‌شود.

رب56. تاریخ تسویه، تاریخی است که در آن تاریخ، دارایی به واحد تجاری یا توسط آن تحویل داده می‌شود. حسابداری در تاریخ تسویه به (الف) شناسایی دارایی در روزی که توسط واحد تجاری دریافت می‌شود، و (ب) قطع شناخت دارایی و شناسایی سود یا زیان واگذاری در روزی که توسط واحد تجاری تحویل داده می‌شود، اشاره دارد. در صورت بکارگیری حسابداری در تاریخ تسویه، واحد تجاری هرگونه تغییر در ارزش منصفانه دارایی قابل دریافت در دوره زمانی بین تاریخ معامله و تاریخ تسویه را به همان شیوه دارایی تحصیل‌شده به حساب منظور می‌کند. به بیان دیگر، تغییر در ارزش برای داراییهایی که به بهای

تمام شده یا بهای مستهلک شده نگهداری می‌شوند، شناسایی نمی‌گردد؛ این تغییر برای داراییهای طبقه‌بندی‌شده به عنوان داراییهای مالی اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان دوره، در سود یا زیان دوره شناسایی می‌شود؛ و برای داراییهای طبقه‌بندی‌شده به عنوان آماده برای فروش، در سایر اقلام سود و زیان جامع شناسایی می‌گردد.

قطع شناخت بدهی مالی (بندهای 39 تا 42)

رب57. بدهی مالی (یا قسمتی از آن) زمانی خاتمه می‌یابد که بدهکار:

الف. بدهی (یا قسمتی از آن) را از طریق پرداخت نقد به بستانکار بطور معمول، با سایر داراییهای مالی، کالاها یا خدمات تسویه کند؛ یا

ب. بطور قانونی، از مسئولیت اولیه در قبال بدهی (یا قسمتی از آن)، از طریق فرایند قانونی یا توسط بستانکار، رها شده باشد (در صورتی که بدهکار تضمین داده باشد، همچنان ممکن است که این شرط تحقق یابد).

رب58. اگر ناشر ابزار بدهی، آن ابزار را بازخرید کند، حتی در صورتی که ناشر یکی از بازارسازان آن ابزار باشد، یا قصد داشته باشد در آینده نزدیک آن ابزار را مجدداً بفروشد، بدهی خاتمه می‌یابد.

رب59. در نبود فرایندهای قانونی برای رفع تعهد، پرداخت به شخص ثالث، نظیر واحد امانی (که گاهی "ابطال محتوایی" نامیده می‌شود)، به خودی خود، تعهد اولیه بدهکار نسبت به بستانکار را برطرف نمی‌کند.

رب60. در صورتی که بدهکار پرداختی به شخص ثالثی انجام دهد تا او بدهی را تقبل کند و به بستانکار خود اطلاع دهد شخص ثالث تعهد بدهی را قبول کرده است، بدهکار تعهد بدهی را قطع شناخت نمی‌کند مگر اینکه شرط بند رب57 (ب) احراز شود. در صورتی که بدهکار بابت تقبل بدهی توسط اشخاص ثالث، پرداختی انجام دهد و بطور قانونی از تعهد در قبال بستانکار رها شود، بدهکار آن بدهی را خاتمه می‌دهد. با وجود این، در صورتی که بدهکار با پرداخت بابت بدهی به شخص ثالث یا مستقیماً به بستانکار اولیه موافقت کند، تعهد بدهی جدید در قابل شخص ثالث را شناسایی می‌کند.

رب61. هر چند رفع مسئولیت قانونی، خواه از طریق مراجع قضایی یا از طریق بستانکار، منجر به قطع شناخت بدهی می‌شود، در صورتی که معیارهای قطع شناخت مندرج در بندهای 15 تا 37 برای داراییهای مالی انتقال‌یافته احراز نشود، ممکن است واحد تجاری بدهی جدیدی را شناسایی کند. اگر این معیارها احراز نشود، داراییهای انتقال‌یافته قطع شناخت نمی‌شود، و

واحد تجاری در ارتباط با داراییهای انتقال‌یافته، یک بدهی جدید شناسایی می‌کند.

رب62. برای مقاصد بند 40، در صورتی که ارزش فعلی تنزیل‌شده جریانهای نقدی طبق شرایط جدید، شامل هرگونه حق‌الزحمه پرداختی پس از کسر حق‌الزحمه دریافتی و تنزیل‌شده با استفاده از نرخ بهره مؤثر اولیه، حداقل 10 درصد با ارزش فعلی تنزیل‌شده جریانهای نقدی باقیمانده بدهی مالی اولیه تفاوت داشته باشد، شرایط تفاوت اساسی دارد. در صورتی که مبادله ابزارهای بدهی یا تعدیل شرایط به عنوان خاتمه بدهی در نظر گرفته شود، هرگونه مخارج یا حق‌الزحمه تحمل‌شده، به عنوان بخشی از سود یا زیان خاتمه بدهی شناسایی می‌شود. چنانچه معاوضه یا تعدیل، خاتمه بدهی محسوب نشود، مخارج و حق‌الزحمه‌های تحمل‌شده، مبلغ دفتری بدهی را تعدیل می‌کند و در طول مدت باقیمانده از دوره بدهی تعدیل‌شده، مستهلک می‌شود.

رب63. در برخی موارد، بستانکار، بدهکار را از پرداخت تعهد فعلی برای پرداخت آزاد می‌کند، اما بدهکار تعهد تضمین پرداخت را در صورتی که شخص ثالث تقبل‌کننده مسئولیت اولیه، تعهد خود را نکول کرده باشد، تقبل می‌کند. در این شرایط، بدهکار:

الف. بدهی مالی جدیدی را بر مبنای ارزش منصفانه تعهدات تضمین شناسایی می‌کند؛ و

ب. بر مبنای تفاوت بین (1) هرگونه نقد پرداختی و (2) مبلغ دفتری بدهی مالی اولیه پس از کسر ارزش منصفانه بدهی مالی جدید، سود یا زیان دوره شناسایی می‌کند.

اندازه‌گیری (بندهای 43 تا 70)

اندازه‌گیری اولیه داراییهای مالی و بدهیهای مالی (بند 43)

رب64. ارزش منصفانه ابزار مالی در زمان شناخت اولیه، بطور معمول، قیمت معامله است (یعنی ارزش منصفانه مابه‌ازای پرداختی یا دریافتی، به استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 13 و بند رب76 نیز مراجعه شود). با وجود این، در صورتی که قسمتی از مابه‌ازای پرداختی یا دریافتی بابت مواردی غیر از آن ابزار مالی باشد، واحد تجاری باید ارزش منصفانه ابزار مالی را اندازه‌گیری کند. برای مثال، ارزش منصفانه وام یا دریافتی بلندمدتی که بدون

بهره است را می‌توان به ارزش فعلی تمام دریافت‌های نقدی آتی که با استفاده از نرخ(های) بهره رایج بازار برای ابزار مشابه (مشابه از لحاظ واحد پول، دوره زمانی، نوع نرخ بهره و سایر عوامل) با رتبه اعتباری مشابه تنزیل می‌شود، اندازه‌گیری کرد. هرگونه مبلغ اضافی وام داده شده، هزینه یا کاهش درآمد محسوب می‌شود مگر اینکه واجد شرایط شناخت به عنوان نوع دیگری از دارایی باشد.

رب65. در صورتی که واحد تجاری وامی اعطا کند که نرخ بهره آن پایین‌تر از بازار باشد (برای مثال، هنگامی که نرخ بازار برای وام‌های مشابه 8 درصد است، نرخ آن وام 5 درصد باشد)، و کارمزدی را برای جبران آن پیش‌دریافت نماید، آن وام را به ارزش منصفانه، یعنی پس از کسر کارمزد دریافتی، شناسایی می‌کند. واحد تجاری، مبلغ کسر را با استفاده از روش بهره مؤثر به سود یا زیان دوره منظور می‌کند.

اندازه‌گیری بعدی داراییهای مالی (بندهای 45 و 46)

رب66. در صورتی که ابزار مالی که قبلاً به عنوان دارایی مالی شناسایی شده است به ارزش منصفانه اندازه‌گیری شود و ارزش منصفانه آن کمتر از صفر شود، یک بدهی مالی محسوب می‌شود که طبق بند 47 اندازه‌گیری می‌گردد.

رب67. در مثال زیر، حسابداری مخارج معامله در زمان اندازه‌گیری اولیه و بعدی دارایی مالی آماده برای فروش تشریح شده است. دارایی در ازای 100 واحد پول به اضافه کارمزد خرید به مبلغ 2 واحد پول تحصیل می‌شود. در ابتدا، دارایی به مبلغ 102 واحد پول شناسایی می‌شود. پایان دوره مالی یک روز بعد است، که قیمت بازار دارایی 100 واحد پول می‌باشد. در صورتی که دارایی فروخته شود، 3 واحد پول کارمزد پرداخت می‌شود. در آن تاریخ، دارایی به مبلغ 100 واحد پول اندازه‌گیری می‌شود (بدون در نظر گرفتن کارمزد احتمالی فروش) و زیان 2 واحد پول در سایر اقلام سود و زیان جامع شناسایی می‌گردد. در صورتی که دارایی مالی آماده برای فروش، پرداخت‌های ثابت یا قابل تعیینی داشته باشد، مخارج معامله با استفاده از روش بهره مؤثر، در سود یا زیان دوره مستهلک می‌شود. در صورتی که دارایی آماده برای فروش پرداخت‌های ثابت یا قابل تعیینی نداشته باشد، مخارج

معامله، در صورتی که دارایی قطع شناخت شود یا کاهش ارزش یابد، در سود یا زیان دوره شناسایی می‌گردد.

رب68. ابزارهای طبقه‌بندی‌شده به عنوان وامها و دریافتنی‌ها، بدون در نظر گرفتن قصد واحد تجاری برای نگهداری آنها تا سررسید، به بهای مستهلک شده اندازه‌گیری می‌شوند.

رب69 تا رب75. [حذف شد]

رب76. بهترین شواهد از ارزش منصفانه ابزار مالی در زمان شناخت اولیه، بطور معمول قیمت معامله است (یعنی ارزش منصفانه مابه‌ازای پرداختی یا دریافتی، به استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 13 نیز مراجعه شود). در صورتی که واحد تجاری به این نتیجه برسد که ارزش منصفانه در زمان شناخت اولیه با قیمت معامله متفاوت است، همان‌طور که در بند 43 الف بیان شد، واحد تجاری باید آن ابزار را در تاریخ مذکور به شرح زیر به حساب منظور کند:

الف. بر مبنای اندازه‌گیری الزامی طبق بند 43 در صورتی که آن ارزش منصفانه، مبتنی بر قیمت اعلام‌شده در بازار فعال برای دارایی یا بدهی یکسان (یعنی داده ورودی سطح 1) یا مبتنی بر یک تکنیک ارزشیابی که تنها از داده‌های قابل مشاهده در بازار استفاده می‌کند باشد، واحد تجاری باید تفاوت بین ارزش منصفانه در زمان شناخت اولیه و قیمت معامله را به عنوان سود یا زیان شناسایی کند.

ب. در سایر موارد، بر مبنای اندازه‌گیری الزامی طبق بند 43، بابت انتقال تفاوت بین ارزش منصفانه در زمان شناخت اولیه و قیمت معامله تعدیل می‌شود. بعد از شناخت اولیه، واحد تجاری باید این تفاوت انتقالی را تنها به میزانی به عنوان سود یا زیان شناسایی کند که ناشی از تغییر در عاملی (شامل زمان) باشد که فعالان بازار هنگام قیمت‌گذاری دارایی یا بدهی در نظر می‌گیرند.

رب76 الف. اندازه‌گیری بعدی دارایی مالی یا بدهی مالی و شناسایی بعدی سودها و زیانها باید با الزامات این استاندارد سازگار باشد.

رب77 تا رب79. [حذف شد]

نبود بازار فعال: ابزارهای مالکانه

رب80. ارزش منصفانه سرمایه‌گذاری در ابزارهای مالکانه‌ای که قیمت اعلام‌شده در بازاری فعال برای ابزاری یکسان با آن (داده ورودی سطح 1) وجود ندارد و ابزارهای مشتقه‌ای که به چنین ابزارهای مالکانه‌ای وابسته هستند و بابت تسویه آنها باید چنین ابزار مالکانه‌ای تحویل داده شود (به بندهای 46 (پ) و 47 مراجعه شود)، در صورتی به‌گونه‌ای قابل اتکا، قابل اندازه‌گیری است که (الف) نوسان در دامنه اندازه‌گیریهای معقول ارزش منصفانه برای آن ابزار، قابل ملاحظه نباشد یا (ب) احتمال برآوردهای گوناگون در آن دامنه به‌گونه‌ای معقول، قابل ارزیابی باشد و هنگام اندازه‌گیری ارزش منصفانه، مورد استفاده قرار گیرد.

رب81. وضعیتهای مختلفی وجود دارد که در آن، نوسان دامنه اندازه‌گیریهای معقول ارزش منصفانه سرمایه‌گذاری در ابزارهای مالکانه‌ای که قیمت اعلام‌شده در بازار فعال برای ابزاری یکسان با آنها (داده ورودی سطح 1) وجود ندارد و ابزارهای مشتقه‌ای که به چنین ابزار مالکانه‌ای وابسته هستند و بابت تسویه آنها باید چنین ابزار مالکانه‌ای تحویل داده شود (به بندهای 46 (پ) و 47 مراجعه شود)، می‌تواند قابل ملاحظه نباشد. بطور معمول، اندازه‌گیری ارزش منصفانه دارایی مالی که واحد تجاری از طرف برون‌سازمانی تحصیل کرده است، محتمل است. با وجود این، در صورتی که دامنه اندازه‌گیریهای معقول ارزش منصفانه قابل ملاحظه باشد و احتمال برآوردهای گوناگون به‌گونه‌ای معقول قابل ارزیابی نباشد، واحد تجاری از اندازه‌گیری آن ابزار به ارزش منصفانه منع می‌شود.

رب82. [حذف شد.]

سودها و زیانها (بندهای 55 تا 57)

رب83. واحد تجاری، استاندارد بین‌المللی حسابداری 21 را برای داراییهای مالی و بدهیهای مالی که طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری 21 اقلام پولی محسوب و برحسب ارزش بیان می‌شوند، بکار می‌گیرد. طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری 21، سودها و زیانهای مبادله ارزی داراییهای پولی و بدهیهای پولی در سود یا زیان دوره شناسایی می‌شود. یک استثنا از این قاعده، یک قلم پولی است که به عنوان ابزار

مصون‌سازی، در مصون‌سازی جریانهای نقدی (به بندهای 95 تا 101 مراجعه شود) یا مصون‌سازی خالص سرمایه‌گذاری (به بند 102 مراجعه شود) اختصاص می‌یابد. به منظور شناسایی سودها و زیانهای مبادله ارزی طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری 21، دارایی مالی پولی آماده برای فروش به‌گونه‌ای در نظر گرفته می‌شود که گویی به بهای مستهلک شده برحسب ارزش اندازه‌گیری شده است. در نتیجه، برای چنین دارایی مالی، تفاوت‌های مبادله ناشی از تغییر در بهای مستهلک شده، در سود یا زیان دوره شناسایی می‌شود و سایر تغییرات در مبلغ دفتری، طبق بند 55 (ب) شناسایی می‌گردد. برای داراییهای مالی آماده برای فروش که طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری 21، قلم پولی محسوب نمی‌شوند (برای مثال، ابزارهای مالکانه)، سود یا زیانی که طبق بند 55 (ب) در سایر اقلام سود و زیان جامع شناسایی می‌شود، شامل هرگونه جزء ارزی مربوط است. در صورتی که رابطه مصون‌سازی بین دارایی پولی غیرمشترک و بدهی پولی غیرمشترک وجود داشته باشد، تغییر در جزء ارزی این ابزارهای مالی، در سود یا زیان دوره شناسایی می‌شود.

کاهش ارزش و غیرقابل‌وصول بودن داراییهای مالی (بندهای 58 تا 70)

داراییهای مالی اندازه‌گیری‌شده به بهای مستهلک شده (بندهای 63 تا 65)

رب84. کاهش ارزش دارایی مالی اندازه‌گیری‌شده به بهای مستهلک شده، با استفاده از نرخ بهره مؤثر اولیه بازار مالی اندازه‌گیری می‌شود زیرا تنزیل با نرخ بهره جاری بازار، در عمل موجب می‌شود داراییهای مالی که باید به بهای مستهلک شده اندازه‌گیری شوند، به ارزش منصفانه اندازه‌گیری گردند. در صورتی که شرایط وامها، دریافتنی‌ها یا سرمایه‌گذاریهای نگهداری‌شده تا سررسید، مورد مذاکره مجدد قرار گیرد یا به دلیل مشکلات مالی وام‌گیرنده یا ناشر به‌گونه‌ای دیگر تعدیل شود، کاهش ارزش با استفاده از نرخ بهره مؤثر اولیه قبل از تعدیل شرایط اندازه‌گیری می‌شود. در صورتی که اثر تنزیل با اهمیت نباشد، جریانهای نقدی مربوط به دریافتنی‌های کوتاه‌مدت تنزیل نمی‌شود. در صورتی که وام، دریافتنی یا سرمایه‌گذاری نگهداری‌شده تا سررسید، نرخ بهره متغیر داشته باشد، نرخ تنزیل به منظور اندازه‌گیری هرگونه زیان کاهش ارزش طبق بند 63، نرخ(های) بهره مؤثر جاری

تعیین‌شده طبق قرارداد است. به عنوان یک راهکار عملی، بستانکار می‌تواند کاهش ارزش دارایی مالی اندازه‌گیری‌شده به بهای مستهلک شده را بر مبنای ارزش منصفانه ابزار با استفاده از قیمت قابل مشاهده در بازار اندازه‌گیری کند. محاسبه ارزش فعلی جریانهای نقدی آتی برآوردی دارایی مالی به وثیقه گذاشته‌شده، منعکس‌کننده جریانهای نقدی است که ممکن است از تملک وثیقه پس از کسر مخارج به دست آوردن و فروش وثیقه ایجاد شود، صرفنظر از اینکه تملک دارایی محتمل باشد یا خیر.

رب85. در فرایند برآورد کاهش ارزش، تمام آسیبپذیری از ریسکهای اعتباری و نه فقط آسیبپذیری از ریسکهای کیفیت اعتباری پایین، در نظر گرفته می‌شود. برای مثال، در صورتی که واحد تجاری از سیستم رتبه‌بندی اعتباری داخلی استفاده کند، تمام رتبه‌های اعتباری، نه فقط آنهایی که منعکس‌کننده کاهش اعتبار شدید است را در نظر می‌گیرد.

رب86. فرایند برآورد مبلغ زیان کاهش ارزش می‌تواند منجر به یک مبلغ واحد یا دامنه‌ای از مبالغ ممکن شود. در حالت دوم، واحد تجاری با در نظر گرفتن تمام اطلاعات مربوط در دسترس درباره شرایط موجود در پایان دوره گزارشگری قبل از انتشار صورتهای مالی، زیان کاهش ارزشی برابر با بهترین برآورد در آن دامنه³ را شناسایی می‌کند.

رب87. به منظور ارزیابی گروهی کاهش ارزش، داراییهای مالی بر مبنای ویژگیهای ریسک اعتباری مشابه که بیانگر توانایی بدهکار برای پرداخت تمام مبالغ تعهدشده طبق شرایط قراردادی است (برای مثال، بر مبنای ارزیابی ریسک اعتباری یا فرایند رتبه‌بندی با لحاظ کردن نوع دارایی، صنعت، موقعیت جغرافیایی، نوع وثیقه، وضعیت سررسید گذشته بودن و سایر عوامل مربوط) گروه‌بندی می‌شوند. ویژگیهای منتخب، به برآورد جریانهای نقدی آتی گروههایی از این داراییها مربوط است که نشان‌دهنده توانایی بدهکار برای پرداخت تمام مبالغ تعهدشده طبق شرایط قراردادی داراییهای مورد ارزیابی است. با وجود این، احتمالات زیان و سایر آماره‌های زیان در سطح

³ بند 39 استاندارد بین‌المللی حسابداری 37، رهنمودی درباره نحوه تعیین بهترین برآورد در دامنه‌ای از نتایج ممکن ارائه می‌دهد.

گروه بین (الف) داراییهایی که به تنهایی بابت کاهش ارزش ارزیابی شده‌اند و مشخص شده است که کاهش ارزش نیافته‌اند و (ب) داراییهایی که به تنهایی بابت کاهش ارزش ارزیابی نشده‌اند، متفاوت است. در نتیجه مبلغ کاهش ارزش مورد نیاز ممکن است متفاوت باشد. در صورتی که واحد تجاری گروهی از داراییها با ویژگیهای ریسک مشابه نداشته باشد، ارزیابی بیشتری انجام نمی‌دهد.

رب88. زیانهای کاهش ارزش شناسایی شده بر مبنای گروه، بیانگر مرحله‌ای میانی قبل از تشخیص زیانهای کاهش ارزش تک تک داراییهای گروه داراییهای مالی است که بطور گروهی بابت کاهش ارزش ارزیابی می‌شوند. به محض در دسترس قرار گرفتن اطلاعاتی که بطور خاص زیانهای کاهش ارزش تک تک داراییهای گروه را مشخص می‌کند، این داراییها از گروه حذف می‌شوند.

رب89. جریانهای نقدی آتی در گروهی از داراییهای مالی که بطور گروهی بابت کاهش ارزش ارزیابی می‌شود، بر مبنای تجربه گذشته زیان برای داراییهایی با ویژگیهای ریسک اعتباری مشابه در گروه برآورد می‌شود. واحدهای تجاری بدون تجربه زیان مختص واحد تجاری یا بدون تجربه کافی، از تجربه گروه همانند برای گروههای قابل مقایسه داراییهای مالی استفاده می‌کنند. برای انعکاس آثار شرایط فعلی که بر دوره‌ای که تجربه گذشته زیان مبتنی بر آن است تأثیر نداشته است و برای حذف آثار شرایط دوره گذشته‌ای که هم‌اکنون وجود ندارد، تجربه گذشته زیان، بر مبنای داده‌های قابل مشاهده جاری، تعدیل می‌شود. برآورد تغییر در جریانهای نقدی آتی، تغییر در داده‌های قابل مشاهده مربوط از دوره‌ای به دوره دیگر را منعکس می‌کند و کاملاً هم جهت با آنها است (نظیر تغییرات در نرخ بیکاری، قیمت املاک، قیمت کالاهای وضعیت پرداخت یا سایر عواملی که بیانگر زیانهای تحمل‌شده در گروه و اندازه آن است). روش‌شناسی و مفروضات مورد استفاده برای برآورد جریانهای نقدی آتی بطور منظم بازنگری می‌شود تا هرگونه تفاوت بین برآورد زیان و تجربه زیان واقعی را کاهش دهد.

رب90. به عنوان مثالی از بکارگیری بند رب 89، واحد تجاری ممکن است بر مبنای تجربه گذشته تعیین کند که یکی از دلایل اصلی نکول وامهای کارت اعتباری، فوت وام‌گیرنده است. ممکن است واحد تجاری مشاهده کند که

نرخ مرگ و میر از سالی به سال دیگر تغییر نکرده است. با وجود این، برخی از وام‌گیرندگان در گروه وامهای کارت اعتباری واحد تجاری، ممکن است در آن سال فوت کرده باشند که حتی اگر در پایان آن سال، واحد تجاری آگاهی نداشته باشد که کدام یک از وام‌گیرندگان فوت شده‌اند، بیانگر این است که زیان کاهش ارزش در آن وامها واقع شده است. شناسایی زیان کاهش ارزش برای این قبیل "زیانهای واقع‌شده اما گزارش نشده" مناسب خواهد بود. با وجود این، شناسایی زیان کاهش ارزش برای مرگ و میرهایی که انتظار می‌رود در دوره آینده رخ دهند، مناسب نیست، زیرا رویداد زیان‌آور ضروری (مرگ وام‌گیرنده) هنوز واقع نشده است.

رب91. در صورت استفاده از نرخ زیان تاریخی برای برآورد جریانهای نقدی آتی، بکارگیری اطلاعات نرخهای زیان تاریخی برای گروههایی که با شیوه‌ای سازگار با گروههای دارای نرخهای زیان تاریخی مشاهده شده تعریف شده‌اند، دارای اهمیت است. بنابراین، روش مورد استفاده باید به هر گروه امکان دهد با اطلاعات درباره تجربه زیان گذشته گروههایی از داراییها با ویژگیهای ریسک اعتباری مشابه و داده‌های قابل مشاهده مربوط که شرایط فعلی را منعکس می‌کند، مرتبط باشند.

رب92. رویکردهای مبتنی بر فرمول یا روشهای آماری ممکن است برای تعیین زیانهای کاهش ارزش در گروهی از داراییهای مالی (برای مثال وامهای با مانده کمتر) استفاده شود، مشروط بر اینکه با الزامات بندهای 63 تا 65 و رب87 تا رب91 مطابقت داشته باشد. هر مدلی که استفاده می‌شود، باید تأثیر ارزش زمانی پول، جریانهای نقدی مربوط به کل عمر باقیمانده دارایی (نه فقط سال آتی) و سن وامهای جای‌گرفته در پرتفوی را لحاظ کند و هنگام شناخت اولیه دارایی مالی، منجر به زیان کاهش ارزش نشود.

درآمد بهره پس از شناخت کاهش ارزش

رب93. زمانی که دارایی مالی یا گروهی از داراییهای مالی مشابه در نتیجه زیان کاهش ارزش، کاهش می‌یابد، پس از آن، درآمد بهره با استفاده از نرخ بهره مورد استفاده برای تنزیل جریانهای نقدی آتی به منظور اندازه‌گیری زیان کاهش ارزش، شناسایی می‌شود.

مصون‌سازی (بندهای 71 تا 102)

ابزارهای مصون‌سازی (بندهای 72 تا 77)

ابزارهای واجد شرایط (بندهای 72 و 73)

رب94. زیان بالقوه اختیار معامله صادرشده توسط واحد تجاری ممکن است بطور قابل ملاحظه‌ای، بیشتر از سود بالقوه در ارزش قلم مصون‌شده مربوط باشد. به بیان دیگر، اختیار معامله صادرشده، در کاهش ریسک سود یا زیان قلم مصون‌شده اثربخش نیست. بنابراین، اختیار معامله صادرشده، واجد شرایط طبقه‌بندی به عنوان ابزار مصون‌سازی نخواهد بود مگر اینکه برای تهاثر با اختیار معامله خریداری‌شده، شامل اختیار معامله تعبیه‌شده در ابزار مالی دیگر (برای مثال، اختیار خرید صادرشده مورد استفاده برای مصون‌سازی بدهی قابل بازخرید) اختصاص داده شود. در مقابل، سودهای بالقوه اختیار معامله خریداری‌شده برابر یا بیشتر از زیانهای آن است و بنابراین، قابلیت کاهش اثرپذیری سود یا زیان حاصل از تغییرات ارزش منصفانه یا جریانهای نقدی را دارد. بر همین اساس، می‌تواند شرایط طبقه‌بندی به عنوان ابزار مصون‌سازی را داشته باشد.

رب95. سرمایه‌گذاری نگهداری‌شده تا سررسیدی که به بهای مستهلک شده به حساب منظور می‌شود ممکن است در مصون‌سازی ریسک ارز، به عنوان ابزار مصون‌سازی اختصاص یابد.

رب96. سرمایه‌گذاری در ابزار مالکانه‌ای که قیمت اعلام‌شده در بازار فعال برای آن (یعنی داده‌های ورودی سطح 1) وجود ندارد، به ارزش منصفانه اندازه‌گیری نمی‌شود، زیرا نمی‌توان ارزش منصفانه آن را به روشی دیگر، به گونه‌ای قابل اتکا اندازه‌گیری کرد یا ابزار مشتقه‌ای را که به تحویل چنین ابزار مالکانه‌ای وابسته است و باید با تحویل چنین ابزار مالکانه‌ای تسویه شود (به بندهای 46 (پ) و 47 مراجعه شود) نمی‌توان به عنوان ابزار مصون‌سازی اختصاص داد.

رب97. ابزارهای مالکانه خود واحد تجاری، دارایی مالی یا بدهی مالی واحد تجاری نیست و بنابراین، نمی‌توان آن را به عنوان ابزار مصون‌سازی اختصاص داد.

اقلام مصون‌شده (بندهای 78 تا 84)

اقلام واجد شرایط (بندهای 78 تا 80)

رب98. تعهد قطعی برای تحصیل فعالیت تجاری در یک ترکیب تجاری، نمی‌تواند قلم مصون‌شده باشد، مگر در مورد ریسک ارز، زیرا سایر ریسک‌هایی که مصون می‌شوند را نمی‌توان بطور خاص تشخیص داد و اندازه‌گیری کرد. سایر ریسک‌ها، ریسک‌های عمومی فعالیت تجاری است.

رب99. سرمایه‌گذاری به روش ارزش ویژه را نمی‌توان در مصون‌سازی ارزش منصفانه به عنوان قلم مصون‌شده محسوب کرد زیرا در روش ارزش ویژه، سهم سرمایه‌گذار از سود یا زیان دوره واحد تجاری وابسته، نه تغییرات در ارزش منصفانه سرمایه‌گذاری، در سود یا زیان دوره شناسایی می‌شود. به دلیل مشابه، سرمایه‌گذاری در واحد تجاری فرعی تلفیقی، در مصون‌سازی ارزش منصفانه نمی‌تواند قلم مصون‌شده محسوب شود زیرا در تلفیق، سود یا زیان دوره واحد تجاری فرعی، نه تغییرات در ارزش منصفانه سرمایه‌گذاری، در سود یا زیان دوره شناسایی می‌شود. مصون‌سازی خالص سرمایه‌گذاری در عملیات خارجی متفاوت است زیرا مصون‌سازی ریسک ارز است و مصون‌سازی ارزش منصفانه تغییر در ارزش سرمایه‌گذاری نمی‌باشد.

رب99الف. در بند 80 تصریح می‌شود که در صورتهای مالی تلفیقی، ریسک ارز یک معامله درون‌گروهی پیش‌بینی‌شده بسیار محتمل، ممکن است در مصون‌سازی جریانهای نقدی، شرایط طبقه‌بندی به عنوان قلم مصون‌شده را احراز کند، مشروط بر آنکه معامله برحسب واحد پولی به غیر از واحد پول عملیاتی واحد تجاری انجام‌دهنده معامله باشد و ریسک ارز بر سود یا زیان تلفیقی تأثیر بگذارد. بدین منظور، واحد تجاری می‌تواند واحد تجاری اصلی، واحد تجاری فرعی، واحد تجاری وابسته، مشارکت خاص یا شعبه باشد. در صورتی که ریسک ارز معامله درون‌گروهی پیش‌بینی‌شده بر سود یا زیان تلفیقی تأثیر نگذارد، معامله درون‌گروهی، شرایط طبقه‌بندی قلم مصون‌شده را احراز نمی‌کند. این وضعیت، معمولاً برای پرداختهای حق امتیاز، پرداختهای بهره یا هزینه‌های مدیریتی بین اعضای همان گروه مصداق دارد، مگر اینکه معامله برون‌سازمانی مرتبطی وجود داشته باشد. با وجود این، چنانچه ریسک ارز معامله درون‌گروهی

پیش‌بینی‌شده بر سود یا زیان تلفیقی تأثیر داشته باشد، معامله درون‌گروهی می‌تواند شرایط قلم‌مصون‌شده را احراز کند. نمونه‌ای از این مورد، فروش یا خرید پیش‌بینی‌شده موجودیها بین اعضای یک گروه است در صورتی که موجودی بعداً به شخص برون‌سازمانی فروخته شود. همچنین، فروش درون‌گروهی پیش‌بینی‌شده ماشین‌آلات و تجهیزات از واحد تجاری عضو گروه که آن را برای عضو دیگری از گروه ساخته است که ماشین‌آلات و تجهیزات مذکور را در عملیات خود استفاده می‌کند، ممکن است بر سود یا زیان تلفیقی تأثیر داشته باشد. برای مثال، این موضوع می‌تواند به این دلیل رخ دهد که ماشین‌آلات و تجهیزات توسط واحد تجاری خریدار مستهلک می‌شود و مبلغ اولیه شناسایی‌شده برای ماشین‌آلات و تجهیزات در صورتی که معامله درون‌گروهی پیش‌بینی‌شده، بر حسب واحد پولی غیر از واحد پول عملیاتی واحد تجاری خریدار تعیین شده باشد، ممکن است تغییر کند.

رب99ب. در صورتی که مصون‌سازی معامله درون‌گروهی پیش‌بینی‌شده، شرایط حسابداری مصون‌سازی را احراز کند، هرگونه سود یا زیانی که طبق بند 95(الف) در سایر اقلام سود و زیان جامع شناسایی می‌شود، باید در همان دوره یا دوره‌هایی که در آن ریسک ارز معامله مصون‌شده بر سود یا زیان تلفیقی تأثیر می‌گذارد به عنوان تعدیل تجدید طبقه‌بندی، از حقوق مالکانه به سود یا زیان دوره تجدید طبقه‌بندی شود.

رب99ب(الف). واحد تجاری می‌تواند تمام تغییرات در جریانهای نقدی یا ارزش منصفانه قلم‌مصون‌شده را در یک رابطه مصون‌سازی اختصاص دهد. همچنین، واحد تجاری می‌تواند تنها تغییرات در جریانهای نقدی یا ارزش منصفانه قلم‌مصون‌شده که بالاتر یا پایین‌تر از قیمتی مشخص یا متغیری دیگر (ریسک یکطرفه) است را اختصاص دهد. ارزش ذاتی ابزار مصون‌سازی به شکل اختیار معامله خریداری‌شده (با فرض اینکه شرایط اصلی آن با ریسک اختصاص‌یافته یکسان باشد)، اما نه ارزش زمانی آن، منعکس‌کننده ریسک یکطرفه در یک قلم‌مصون‌شده است. برای مثال، واحد تجاری می‌تواند نوسان پیامدهای جریانهای نقدی آتی ناشی از

افزایش قیمت خرید پیش‌بینی‌شده کالا را اختصاص دهد. در چنین شرایطی، تنها از دست دادن جریانهای نقدی که ناشی از افزایش قیمت به بالاتر از سطح مشخصی است، اختصاص می‌یابد. ریسک مصون‌شده، ارزش زمانی اختیار معامله خریداری‌شده را دربرنمی‌گیرد زیرا ارزش زمانی جزئی از معامله پیش‌بینی‌شده‌ای که بر سود یا زیان دوره تأثیر می‌گذارد، نیست (بند 86 (ب)).

اختصاص ارقام مالی به عنوان ارقام مصون‌شده (بندهای 81 و 81الف)

رب99پ. در صورتی که قسمتی از جریانهای نقدی دارایی مالی یا بدهی مالی، به عنوان قلم مصون‌شده اختصاص یابد، قسمت مصون‌شده باید کمتر از کل جریانهای نقدی دارایی یا بدهی باشد. برای مثال، در مورد بدهی که نرخ بهره مؤثر آن کمتر از نرخ لایبور باشد، واحد تجاری نمی‌تواند (الف) قسمتی از بدهی برابر با مبلغ اصل به اضافه بهره به نرخ لایبور و (ب) قسمت باقیمانده منفی را اختصاص دهد. با وجود این، ممکن است واحد تجاری تمام جریانهای نقدی کل دارایی مالی یا بدهی مالی را به عنوان قلم مصون‌شده اختصاص دهد و آنها را تنها در مقابل ریسکی مشخص مصون کند (برای مثال، تنها در مقابل تغییراتی که قابل انتساب به تغییرات در نرخ لایبور است). برای مثال، در مورد بدهی مالی که نرخ بهره مؤثر آن 100 واحد مبنا کمتر از نرخ لایبور است، واحد تجاری می‌تواند کل بدهی را به عنوان قلم مصون‌شده اختصاص دهد (یعنی اصل به اضافه بهره به نرخ لایبور منهای 100 واحد مبنا) و تغییر در ارزش منصفانه یا جریانهای نقدی کل آن بدهی که قابل انتساب به تغییرات در لایبور است را مصون کند. همچنین، ممکن است واحد تجاری به منظور بهبود اثربخشی مصون‌سازی به شرح بند رب100، نسبت مصون‌سازی غیر از یک به یک را انتخاب کند.

رب99ت. افزون بر این، در صورتی که ابزار مالی با نرخ ثابت در زمانی بعد از ایجاد، مصون شود و نرخهای بهره در این فاصله تغییر کند، واحد تجاری می‌تواند قسمتی برابر با نرخ مبنایی که بیشتر از نرخ قراردادی پرداختی بابت آن قلم است را اختصاص دهد. واحد تجاری در صورتی مجاز به انجام چنین کاری است که نرخ مبنا کمتر از نرخ بهره

مؤثری باشد که با این فرض که واحد تجاری ابزار را در نخستین روز اختصاص به عنوان قلم مصون‌شده، خریداری کرده، محاسبه شده است. برای مثال، فرض کنید واحد تجاری یک دارایی مالی با نرخ ثابت، به مبلغ 100 واحد پول ایجاد کند که نرخ بهره مؤثر آن، در زمانی که نرخ لایبور 4 درصد است، 6 درصد می‌باشد. مصون‌سازی این دارایی زمانی آغاز می‌شود که نرخ لایبور به 8 درصد افزایش یافته و ارزش منصفانه دارایی به 90 واحد پول کاهش یافته است. واحد تجاری محاسبه می‌کند که اگر دارایی را در تاریخی که برای نخستین بار به عنوان قلم مصون‌شده اختصاص داده است، به ارزش منصفانه 90 واحد پول خریداری می‌کرد، بازده مؤثر 9/5 درصد بود. از آنجا که نرخ لایبور کمتر از این بازده مؤثر است، واحد تجاری می‌تواند بخش لایبور 8 درصد را که قسمتی از آن، جریانهای نقدی قراردادی بهره و قسمتی تفاوت بین ارزش منصفانه فعلی (یعنی 90 واحد پول) و مبلغ قابل بازپرداخت در سررسید (یعنی 100 واحد پول) است، اختصاص دهد.

رب99ث. بند 81 به واحد تجاری اجازه می‌دهد، مواردی غیر از کل تغییر در ارزش منصفانه یا نوسان در جریانهای نقدی ابزار مالی را اختصاص دهد. برای مثال:

الف. کل جریانهای نقدی ابزار مالی ممکن است بابت تغییر در جریانهای نقدی یا ارزش منصفانه قابل انتساب به برخی (اما نه تمام) ریسکها اختصاص یابد؛ یا

ب. برخی (اما نه تمام) جریانهای نقدی ابزار مالی ممکن است بابت تغییر در جریانهای نقدی یا ارزش منصفانه قابل انتساب به تمام یا تنها برخی ریسکها اختصاص یابد (یعنی "قسمتی" از جریانهای نقدی ابزار مالی می‌تواند بابت تغییرات قابل انتساب به تمام یا تنها برخی ریسکها اختصاص یابد).

رب99ج. برای احراز شرایط حسابداری مصون‌سازی، ریسکها و قسمتهای اختصاص‌یافته باید اجزایی از ابزارهای مالی باشند که جداگانه قابل تشخیص است و تغییرات در جریانهای نقدی یا ارزش منصفانه کل

ابزار مالی ناشی از تغییرات در ریسکها و قسمت‌های اختصاص‌یافته، باید به‌گونه‌ای قابل اتکا قابل‌اندازه‌گیری باشد. برای مثال:

الف. برای یک ابزار مالی با نرخ ثابت که در مقابل تغییرات در ارزش منصفانه قابل انتساب به تغییرات در نرخ بهره بدون ریسک یا مبنا مصون شده است، بطور معمول نرخ بدون ریسک یا مبنا به عنوان جزء جداگانه قابل تشخیص ابزار مالی و قابل اندازه‌گیری به‌گونه‌ای قابل اتکا، اختصاص می‌یابد.

ب. تورم، جداگانه قابل تشخیص نیست و نمی‌توان آن را به‌گونه‌ای قابل اتکا اندازه‌گیری کرد و نمی‌توان آن را به عنوان ریسک یا قسمتی از ابزار مالی اختصاص داد مگر اینکه الزامات قسمت (پ) احراز شود.

پ. قسمت تورمی مشخص‌شده طبق قرارداد جریانهای نقدی اوراق قرضه وابسته به تورم شناسایی‌شده (با فرض اینکه الزامی برای به حساب گرفتن جداگانه ابزار مشتقه تعبیه‌شده وجود ندارد) تا زمانی که قسمت تورمی بر سایر جریانهای نقدی آن ابزار تأثیر نگذارد، بطور جداگانه قابل تشخیص و به‌گونه‌ای قابل اتکا قابل اندازه‌گیری است.

اختصاص اقلام غیرمالی به عنوان اقلام مصون‌شده (بند 82)

رب100. تغییر در قیمت اجزای دارایی غیرمالی یا بدهی غیرمالی، معمولاً بر قیمت آن اقلام تأثیری قابل پیش‌بینی که بطور جداگانه قابل اندازه‌گیری باشد، ندارد که، برای مثال، با تأثیر تغییر در نرخهای بهره بازار بر قیمت اوراق قرضه قابل مقایسه باشد. بنابراین دارایی غیرمالی یا بدهی غیرمالی، تنها بطور کامل یا در مقابل ریسک ارز، قلم مصون‌شده محسوب می‌شود. اگر تفاوتی بین شرایط ابزار مصون‌سازی و قلم مصون‌شده وجود داشته باشد (نظیر مصون‌سازی خرید پیش‌بینی‌شده قهوه برزیلی با استفاده از پیمان آتی خرید قهوه کلمبیایی با شرایط مشابه به نحو دیگر)، رابطه مصون‌سازی در صورتی می‌تواند

واجد شرایط مصون‌سازی شود که تمام شرایط بند 88 احراز شود، از جمله اینکه انتظار رود مصون‌سازی بسیار اثربخش باشد. برای این منظور، مبلغ ابزار مصون‌سازی ممکن است با هدف بهبود اثربخشی رابطه مصون‌سازی، از قلم مصون‌شده بیشتر یا کمتر باشد. برای مثال، برای تعیین رابطه آماری بین قلم مصون‌شده (برای مثال، معامله قهوه برزیلی) و ابزار مصون‌سازی (برای مثال، معامله قهوه کلمبیایی) می‌توان از تحلیل رگرسیون استفاده کرد. در صورتی که رابطه آماری معناداری بین دو متغیر (یعنی بین قیمت هر واحد قهوه برزیلی و قهوه کلمبیایی) وجود داشته باشد، از شیب خط رگرسیون می‌توان برای تعیین نسبت مصون‌سازی که اثربخشی مورد انتظار را حداکثر می‌کند، استفاده کرد. برای مثال، در صورتی که شیب خط رگرسیون $1/02$ باشد، نسبت مصون‌سازی بر مبنای مقدار $0/98$ اقلام مصون‌شده در برابر مقدار $1/00$ ابزار مصون‌سازی، اثربخشی مورد انتظار را حداکثر می‌کند. با وجود این، رابطه مصون‌سازی ممکن است منجر به عدم اثربخشی شود که در طول دوره زمانی رابطه مصون‌سازی در سود یا زیان دوره شناسایی می‌شود.

اختصاص گروهی از اقلام به عنوان اقلام مصون‌شده (بندهای 83 و 84)

رب101. مصون‌سازی کل یک وضعیت خالص (برای مثال خالص تمام داراییهای با نرخ ثابت و بدهیهای با نرخ ثابت با سررسیدهای مشابه)، به جای یک قلم مصون‌شده خاص، شرایط حسابداری مصون‌سازی را احراز نمی‌کند. با وجود این، از طریق اختصاص قسمتی از اقلام پایه به عنوان قلم مصون‌شده، تقریباً می‌توان به همان تأثیر حسابداری مصون‌سازی بر سود یا زیان دوره در این نوع رابطه مصون‌سازی دست یافت. برای مثال، در صورتی که یک بانک داراییهایی به مبلغ 100 واحد پول و بدهیهایی به مبلغ 90 واحد پول با ریسکها و شرایط با ماهیت مشابه داشته باشد و ریسک خالص 10 واحد پول را مصون کند، 10 واحد پول از این داراییها را می‌تواند به عنوان قلم مصون‌شده اختصاص دهد. این اختصاص در صورتی می‌تواند استفاده شود که این داراییها و بدهیها ابزارهای با نرخ ثابت باشند، که این حالت، مصون‌سازی ارزش منصفانه است، یا در صورتی که ابزار با نرخ متغیر باشند، مصون‌سازی جریانهای نقدی محسوب می‌شود. همچنین، در صورتی که واحد تجاری تعهد قطعی خرید ارزی به مبلغ

100 واحد پول و تعهد قطعی فروش ارزی به مبلغ 90 واحد پول داشته باشد، می‌تواند مبلغ خالص 10 واحد پول را از طریق تحصیل ابزار مشتقه و اختصاص آن به عنوان ابزار مصون‌سازی مربوط، با 10 واحد پول از تعهد قطعی خرید به مبلغ 100 واحد پول، مصون کند.

حسابداری مصون‌سازی (بندهای 85 تا 102)

رب102. نمونه‌ای از مصون‌سازی ارزش منصفانه، مصون‌سازی آسیب‌پذیری از تغییرات در ارزش منصفانه ابزار بدهی با نرخ ثابت در نتیجه تغییر در نرخهای ثابت است. ناشر یا دارنده ابزار می‌توانند اقدام به این مصون‌سازی کنند.

رب103. نمونه‌ای از مصون‌سازی جریانهای نقدی، بکارگیری سواپ برای تغییر بدهی با نرخ شناور به بدهی با نرخ ثابت است (یعنی مصون‌سازی معامله آتی که در آن جریانهای نقدی آتی مصون‌شده، پرداختهای بهره آتی است).

رب104. مصون‌سازی تعهد قطعی (برای مثال، مصون‌سازی تغییر در قیمت سوخت که به تعهد قراردادی شناسایی‌نشده توسط یک شرکت تولید و توزیع نیروی برق برای خرید سوخت به قیمتی ثابت مربوط است)، مصون‌سازی آسیب‌پذیری از تغییر در ارزش منصفانه تلقی می‌شود. در نتیجه، این مصون‌سازی، مصون‌سازی ارزش منصفانه تلقی می‌شود. با وجود این، طبق بند 87، مصون‌سازی ریسک ارز تعهد قطعی می‌تواند به عنوان مصون‌سازی جریان نقدی نیز اختصاص یابد.

ارزیابی اثربخشی مصون‌سازی

رب105. تنها در صورتی که هر دو شرط زیر تحقق یابد، مصون‌سازی بسیار اثربخش محسوب می‌شود:

الف. در آغاز مصون‌سازی و در دوره‌های بعد، انتظار رود مصون‌سازی در تهاثر تغییرات در ارزش منصفانه یا جریانهای نقدی قابل انتساب به ریسک مصون‌شده طی دوره‌ای که مصون‌سازی برای آن اختصاص یافته است، بسیار اثربخش باشد. این انتظار می‌تواند به شیوه‌های مختلفی، از جمله مقایسه تغییرات گذشته در ارزش منصفانه یا جریانهای نقدی قلم مصون‌شده که قابل انتساب به ریسک مصون‌شده است با تغییرات گذشته ارزش منصفانه یا جریانهای نقدی ابزار مصون‌سازی، یا از طریق اثبات همبستگی آماری

بالا بین ارزش منصفانه یا جریانهای نقدی قلم
مصون‌شده و ابزار مصون‌سازی مشخص شود. ممکن
است واحد تجاری نسبت مصون‌سازی به غیر از یک
به یک را به منظور بهبود اثربخشی مصون‌سازی،
چنانکه در بند رب100 بیان شد، انتخاب کند.

ب. نتایج واقعی مصون‌سازی در دامنه 80 تا 125
درصد قرار گیرد. برای مثال، در صورتی که
نتایج واقعی بگونه‌ای باشد که زیان ابزار
مصون‌سازی 120 واحد پول و سود ابزار نقد 100
واحد پول باشد، نسبت تهاتر می‌تواند به صورت
120/100 اندازه‌گیری شود، که 120 درصد است، یا
به صورت 100/120 که 83 درصد است، اندازه‌گیری
شود. در این مثال، با فرض اینکه مصون‌سازی
شرط (الف) را احراز می‌کند، واحد تجاری
نتیجه می‌گیرد که مصون‌سازی بسیار اثربخش
بوده است.

رب106. اثربخشی، حداقل در زمانی که واحد تجاری
صورت‌های مالی سالانه یا میان‌دوره‌ای تهیه می‌کند،
ارزیابی می‌شود.

رب107. این استاندارد روش واحدی را برای ارزیابی
اثربخشی مصون‌سازی تعیین نمی‌کند. روشی که واحد
تجاری برای ارزیابی اثربخشی مصون‌سازی استفاده
می‌کند، به راهبرد مدیریت ریسک واحد تجاری بستگی
دارد. برای مثال، در صورتی که راهبرد مدیریت ریسک
واحد تجاری، تعدیل مبلغ ابزار مصون‌سازی به صورت
ادواری باشد تا تغییرات در وضعیت مصون‌سازی را
منعکس کند، واحد تجاری باید نشان دهد انتظار
می‌رود مصون‌سازی تنها برای دوره منتهی به زمانی که
مبلغ ابزار مصون‌سازی مجدداً تعدیل می‌شود، بسیار
اثربخش است. در برخی موارد، واحد تجاری روش‌های
متفاوتی را برای انواع مختلف مصون‌سازی بکار
می‌گیرد. مستندسازی راهبرد مصون‌سازی توسط واحد
تجاری شامل روش‌های ارزیابی اثربخشی است. این
روش‌ها بیان می‌کنند که آیا ارزیابی، تمام سود یا
زیان ابزار مصون‌سازی را دربرمی‌گیرد یا اینکه ارزش
زمانی ابزار نادیده گرفته شده است یا خیر.

رب107 الف. در صورتی که واحد تجاری کمتر از 100 درصد
آسیب‌پذیری یک قلم را مصون کند، برای مثال 85
درصد، باید قلم مصون‌شده را به عنوان قلمی که 85

درصد آسیب‌پذیری آن را مصون کرده است، اختصاص دهد و باید عدم اثربخشی را بر مبنای تغییر در 85 درصد آسیب‌پذیری اختصاص داده شده، اندازه‌گیری کند. با وجود این، هنگام مصون‌سازی 85 آسیب‌پذیری اختصاص داده شده ممکن است واحد تجاری از نسبت مصون‌سازی غیر از یک به یک استفاده کند، مشروط بر اینکه این نسبت اثربخشی مورد انتظار مصون‌سازی را، طبق توضیحات بند رب100 بهبود بخشد.

رب108. در صورتی که شرایط اصلی ابزار مصون‌سازی و دارایی، بدهی، تعهد قطعی یا معامله پیش‌بینی‌شده بسیار محتمل مصون‌شده یکسان باشد، این احتمال می‌تواند وجود داشته باشد که تغییرات در ارزش منصفانه و جریانهای نقدی قابل انتساب به ریسک مصون‌شده، هم زمانی که مصون‌سازی آغاز می‌شود و هم پس از آن، یکدیگر را تهاتر کنند. برای مثال اگر مبلغ اسمی و مبلغ اصل، دوره زمانی، تاریخهای قیمت‌گذاری مجدد، تاریخهای دریافت و پرداخت بهره و اصل، و مبنای اندازه‌گیری نرخهای بهره ابزار مصون‌سازی و قلم مصون‌شده یکسان باشد، این احتمال وجود دارد که سواپ نرخ بهره، یک مصون‌سازی اثربخش باشد. افزون‌بر این، احتمال دارد که مصون‌سازی خرید پیش‌بینی‌شده بسیار محتمل کالا با یک پیمان آتی، بسیار اثربخش باشد اگر:

الف. پیمان آتی برای خرید همان مقدار از همان کالا در همان زمان و مکان، خرید پیش‌بینی‌شده مصون‌شده باشد؛

ب. ارزش منصفانه پیمان آتی در آغاز صفر باشد؛
و

پ. تغییر در صرف یا کسر پیمان آتی، در ارزیابی اثربخشی منظور نشود و در سود یا زیان دوره شناسایی شود یا تغییر در جریانهای نقدی مورد انتظار معامله پیش‌بینی‌شده بسیار محتمل، بر مبنای قیمت آتی کالا باشد.

رب109. برخی مواقع، ابزار مصون‌سازی تنها قسمتی از ریسک مصون‌شده را تهاتر می‌کند. برای مثال، در صورتی که ابزار مصون‌سازی و قلم مصون‌شده بر حسب واحدهای پول متفاوتی بیان شوند که در یک جهت حرکت نمی‌کنند، مصون‌سازی بطور کامل اثربخش نخواهد بود. همچنین، مصون‌سازی ریسک نرخ بهره با استفاده از

ابزار مشتقه، در صورتی که قسمتی از تغییر در ارزش منصفانه ابزار مشتقه به ریسک اعتباری طرف مقابل قابل انتساب باشد، بطور کامل اثربخش نخواهد بود.

رب110. برای احراز شرایط حسابداری مصون‌سازی، مصون‌سازی باید به یک ریسک مشخص و اختصاص‌یافته، و نه صرفاً به ریسکهای تجاری عمومی واحد تجاری، ارتباط داده شود، و باید در نهایت بر سود یا زیان واحد تجاری تأثیر گذارد. مصون‌سازی ریسک نابابی دارایی فیزیکی یا ریسک مصادره املاک توسط دولت، واجد شرایط حسابداری مصون‌سازی نیست؛ اثربخشی آن را نمی‌توان اندازه‌گیری کرد زیرا این ریسکها به‌گونه‌ای قابل اتکا قابل اندازه‌گیری نیستند.

رب110الف. بند 74(الف) به واحد تجاری اجازه می‌دهد ارزش ذاتی و ارزش زمانی قرارداد اختیار معامله را تفکیک کند و تنها تغییر در ارزش ذاتی قرارداد اختیار معامله را به عنوان ابزار مصون‌سازی اختصاص دهد. چنین اختصاصی می‌تواند منجر به یک رابطه مصون‌سازی شود که اگر شرایط اصلی معامله پیش‌بینی‌شده و ابزار مصون‌سازی یکسان باشد، برای تهاتر تغییرات در جریانهای نقدی قابل انتساب به ریسک یکطرفه مصون‌شده معامله پیش‌بینی‌شده، بطور کامل اثربخش باشد.

رب110ب. در صورتی که واحد تجاری اختیار معامله خریداری‌شده را بطور کامل به عنوان ابزار مصون‌سازی ریسک یکطرفه ناشی از معامله پیش‌بینی‌شده اختصاص دهد، رابطه مصون‌سازی کاملاً اثربخش نخواهد بود. این بدان دلیل است که صرف پرداختی بابت اختیار معامله، دربرگیرنده ارزش زمانی است و همان‌طور که در بند رب99الف اشاره شد، ریسک یکطرفه اختصاص‌یافته، دربرگیرنده ارزش زمانی اختیار معامله نیست. بنابراین، در این شرایط، هیچ تهاتری بین جریانهای نقدی مربوط به ارزش زمانی صرف پرداختی اختیار معامله و ریسک مصون‌شده اختصاص‌یافته وجود نخواهد داشت.

رب111. در مورد ریسک نرخ بهره، اثربخشی مصون‌سازی می‌تواند با تهیه زمانبندی سررسید داراییهای مالی و بدهیهای مالی که خالص آسیب‌پذیری نرخ بهره را برای هر دوره زمانی نشان می‌دهد، ارزیابی شود، مشروط بر اینکه خالص آسیب‌پذیری به دارایی یا بدهی

خاصی (یا گروه خاصی از داراییها یا بدهیها یا قسمت مشخصی از آنها) که منجر به آن آسیبپذیری خالص می‌شود، مربوط باشد و اثربخشی مصون‌سازی در مقابل آن دارایی یا بدهی ارزیابی شود.

رب112. برای ارزیابی اثربخشی مصون‌سازی، به‌طور معمول، واحد تجاری ارزش زمانی پول را در نظر می‌گیرد. نرخ بهره ثابت قلم مصون‌شده الزاماً نباید دقیقاً با نرخ بهره ثابت سواپ اختصاص‌یافته برای مصون‌سازی ارزش منصفانه، مطابقت داشته باشد. نرخ بهره متغیر دارایی یا بدهی بهره‌دار نیز الزاماً نباید با نرخ بهره متغیر سواپ اختصاص‌یافته برای مصون‌سازی جریانهای نقدی یکسان باشد. ارزش منصفانه سواپ، ناشی از تسویه خالص آن است. نرخهای متغیر و ثابت سواپ، اگر به مبلغ یکسانی تغییر کند، می‌تواند بدون تأثیرگذاری بر تسویه خالص تغییر کند.

رب113. در صورتی که واحد تجاری معیارهای اثربخشی مصون‌سازی را احراز نکند، حسابداری مصون‌سازی را از آخرین تاریخی که در آن انطباق با اثربخشی مصون‌سازی اثبات شده است، متوقف می‌کند. با وجود این، در صورتی که واحد تجاری رویداد یا تغییر در شرایطی را تشخیص دهد که موجب شده است رابطه مصون‌سازی معیارهای اثربخشی را احراز نکند، و نشان دهد که مصون‌سازی قبل از وقوع رویداد یا تغییر در شرایط اثربخش بوده است، حسابداری مصون‌سازی را از تاریخ آن رویداد یا تغییر در شرایط متوقف می‌کند.

رب113الف. برای جلوگیری از ابهام، آثار جایگزینی طرف اولیه با طرف پایاپای‌کننده و ایجاد تغییرات مربوط طبق بندهای 91 (الف) (2) و 101 (الف) (2)، باید در اندازه‌گیری ابزار مصون‌سازی و در نتیجه، در ارزیابی اثربخشی مصون‌سازی و اندازه‌گیری اثربخشی مصون‌سازی منعکس شود.

حسابداری مصون‌سازی ارزش منصفانه برای مصون‌سازی ریسک بهره پرتفوی

رب114. برای مصون‌سازی ارزش منصفانه ریسک بهره مربوط به پرتفوی داراییهای مالی یا بدهیهای مالی، واحد تجاری در صورتی الزامات این استاندارد را احراز می‌کند که روشهای تعیین‌شده در بندهای (الف) تا (خ) و بندهای رب115 تا رب132 زیر را رعایت کند.

الف. به عنوان قسمتی از فرایند مدیریت ریسک، واحد تجاری پرتفویی از اقلامی را که می‌خواهد نرخ بهره آن را مصون کند، مشخص می‌نماید. این پرتفوی ممکن است متشکل از فقط داراییها، فقط بدهیها یا ترکیبی از داراییها و بدهیها باشد. واحد تجاری ممکن است دو یا چند پرتفوی داشته باشد (برای مثال، واحد تجاری ممکن است داراییهای آماده برای فروش را در پرتفویی جداگانه جمع کند)، که در این حالت، رهنمودهای زیر را بطور جداگانه برای هر پرتفوی بکار می‌گیرد.

ب. واحد تجاری بر مبنای تاریخهای قیمتگذاری مجدد مورد انتظار، نه تاریخهای قراردادی، پرتفوی را در دوره‌های زمانی قیمتگذاری مجدد، تجزیه می‌کند. تجزیه دوره‌های زمانی قیمتگذاری ممکن است به شیوه‌های مختلفی انجام شود، از جمله زمانبندی جریانهای نقدی به دوره‌های زمانی که انتظار می‌رود در آن واقع شود، یا زمانبندی مبالغ اسمی اصل در تمام دوره‌های زمانی تا زمانی که انتظار می‌رود قیمتگذاری مجدد واقع شود.

پ. بر مبنای این تجزیه، واحد تجاری نسبت به مبلغی که می‌خواهد مصون کند، تصمیم می‌گیرد. واحد تجاری مبلغی از داراییها یا بدهیهای پرتفوی مشخص‌شده را (اما نه مبلغ خالص) برابر با مبلغی که می‌خواهد برای مصون‌سازی اختصاص دهد، به عنوان قلم مصون‌شده اختصاص می‌دهد. همچنین این مبلغ، درصدی را که برای آزمون اثربخشی طبق بند رب126 (ب) استفاده می‌شود، تعیین می‌کند.

ت. واحد تجاری ریسک نرخ بهره‌ای را که مصون می‌شود، اختصاص می‌دهد. این ریسک می‌تواند قسمتی از ریسک نرخ بهره هر یک از اقلام در وضعیت مصون‌شده، نظیر نرخ بهره مبنای (برای مثال نرخ لایبور) باشد.

ث. واحد تجاری یک یا چند ابزار مصون‌سازی را برای هر یک از دوره‌های زمانی قیمتگذاری مجدد اختصاص می‌دهد.

ج. با استفاده از تخصیص‌های صورت‌گرفته در قسمت‌های (پ) تا (ث) بالا، واحد تجاری در آغاز و در دوره‌های بعد، این موضوع را ارزیابی می‌کند که طی دوره‌ای که مصون‌سازی برای آن تخصیص می‌یابد، انتظار می‌رود مصون‌سازی بسیار اثربخش باشد یا خیر.

چ. به صورت ادواری، واحد تجاری بر مبنای تاریخهای قیمت‌گذاری مجدد مورد انتظار تعیین‌شده در قسمت (ب)، تغییر در ارزش منصفانه قلم مصون‌شده (به‌گونه‌ای که در قسمت (پ) اختصاص یافت) را که به ریسک مصون‌شده (به‌گونه‌ای که در قسمت (ت) اختصاص یافت) قابل انتساب است، اندازه‌گیری می‌کند. در صورتی که ارزیابی مصون‌سازی با استفاده از روش مستندشده واحد تجاری برای ارزیابی اثربخشی، نشان دهد که مصون‌سازی در واقع بسیار اثربخش بوده است، واحد تجاری تغییر در ارزش منصفانه قلم مصون‌شده را در سود یا زیان دوره به عنوان سود یا زیان و در یکی از دو قلم اصلی صورت وضعیت مالی طبق بند 89 الف، شناسایی می‌کند. ضرورتی ندارد تغییر در ارزش منصفانه، به دارایی یا بدهی واحدی اختصاص یابد.

ح. واحد تجاری تغییر در ارزش منصفانه ابزار(های) مصون‌سازی (به‌گونه‌ای که در قسمت (ث) اختصاص داده شد) را اندازه‌گیری و آن را به عنوان سود یا زیان در سود یا زیان دوره شناسایی می‌کند. ارزش منصفانه ابزار(های) مصون‌سازی در صورت وضعیت مالی به عنوان دارایی یا بدهی شناسایی می‌شود.

خ. هرگونه عدم اثربخشی⁴ به عنوان تفاوت بین تغییر در ارزش منصفانه مورد اشاره در قسمت‌های (چ) و (ح)، در سود یا زیان دوره شناسایی می‌شود.

رب115. این رویکرد در ادامه با تفصیل بیشتر بیان می‌شود. این رویکرد تنها باید برای مصون‌سازی ارزش

⁴ ملاحظات مربوط به اهمیت در این استاندارد با ملاحظات بکار رفته در سایر استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی یکسان است.

منصفانه ریسک نرخ بهره مربوط به پرتفوی داراییهای مالی یا بدهیهای مالی استفاده شود.

رب116. پرتفوی مشخص‌شده در بند رب114(الف) می‌تواند شامل داراییها و بدهیها باشد. همچنین می‌تواند پرتفویی باشد که تنها دربرگیرنده داراییها، یا تنها دربرگیرنده بدهیها است. این پرتفوی برای تعیین مبلغ داراییها یا بدهیهایی که واحد تجاری می‌خواهد مصون کند، استفاده می‌شود. با وجود این، این پرتفوی، خود به عنوان قلم مصون‌شده اختصاص نمی‌یابد.

رب117. برای بکارگیری بند رب114(ب)، واحد تجاری تاریخ قیمتگذاری مجدد مورد انتظار قلم را به عنوان نزدیکترین تاریخ از بین تاریخی که انتظار می‌رود آن قلم سررسید شود یا بر اساس نرخهای بازار قیمتگذاری مجدد مورد انتظار در آغاز مصون‌سازی و در سراسر دوره مصون‌سازی، بر مبنای تجربه گذشته و سایر اطلاعات در دسترس، شامل اطلاعات و انتظارات مربوط به نرخهای تسویه پیش از سررسید، نرخهای بهره و ارتباط متقابل بین آنها برآورد می‌شود. واحدهای تجاری که هیچ تجربه‌ای مختص به خود ندارند یا تجربه کافی ندارند، از تجربه گروه همانند خود برای ابزارهای مالی مشابه استفاده می‌کنند. این برآوردها به صورت ادواری تجدیدنظر می‌شود و براساس تجربه به‌روز می‌گردد. در مورد قلم با نرخ ثابتی که قابل تسویه پیش از سررسید است، تاریخ قیمتگذاری مجدد مورد انتظار، تاریخی است که در آن تاریخ، انتظار می‌رود قلم مذکور پیش از سررسید تسویه شود مگر اینکه در تاریخی نزدیکتر بر اساس نرخهای بازار مجدداً قیمتگذاری شود. برای گروهی از اقلام مشابه، تجزیه و تحلیل در دوره‌های زمانی بر مبنای تاریخیهای قیمتگذاری مجدد مورد انتظار، ممکن است به شکل تخصیص درصدی از گروه، به جای تکتک اقلام، به هر دوره زمانی باشد. ممکن است واحد تجاری از روشهای دیگری برای مقاصد چنین تخصیصهایی استفاده کند. برای مثال، ممکن است از ضریب نرخ تسویه بیش از سررسید برای اختصاص وامهای استهلاکی به دوره‌های زمانی بر مبنای تاریخیهای قیمتگذاری مجدد مورد انتظار، استفاده کند. با وجود این، روش چنین

تخصیصی باید طبق روشها و اهداف مدیریت ریسک واحد تجاری باشد.

رب118. به عنوان مثالی از اختصاص تشریح‌شده در بند رب114(پ)، در صورتی که در دوره زمانی قیمت‌گذاری مجدد خاصی، واحد تجاری برآورد کند که داراییهایی با نرخ ثابت به مبلغ 100 واحد پول و بدهیهایی با نرخ ثابت به مبلغ 80 واحد پول دارد و تصمیم بگیرد کل وضعیت خالص 20 واحد پول را مصون کند، داراییهایی به مبلغ 20 واحد پول را به عنوان قلم مصون‌شده اختصاص می‌دهد (قسمتی از داراییها)⁵. اختصاص به صورت "مبلغی از واحد پول" (برای مثال مبلغ دلار، یورو، پوند یا راند) بیان می‌شود، نه به صورت داراییهای منفرد. همچنین، تمام داراییها (یا بدهیها) که مبلغ مصون‌شده از آنها استخراج می‌شود- یعنی تمام 100 واحد پول داراییهای مثال بالا- باید:

الف. اقلامی باشند که ارزش منصفانه آنها در واکنش به تغییرات نرخ بهره مصون‌شده تغییر می‌کند؛ و

ب. اقلامی باشند که چنانچه به صورت منفرد به عنوان قلم مصون‌شده اختصاص یابند، شرایط حسابداری مصون‌سازی ارزش منصفانه را احراز کنند. به ویژه، از آنجا که استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 13⁶ تصریح می‌کند که ارزش منصفانه بدهی مالی با ویژگی دیداری (مانند سپرده‌های دیداری و برخی انواع سپرده‌های مدت‌دار) از مبلغ قابل پرداخت هنگام مطالبه، یعنی تنزیل‌شده از نخستین تاریخی که پرداخت آن مبلغ می‌تواند الزامی شود، کمتر نیست، چنین قلمی نمی‌تواند شرایط حسابداری مصون‌سازی ارزش منصفانه را برای دوره زمانی احراز کند که فراتر از کوتاه‌ترین دوره‌ای است که در آن، دارنده می‌تواند درخواست پرداخت کند. در مثال بالا، وضعیت

⁵ این استاندارد به واحد تجاری اجازه می‌دهد هر مبلغی از داراییها یا بدهیهای واجد شرایط در دسترس را، یعنی در این مثال هر مبلغی از داراییها بین 0 واحد پول و 100 واحد پول، اختصاص دهد.

⁶ به بند 49 مراجعه شود.

مصون‌شده، مبلغ داراییها است. بنابراین، چنین بدهیهایی قسمتی از قلم مصون‌شده اختصاص‌یافته محسوب نمی‌شوند، بلکه برای تعیین مبلغ دارایی که به عنوان مصون‌شده اختصاص می‌یابد، توسط واحد تجاری مورد استفاده قرار می‌گیرند. چنانچه وضعیتی که واحد تجاری تمایل به مصون‌سازی آن دارد، مبلغی از بدهیها باشد، مبلغی که معرف قلم مصون‌شده اختصاص‌یافته است باید از بدهیهای با نرخ ثابت به غیر از بدهیهایی که واحد تجاری ممکن است ملزم به بازپرداخت آنها در دوره زمانی کوتاه‌تری شود، استخراج شود و معیار مورد استفاده برای ارزیابی اثربخشی مصون‌سازی طبق بند رب126(ب)، به عنوان درصدی از سایر بدهیهای این‌چنینی محاسبه شود. برای مثال، فرض کنید واحد تجاری برآورد می‌کند که در دوره زمانی قیمت‌گذاری مجدد خاصی، بدهی با نرخ ثابت معادل 100 واحد پول، متشکل از سپرده‌های دیداری به مبلغ 40 واحد پول و 60 واحد پول سپرده غیردیداری، و دارایی با نرخ ثابت به مبلغ 70 واحد پول داشته باشد. در صورتی که واحد تجاری تصمیم بگیرد کل وضعیت خالص معادل 30 واحد پول را مصون کند، بدهیهایی به مبلغ 30 واحد پول یا 50 درصد⁷ بدهیهای با ویژگی غیردیداری را به عنوان قلم مصون‌شده اختصاص می‌دهد.

رب119. همچنین، واحد تجاری سایر الزامات اختصاص و مستندسازی تعیین‌شده در بند 88(الف) را رعایت می‌کند. برای مصون‌سازی ریسک نرخ بهره پرتفوی، این اختصاص و مستندسازی، سیاست واحد تجاری برای تمام متغیرهای مورد استفاده در تشخیص مبلغی که مصون می‌شود و چگونگی اندازه‌گیری اثربخشی را تعیین می‌کند، از جمله:

الف. کدام داراییها و بدهیها باید در مصون‌سازی پرتفوی منظور شوند و مبنای مورد استفاده برای حذف آنها از پرتفوی.

⁷ درصد 50 = (40 واحد پول - 100 واحد پول) ÷ 30 واحد پول

ب. واحد تجاری چگونه تارixهای قیمت‌گذاری مجدد را برآورد می‌کند، از جمله اینکه کدام مفروضات نرخ بهره، زیربنای برآوردهای نرخهای تسویه پیش از سررسید و مبنای تغییر در این برآوردها است. همین روش، هم برای برآوردهای اولیه در زمانی که دارایی یا بدهی در پرتفوی مصون‌شده منظور می‌شود و هم برای تجدیدنظرهای بعدی در این برآوردها، استفاده می‌شود.

پ. تعداد و مدت زمان دوره‌های قیمت‌گذاری مجدد.

ت. تناوب آزمون اثربخشی توسط واحد تجاری و اینکه کدام دو روش مندرج در بند رب126 را استفاده خواهد کرد.

ث. روش مورد استفاده توسط واحد تجاری برای تعیین مبلغ داراییها یا بدهیهایی که به عنوان قلم مصون‌شده اختصاص یافته است و بر همین اساس، معیار درصدی مورد استفاده در زمانی که واحد تجاری اثربخشی را با استفاده از روش بیان‌شده در بند رب126(ب) آزمون می‌کند.

ج. هنگامی که واحد تجاری اثربخشی را با استفاده از روش بیان‌شده در بند رب126(ب) آزمون می‌کند، اینکه واحد تجاری اثربخشی را برای هر یک از دوره‌های قیمت‌گذاری مجدد به صورت تک تک، برای تمام دوره‌ها به صورت تجمیعی، یا با استفاده از ترکیبی از این دو، آزمون می‌کند.

سیاستهای تعیین‌شده برای اختصاص و مستندسازی رابطه مصون‌سازی، باید طبق روشها و اهداف مدیریت ریسک واحد تجاری باشد. تغییر در سیاستها نباید اختیاری باشد. چنین مواردی باید بر مبنای تغییر در شرایط بازار و سایر عوامل توجیه شود و مبتنی بر روشها و اهداف مدیریت ریسک و سازگار با آنها باشد.

رب120. ابزار مصون‌سازی مورد اشاره در بند رب114(ث)، ممکن است یک ابزار مشتقه واحد یا پرتفویی از ابزارهای مشتقه باشد که تمام آنها از ریسک نرخ بهره مصون‌شده اختصاص‌یافته در بند رب114(ت)،

اثرپذیر هستند (برای مثال، پرتفویی از سواپهای نرخ بهره که تمام آنها از نرخ لایبور اثرپذیر هستند). چنین پرتفویی از ابزارهای مشتقه می‌تواند شامل وضعیتهای تهاثرکننده ریسک باشد. با وجود این، ممکن است دربرگیرنده اختیارات معامله صادرشده یا خالص اختیارات معامله صادرشده نباشد، زیرا استاندارد⁸ اختصاص این اختیارات معامله به عنوان ابزارهای مصون‌سازی را مجاز نمی‌داند (مگر اینکه اختیار معامله صادرشده برای تهاثر اختیار معامله خریداری‌شده اختصاص یابد). در صورتی که ابزار مصون‌سازی، مبلغ اختصاص‌یافته در بند رب114(پ) را برای بیش از یک دوره زمانی قیمت‌گذاری مجدد اختصاص دهد، به تمام دوره‌های زمانی که مصون می‌کند، تخصیص می‌یابد. با وجود این، کل ابزار مصون‌سازی باید به این دوره‌های زمانی قیمت‌گذاری مجدد تخصیص یابد زیرا استاندارد⁹ اختصاص رابطه مصون‌سازی را تنها برای قسمتی از دوره زمانی که در آن، ابزار مصون‌سازی جاری باقی می‌ماند، مجاز نمی‌داند.

رب121. زمانی که واحد تجاری تغییر در ارزش منصفانه قلم قابل تسویه پیش از سررسید را طبق بند رب114(چ) اندازه‌گیری می‌کند، تغییر در نرخهای بهره به دو شیوه بر ارزش منصفانه قلم قابل تسویه پیش از سررسید، تأثیر می‌گذارد: بر ارزش منصفانه جریانهای نقدی قراردادی و بر ارزش منصفانه اختیار تسویه پیش از سررسید که در قلم قابل تسویه پیش از سررسید، منظور شده است. بند 81 استاندارد به واحد تجاری اجازه می‌دهد قسمتی از دارایی مالی یا بدهی مالی را که ریسک مشترکی دارند، به عنوان قلم مصون‌شده اختصاص دهد، مشروط بر اینکه اثربخشی قابل اندازه‌گیری باشد. در مورد اقلام قابل تسویه پیش از سررسید، طبق بند 81(الف)، با اختصاص قلم مصون‌شده برحسب تغییر در ارزش منصفانه قابل انتساب به تغییر در نرخ بهره اختصاص‌یافته بر مبنای تاریخهای قیمت‌گذاری مجدد [مورد انتظار](#)، نه [قراردادی](#)، این امر حاصل می‌شود. با وجود این، تأثیری که تغییر در نرخ بهره مصون‌شده بر تاریخهای قیمت‌گذاری مجدد [مورد انتظار](#) دارد،

⁸ به بندهای 88 و رب94 مراجعه شود

⁹ به بند 75 مراجعه شود

باید در زمان تعیین تغییر در ارزش منصفانه قلم مصون‌شده در نظر گرفته شود. در نتیجه، اگر در تاریخهای قیمت‌گذاری مجدد مورد انتظار تجدیدنظر شود (برای مثال، به منظور انعکاس تغییر در مبلغ تسویه پیش از سررسید مورد انتظار)، یا در صورتی که تاریخهای قیمت‌گذاری مجدد واقعی با تاریخهای مورد انتظار تفاوت داشته باشد، عدم اثربخشی به شرح بند رب126 به وجود می‌آید. در مقابل، تغییر در تاریخهای قیمت‌گذاری مجدد مورد انتظار که (الف) به وضوح ناشی از عواملی غیر از تغییر در نرخ بهره مصون‌شده باشد، (ب) با تغییر در نرخ بهره مصون‌شده همبستگی نداشته باشد و (پ) به‌گونه‌ای قابل اتکا از تغییرات قابل انتساب به نرخ بهره مصون‌شده قابل تفکیک باشد (برای مثال، تغییر در نرخهای تسویه پیش از سررسید که به وضوح ناشی از تغییر در عوامل جمعیت‌شناختی یا مقررات مالیاتی است، نه ناشی از تغییر در نرخ بهره)، هنگام تعیین تغییر در ارزش منصفانه قلم مصون‌شده در نظر گرفته نمی‌شود، زیرا قابل انتساب به ریسک مصون‌شده نیست. در صورتی که در مورد عاملی که منجر به تغییر در تاریخهای قیمت‌گذاری مجدد مورد انتظار شده است عدم اطمینان وجود داشته باشد یا واحد تجاری نتواند به‌گونه‌ای قابل اتکا تغییرات ناشی از نرخ بهره مصون‌شده را از تغییرات ناشی از سایر عوامل تفکیک کند، فرض می‌شود این تغییر ناشی از تغییر در نرخ بهره مصون‌شده است.

رب122. این استاندارد روشهای مورد استفاده برای تعیین مبلغ مورد اشاره در بند رب144 (چ)، یعنی تغییر در ارزش منصفانه قلم مصون‌شده قابل انتساب به ریسک مصون‌شده را مشخص نمی‌کند. در صورتی که روشهای برآورد آماری یا سایر روشهای برآورد برای چنین اندازه‌گیری استفاده شود، مدیریت باید انتظار داشته باشد که نتیجه به دست آمده، تقریبی نزدیک به نتیجه حاصل از اندازه‌گیری تکتک داراییها یا بدهیهای تشکیل‌دهنده قلم مصون‌شده باشد. فرض اینکه تغییرات در ارزش منصفانه قلم مصون‌شده با تغییرات در ارزش ابزار مصون‌سازی برابر است، مناسب نیست.

رب123. طبق بند 89 الف، در صورتی که قلم مصون‌شده برای یک دوره زمانی قیمت‌گذاری مجدد، یک دارایی باشد، تغییر در ارزش آن باید در قلم اصلی جداگانه‌ای در بخش داراییها ارائه شود. در مقابل، اگر قلم مصون‌شده برای یک دوره زمانی قیمت‌گذاری مجدد، یک بدهی باشد، تغییر در ارزش آن در قلم اصلی جداگانه‌ای در بخش بدهیها ارائه می‌شود. این اقلام اصلی، اقلام اصلی جداگانه مورد اشاره در بند رب114 (چ) هستند. تخصیص مشخص به تک تک داراییها (یا بدهیها) الزامی نیست.

رب124. بند رب114 (خ) بیان می‌کند که عدم اثربخشی به میزانی ایجاد می‌شود که تغییر در ارزش منصفانه قلم مصون‌شده که قابل انتساب به ریسک مصون‌شده است، با تغییر در ارزش منصفانه ابزار مشتقه مصون‌سازی تفاوت داشته باشد. این تفاوت ممکن است ناشی از دلایل متعددی به شرح زیر باشد:

الف. تاریخهای قیمت‌گذاری مجدد واقعی با تاریخهای مورد انتظار تفاوت داشته باشد، یا تاریخهای قیمت‌گذاری مجدد مورد انتظار تجدیدنظر شوند؛

ب. اقلام مندرج در پرتفوی مصون‌شده در حال کاهش ارزش یا قطع شناخت باشند؛

پ. تاریخهای پرداخت ابزار مصون‌سازی و قلم مصون‌شده متفاوت باشد؛ و

ت. سایر دلایل (برای مثال، چنانچه تعدادی از اقلام مصون‌شده دارای بهره‌ای پایین‌تر از نرخ مبنایی باشند که برای آن نرخ، به عنوان مصون‌شده اختصاص یافته‌اند، و عدم اثربخشی به وجود آمده به اندازه‌ای بزرگ نباشد که کل پرتفوی، واجد شرایط حسابداری مصون‌سازی شود).

این عدم اثربخشی¹⁰ باید تشخیص داده شود و در سود یا زیان دوره شناسایی گردد.

رب125. بطور کلی، اثربخشی مصون‌سازی در صورتی بهبود می‌یابد که:

¹⁰ ملاحظات مربوط به اهمیت در این استاندارد با ملاحظات بکار رفته در سایر استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی یکسان است.

الف. واحد تجاری اقلام با ویژگیهای تسویه پیش از سررسید متفاوت را به شیوه‌ای زمانبندی کند که تفاوت در رفتار تسویه پیش از سررسید، در آن لحاظ شده باشد.

ب. تعداد اقلام موجود در پرتفوی بیشتر باشد. اگر تنها تعداد کمی از اقلام در پرتفوی گنجانده شوند، عدم اثربخشی نسبتاً بالا در صورتی محتمل است که یکی از اقلام زودتر یا دیرتر از انتظار، پیش از سررسید تسویه شود. در مقابل، چنانچه پرتفوی شامل اقلام متعددی باشد، رفتار تسویه پیش از سررسید با دقت بیشتری قابل پیش‌بینی است.

پ. دوره‌های زمانی قیمت‌گذاری مجدد مورد استفاده کوتاه‌تر باشند (برای مثال، دوره‌های زمانی قیمت‌گذاری مجدد یک ماهه در مقابل سه ماهه). دوره‌های زمانی قیمت‌گذاری مجدد کوتاه‌تر، تأثیر هرگونه عدم تطابق بین تاریخهای قیمت‌گذاری مجدد و تاریخهای پرداخت (در دوره‌های زمانی قیمت‌گذاری مجدد) قلم مصون‌شده و ابزارهای مصون‌سازی را کاهش می‌دهد.

ت. تعداد دفعاتی که مبلغ ابزار مصون‌سازی برای انعکاس تغییرات در قلم مصون‌شده (برای مثال، به دلیل تغییر در انتظارات تسویه پیش از سررسید) تعدیل می‌شود، بیشتر باشد.

رب126. واحد تجاری اثربخشی را به صورت ادواری آزمون می‌کند. در صورتی که برآورد تاریخهای قیمت‌گذاری مجدد، بین تاریخی که در آن تاریخ واحد تجاری اثربخشی را ارزیابی می‌کند و تاریخ بعدی تغییر کند، باید مبلغ اثربخشی را به یکی از شیوه‌های زیر محاسبه کند:

الف. به عنوان تفاوت بین تغییر در ارزش منصفانه ابزار مصون‌سازی (به بند رب114 ح) مراجعه شود) و تغییر در ارزش کل قلم مصون‌شده که به تغییر در نرخ بهره مصون‌شده قابل انتساب است (شامل تأثیری که تغییر در نرخ بهره مصون‌شده بر ارزش

منصفانه اختیار تسویه پیش از سررسید
تعبیه‌شده دارد؛ یا

ب. با استفاده از تقریب زیر. واحد تجاری:

1. درصد داراییها (یا بدهیها) در هر دوره زمانی قیمت‌گذاری مجدد که مصون شده است را بر مبنای تاریخهای قیمت‌گذاری مجدد برآوردی در آخرین تاریخ آزمون اثربخشی، محاسبه کند.

2. این درصد را برای برآورد تجدیدنظرشده مبلغ در آن دوره زمانی قیمت‌گذاری مجدد بکار گیرد تا مبلغ قلم مصون‌شده را بر مبنای برآورد تجدیدنظرشده محاسبه نماید.

3. تغییر در ارزش منصفانه برآورد تجدیدنظرشده قلم مصون‌شده را که به ریسک مصون‌شده قابل انتساب است، محاسبه کند و آن را به‌گونه‌ای که در بند رب114 (چ) تعیین شده است، ارائه نماید.

4. عدم اثربخشی را به میزان تفاوت بین مبلغ تعیین‌شده در قسمت (3) و تغییر در ارزش منصفانه ابزار مصون‌سازی (به بند رب114 (ح) مراجعه شود) شناسایی کند.

رب127. هنگام اندازه‌گیری اثربخشی، واحد تجاری تجدیدنظر در تاریخهای قیمت‌گذاری مجدد برآوردی داراییها (یا بدهیها)ی فعلی را از ایجاد داراییها (یا بدهیها)ی جدید تفکیک می‌کند، زیرا تنها مورد اول منجر به عدم اثربخشی می‌شود. تمام تجدیدنظرها در تاریخهای قیمت‌گذاری مجدد برآوردی (به غیر از مواردی که طبق بند رب121 در نظر گرفته نمی‌شوند)، شامل هرگونه تخصیص مجدد اقلام فعلی بین دوره‌های زمانی، هنگام تجدیدنظر در مبلغ برآوردی در یک دوره زمانی طبق بند رب126 (ب) (2) و در نتیجه، هنگام اندازه‌گیری اثربخشی، در نظر گرفته می‌شوند. زمانی که عدم اثربخشی به شرح بالا شناسایی شد، واحد تجاری برآورد جدیدی از کل داراییها (یا بدهیها) در هر دوره زمانی

قیمت‌گذاری مجدد، شامل داراییها (یا بدهیها) ی جدیدی که از زمان آخرین آزمون اثربخشی ایجاد شده است، انجام می‌دهد و مبلغ جدیدی را به عنوان قلم مصون‌شده و درصد جدیدی را به عنوان درصد مصون‌شده اختصاص می‌دهد. روشهای تعیین‌شده در بند رب126 (ب) در تاریخ بعدی آزمون اثربخشی، تکرار می‌شوند.

رب128. اقلامی که از ابتدا برای یک دوره زمانی قیمت‌گذاری مجدد برنامه‌ریزی شده‌اند، ممکن است به دلیل تسویه پیش از سررسید زودتر از انتظار یا حذف ناشی از کاهش ارزش یا فروش، قطع شناخت شوند. در این موارد، مبلغ تغییر در ارزش منصفانه منظور شده در قلم اصلی جداگانه اشاره شده در بند رب114 (چ) که به قلم قطع شناخت شده مربوط است، باید از صورت وضعیت مالی حذف شود و در سود یا زیان ناشی از قطع شناخت آن قلم منظور گردد. برای این منظور، آگاهی از دوره (های) زمانی قیمت‌گذاری مجددی که قلم قطع شناخت شده برای آن دوره (ها) زمانبندی شده است، ضروری می‌باشد، زیرا این موضوع تعیین‌کننده دوره (های) زمانی قیمت‌گذاری مجددی است که قلم قطع شناخت شده از آن (ها) حذف می‌شود و در نتیجه، تعیین کننده مبلغی است که از قلم اصلی جداگانه اشاره شده در بند رب114 (چ) حذف می‌شود. چنانچه یک قلم، قطع شناخت شود، در صورتی که بتوان تعیین کرد که در کدام دوره زمانی منظور شده است، از آن دوره زمانی حذف می‌شود. در غیر این صورت، اگر قطع شناخت ناشی از تسویه پیش از سررسید، بیشتر از انتظار باشد از اولین دوره زمانی حذف می‌شود، یا در صورتی که به فروش برسد یا کاهش ارزش یابد، بر مبنایی سیستماتیک و منطقی به تمام دوره های زمانی دربرگیرنده قلم قطع شناخت شده، تخصیص می‌یابد.

رب129. افزون بر این، مبالغ مربوط به یک دوره زمانی خاص که در پایان آن دوره زمانی قطع شناخت نشده است، در آن زمان در سود یا زیان دوره شناسایی می‌شود (به بند 89 الف مراجعه شود). برای مثال، فرض کنید واحد تجاری اقلامی را در سه دوره زمانی قیمت‌گذاری مجدد زمانبندی می‌کند. در اختصاص مجدد قبلی، تغییر در ارزش منصفانه گزارش شده در یک

قلم اصلی واحد در صورت وضعیت مالی، یک دارایی معادل 25 واحد پول بود. این مبلغ، به ترتیب، بیانگر مبالغ 7 واحد پول، 8 واحد پول و 10 واحد پول قابل انتساب به دوره‌های 1، 2 و 3 می‌باشد. در اختصاص مجدد بعدی، داراییهای قابل انتساب به دوره 1 یا بازیافت می‌شود یا مجدداً در دوره‌های دیگر زمانبندی می‌شود. بنابراین، 7 واحد پول از صورت وضعیت مالی قطع شناخت می‌شود و در سود یا زیان دوره شناسایی می‌گردد. اکنون، 8 واحد پول و 10 واحد پول، به ترتیب، به دوره‌های 1 و 2 قابل انتساب هستند. این دوره‌های باقیمانده، در صورت لزوم، بابت تغییر در ارزش منصفانه به شرح بند رب114(چ) تعدیل می‌شوند.

رب130. به عنوان توضیح الزامات دو بند قبل، فرض کنید که واحد تجاری داراییها را از طریق تخصیص درصدی از پرتفوی به هر یک از دوره‌های زمانی قیمت‌گذاری مجدد، زمانبندی می‌کند. همچنین، فرض کنید که 100 واحد پول را در هر یک از دو دوره زمانی نخست زمانبندی می‌نماید. در پایان نخستین دوره زمانی، 110 واحد پول از داراییها به دلیل تسویه پیش از سررسید مورد انتظار و غیرمنتظره قطع شناخت می‌شود. در این حالت، تمام مبالغ منظور شده در قلم اصلی جداگانه اشاره شده در بند رب114(چ) که مربوط به نخستین دوره زمانی است، به اضافه 10 درصد از مبلغ مربوط به دومین دوره زمانی، از صورت وضعیت مالی حذف می‌شود.

رب131. در صورتی که مبلغ مصون‌شده برای دوره زمانی قیمت‌گذاری مجدد، بدون داراییها (یا بدهیها) مرتبط قطع شناخت‌شده کاهش یابد، مبلغ منظور شده در قلم اصلی جداگانه اشاره شده در بند رب114(چ) که به این کاهش مربوط است باید طبق بند 92 مستهلک شود.

رب132. ممکن است واحد تجاری بخواهد رویکرد تعیین‌شده در بندهای رب114 تا رب131 را برای مصون‌سازی پرتفویی که در گذشته طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری 39 به عنوان مصون‌سازی جریانهای نقدی به حساب گرفته شده است، بکار گیرد. این واحد تجاری اختصاص پیشین به عنوان مصون‌سازی جریانهای نقدی را طبق بند 101(ت) لغو می‌کند و الزامات تعیین‌شده در آن بند را بکار می‌گیرد. همچنین،

واحد تجاری این مصون‌سازی را به عنوان مصون‌سازی ارزش منصفانه اختصاص می‌دهد و رویکرد تعیین‌شده در بندهای رب114 تا رب131 را با تسری به آینده برای دوره‌های حسابداری بعدی اعمال می‌کند.

گذار (بندهای 103 تا 108ب)

رب133. ممکن است واحد تجاری در ابتدای دوره سالانه‌ای که از اول ژانویه سال 2005 یا پس از آن شروع می‌شود (یا به منظور تجدید ارائه اطلاعات مقایسه‌ای، ابتدای دوره مقایسه‌ای قبلی)، معامله پیش‌بینی‌شده درون‌گروهی را در مصون‌سازی که طبق این استاندارد (اصلاح‌شده از طریق آخرین جمله بند 80)، شرایط حسابداری مصون‌سازی را احراز می‌کند، به عنوان قلم مصون‌شده اختصاص دهد. چنین واحد تجاری ممکن است از این اختصاص، برای بکارگیری حسابداری مصون‌سازی در صورتهای مالی تلفیقی از ابتدای دوره سالانه‌ای که از اول ژانویه سال 2005 یا پس از آن شروع می‌شود (یا ابتدای دوره مقایسه‌ای قبلی) استفاده کند. واحد تجاری باید بندهای رب99الف و رب99ب را نیز از ابتدای دوره سالانه‌ای که از اول ژانویه سال 2005 یا پس از آن شروع می‌شود، بکار گیرد. با وجود این، طبق بند 108ب، نیازی نیست بند رب99ب راهنمای بکارگیری برای اطلاعات مقایسه‌ای در دوره قبلی بکار گرفته شود.